

影

عنوان و نام پدیدآور: جهاد علمی و نقش تشکل‌های دانشجویی / نویسندگان سیدپیمان امین‌مدنی ... [و دیگران] مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص

شابک: ۱-۸۱۲-۵۳۱-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: نویسندگان سیدپیمان امین‌مدنی، سجاد اکبری، محمد فدایی، محمدشریف قیصری. یادداشت: کتابنامه .

موضوع: دانشجویان - ایران - فعالیت‌های پژوهشی

موضوع: دانشجویان - ایران - انجمن‌ها

موضوع: علوم - ایران - آینده‌نگری

موضوع: دانشجویان - ایران - نگرش‌ها

شناسه افزوده: امین مدنی، سیدپیمان،

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ج۹ / الف / LB۲۳۳۹

رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۳۴۰۹۵۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۵۷۸۸۷



نشر منیر

جہادِ علم و نقشِ تشکلیں ہای دانشجوئیے



سید پڑمان امین مدنی
سجاد اکبری
محمد فدایی
محمد شریف قیصری



نشر معارف

جهد علمي و نقش تشكیل های دانشجویی

نویسنده سیدپژمان امین مدنی، سجاد اسکری، محمد فدایی، محمد شریف قیصری صفحه‌آرا مهدیه شیربخت ناشر دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها) نوبت چاپ اول، ۱۳۹۴/۳۰۰۰ نسخه قیمت ۵۵۰ تومان شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۵۲۱ ۸۱۲ ۱

مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴ پاتوق کتاب قم (نمبه ایل)، خیابان شهدا، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۷۳۵۴۵۱ پاتوق کتاب قم (نمبه دوم)، ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، تلفن: ۳۲۹۰۴۴۴۰ پاتوق کتاب تهران خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲ پاتوق کتاب شیراز سی متری سینما سعدی، بین چهارراه ذوالانوار و چهارراه مشیرنو، پلاک ۱۵۰، تلفن: ۷۱۳۲۳۴۴۶۱۵ پاتوق کتاب مشهد چهارراه شهدا، خیابان آیت الله بهجت، نیش کوچه هفتم، تلفن: ۵۱۳۲۲۲۰۱۱۹ پاتوق کتاب کرمانشاه چهارراه مدرس، خیابان یزشکان، پلاک ۲۲، تلفن: ۰۸۳۳۷۲۳۸۴۱۱ پاتوق کتاب کرمان خیابان شهید مطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن: ۰۲۴۲۲۳۱۴۶۶ پاتوق کتاب رشت خیابان امام خمینی، روبروی بانک رفاه، تلفن: ۱۳۳۳۳۲۰۶۹۷ پاتوق کتاب تبریز میدان ساعت، انتهای خیابان مقصودیه، جنب سازمان فناوری اطلاعات شهرداری، تلفن: ۰۴۱۳۵۵۷۶۰۰۰ پاتوق کتاب کرج چهارراه طالقانی، به سمت میدان سیاه، بعد از زیرگذر، جنب هلال احمر، ساختمان دی، طبقه زیرزمین، تلفن: ۰۲۶۳۴۴۳۵۲۹۰ پاتوق کتاب شهرکرد خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از سه راه سینما، تلفن: ۳۸۳۲۲۴۳۲۲۲ پاتوق کتاب قزوین چهارراه بنیاد شهید، روبروی بانک سپه و بانک مهر اقتصاد، تلفن: ۰۲۸۳۳۳۳۲۲۸۰۶ پاتوق کتاب ساری میدان شهدا، خیابان ۱۸ دی، روبروی مسجد امام حسین (ع)، تلفن: ۰۱۱۳۳۲۵۳۰۲۰ پاتوق کتاب ارومیه تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نیش چهارراه مافی، تلفن: ۰۴۴۳۳۵۴۵۲۲ پاتوق کتاب اراک خیابان امام خمینی (ع)، خیابان میرزا شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن: ۰۸۶۳۳۳۲۲۹۰۳۸ پاتوق کتاب اصفهان چهارراه تختی، خیابان مسجد سید، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۳۱۳۳۳۳۳۱۶۹ پاتوق کتاب اردبیل سه راه دانش، خیابان اسماعیل بیگ، جنب بانک ایران زمین، ۳۲۲۶۰۳۱۴ پاتوق کتاب بیرجند خیابان پاسداران، نیش پاسداران ۱۹، پلاک ۵۴، تلفن: ۰۵۶۳۳۴۲۰۰۷۸ پاتوق کتاب ایلام خیابان آیتالله حیدری، روبروی مسکن و شهرسازی استان، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۸ پاتوق کتاب گرگان مقالیل پارک شهر، کوچه بوعلی، تلفن: ۰۱۷۳۳۳۳۳۳۷۸۸۰ پاتوق کتاب اهواز خیابان نادری، خیابان شهید سراج، ساختمان یاس، طبقه همکف، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۴ پاتوق کتاب بندرعباس خیابان دانشگاه، جنب مؤسسه اعتباری عسکریه، پاساژ کاکتوس، تلفن: ۰۷۶۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ پاتوق کتاب بوشهر خیابان امام خمینی، جنب حوزه علمیه امام خمینی، تلفن: ۰۹۱۷۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ پاتوق کتاب زنجان خیابان امام خمینی، جنب امامزاده سیدابراهیم (ع) تلفن: ۰۲۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ پاتوق کتاب خرم آباد خیابان شهید مطهری، سه راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴

پایگاه اینترنتی ketabroom.ir نشانی اینترنتی info@ketabroom.ir

این کتاب با حمایت
سازمان بسیج دانشجویی تألیف شده است.

فهرست

- چرا این کتاب نوشته شد؟ ۱۳
- این کتاب چطور تدوین و نگاشته شد؟ ۱۳
- این کتاب چه قسمت‌هایی دارد؟ ۱۶

فصل اول: علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران

- علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران ۲۱
۱. تلاش‌ها برای جداسازی علم از دین ۲۲
- الف. اولین جلوه‌های علم در جهان از طرف مذهبی‌ها بوده است ... ۲۳
- ب. در زمان قرون وسطی، مسلمانان در اوج شکوفایی بودند ۲۴
- ج. تاریخ هزار ساله کشور ما، نشانگر همراهی همیشگی علم و دین است ۲۵
- د. غربی‌ها نیز به جلو بودن مسلمانان در عرصه علمی، معترف اند ... ۲۶
- أ. هدف غربی‌ها از ترویج جدایی علم و دین در کشورهای مسلمان .. ۲۶
۲. ترفندهای غربی‌ها، برای سلطه علمی بر جهان ۲۷
- الف. ترفند اول تسخیر ملت‌ها از طریق تثبیت عقب ماندگی همیشگی و گرفتن اراده مبارزه از آن‌هاست ۲۸
- ب. ترفند دوم القای «نمی‌توانید» از طریق دروغی تاریخی است که علم در تمام طول تاریخ تنها و تنها در نزد آن‌ها بوده است ۲۹
- ج. ترفند سوم صادرات محصولات نهایی علمی و فناوری، برای جلوگیری از پیشرفت علمی و تولید فناوری در داخل کشورهاست ۳۰
- د. ترفند چهارم در دسترس قرار دادن «علوم از رده خارج و غیر دسته اول» برای سایر ملت‌هاست ۳۱
۳. نقش روشنفکرانها در عقب ماندگی علمی کشور ۳۲
- الف. اولین کار روشنفکرانها، القای بی‌ارزشی و خودباختگی به ملت است ۳۳
- ب. دومین کار روشنفکرانها، القای ترس و تضعیف روحیه‌هاست .. ۳۳
- ج. سومین کار روشنفکرانها، ترویج باور «ما نمی‌توانیم» است ۳۴
- د. فروختن شرف و هویت ملت در ازای هیچ! ۳۵

فصل دوم: ضرورت و اولویت جهاد علمی

- ضرورت و اولویت جهاد علمی ۳۹

۱. تنها راه رسیدن به «اقتدار»، جهاد علمی است ۴۰
- الف. در منطق حضرت امیر علیه السلام علم عامل اقتدار است ۴۱
- ب. استقلال سیاسی و عزت و شرف کشور، بدون علم ممکن نیست ۴۱
- ج. اگر علم نداشته باشیم، چاقوکش‌های دنیا بر ما مسلط می‌شوند ۴۱
- د. علم عامل پیشرفت و اقتدار پایداری و تمام ناشدنی است ۴۲
- ه. اگر علم نباشد، هیچ چیز نداریم ۴۲
- و. امنیت بلندمدت کشور به علم وابسته است ۴۳
۲. «مرجعیت» در جهان، بدون جهاد علمی ممکن نیست ۴۴
- الف. یک تبلیغ بزرگ برای بیدار کردن ملت‌های جهان ۴۴
- ب. حیات آینده امت اسلامی و دنیای اسلام به حرکت علمی ما وابسته است ۴۵
- ج. بدون علم، نمی‌توان روی بشریت اثر گذاشت ۴۵
- د. علم باعث می‌شود، آرمان‌ها و ارزش‌های ما منتقل شود ۴۵
- ه. جهت‌انگیزی فرهنگی را، علم و فناوری تعیین می‌کند ۴۶
- و. عامل اصلی برای برهم زدن نظام سلطه، علم است ۴۶
- ز. مرجعیت در گرو پیشرفت است ۴۷
- ح. تنها با علم می‌توان به تمدن اسلامی رسید؛ سخت‌افزار تمدن اسلامی، علم است ۴۷
۳. تحقق «اقتدار» و «مرجعیت» علمی، کار ویژه دانشگاه، دانشجو و تشکل‌های دانشجویی ۴۸
- الف. تأمین رفاه و عزت و استقلال کشور، فلسفه وجودی و رسالت تاریخی دانشگاه است ۴۹
- ب. کار علمی، وظیفه شرعی و اجتماعی دانشجویان است ۴۹
- ج. یکی از آرمان‌های دانشجویی، مسأله علم است ۵۰
۴. برکات کار علمی ۵۱
- الف. ایجاد ظرفیت عظیم، برای نیروی انسانی ۵۱
- ب. تربیت نیروی متعهد و متخصص ۵۲
- ج. تغییر فضای علمی و پمپاژ روحیه و امید به دانشگاه ۵۲
- د. کار علمی این زمان، کمک به پیدا نمودن حوزه تخصصی در آینده ۵۳

فصل سوم: الگوی جهاد علمی در تشکل های دانشجویی

- ۵۷ الگوی جهاد علمی در تشکل های دانشجویی
- ۵۷ ۱. آشفته‌نگی نگاه‌ها در مورد کار علمی تشکل های دانشجویی
- ۵۹ ۲. الگوی مطلوب کار علمی تشکل های دانشجویی
- ۶۷ دو نکته مهم

فصل چهارم: مواجهه تخصصی با مسائل کشور گام های عملی

- ۷۳ ۱. مواجهه تخصصی با مسائل کشور؛ گام های علمی
- ۷۴ ۱. تشکیل تیم حول موضوع یا حوزه تخصصی
- ۷۶ ۱-۱ اولین قدم، وجود فرد محوری است
- ۷۷ ۱-۲ نیروی انسانی سیال دانشجویی باید مدیریت شود
- ۷۷ ۱-۳ دغدغه مند کردن افراد، بسیار مؤثر است
- ۷۸ ۱-۴ تیم سازی نیازی به اساسنامه و... ندارد
- ۷۹ ۱-۵ مطالب مرتبط به درس ها، نیروها را جذب می کند
- ۷۹ ۱-۶ تیم باید تدریجاً توسعه یابد
- ۷۹ ۱-۷ تناوب جلسات مهم است
- ۸۰ ۱-۸ نقش هیأت علمی ها باید مشورتی باشد
- ۸۰ ۱-۹ تمرکز کردن روی موضوع، عامل اصلی موفقیت
- ۸۱ ۱-۱۰ فرصت برابر برای همه دانشجویها
- ۸۱ ۲. کسب تحلیل کلان از رشته و حوزه تخصصی و شناخت مسائل ...
- ۸۳ اجمالی از روش های اجرایی برای کسب شناخت و دید کلان
- ۸۳ الف. برگزاری جلسات منظم فکر و نقد
- ۸۵ ب. دعوت افراد عمیق و متخصص در موضوع برای ارائه مطلب
- ۸۷ پ. خوب درس خواندن
- ۸۷ ج. برگزاری بازدیدهای هدفدار با حضور راهنمای متبحر
- ۸۸ د. رصد اتفاقات و تحولات حوزه تخصصی
- ۸۹ ه. تهیه لیست اولویت های حوزه تخصصی
- ۸۹ و ۹۰ ۳ و ۴. انتخاب مسأله و تسلط بر آن و رسیدن به محتوای قابل پیگیری
- ۹۰ ۵. مطالبه گری تخصصی و گفتمان سازی عمومی
- ۹۴ ابزارهای مطالبه گری و گفتمان سازی
- الف. دعوت مسئولین به دانشگاه، برای شنیدن حرف های
- ۹۴ دانشجویان

- ب. فضاسازی رسانه‌ای ۹۶
- ج. برگزاری برنامه‌های دانشگاهی و علنی ۹۷
- د. تجمع، تحصن و ۹۷
- ه. انتشار نشریه و تولید محصولات فرهنگی ۹۷
- ملاحظات مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی ۹۹
- الف. تفاوت سؤال پرسیدن و قضاوت کردن ۹۹
- ب. تکمیل نکردن پازل دشمن ۱۰۰
- ج. طرح سؤال، تبدیل به معارضا نشود ۱۰۱
۶. پیگیری حل مسأله ۱۰۱

فصل پنجم: جنبش نرم‌افزاری: گام‌های عملی

- جنبش نرم‌افزاری: گام‌های عملی ۱۰۵
- چرا فرهنگ‌سازی حائز اهمیت است؟ ۱۰۷
- چه محورهایی باید در فرهنگ‌سازی مدنظر باشد؟ ۱۰۹
- الف. گسترش روحیه علمی و علاقه به تحقیق ۱۱۰
- ب. به وجود آوردن هویت علمی ۱۱۰
- ج. تعیین جایگاه کار علمی در اقتدار کشور ۱۱۱
- د. ارتقای جرأت علمی و رفتن مسیرهای جدید ۱۱۱
- ه. گسترش امید به آینده و نشاط و پویایی در میان جوانان ۱۱۲
- و. به وجود آوردن نگاه تمدنی و روحیه جهادی در عرصه علمی ۱۱۴
- ز. به وجود آوردن و گسترش روحیه بدهکاری به کشور ۱۱۵
- برای فرهنگ‌سازی چه ابزارها یا ایده‌هایی وجود دارد؟ ۱۱۶
- الف. اطلاع‌رسانی مؤثر پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور ۱۱۶
- ب. تکریم علم و عالم ۱۱۸
- ج. معرفی الگوهای موفق ۱۲۰

فصل ششم: نکات تکمیلی در باب الگو

- نکات تکمیلی در باب الگو ۱۲۵
۱. سازمان‌دهی واحد علمی در تشکل‌ها ۱۲۷
۲. نسبت کار دانشجویی و کار حرفه‌ای ۱۲۸
۳. پاسخ به شبهات رایج «ما نمی‌توانیم» ۱۲۹

فصل هفتم: الزامات و ملاحظات جهاد علمی

- الزامات و ملاحظات جهاد علمی ۱۳۷
۱. بصیرت دینی ۱۳۷
- الف. علم باید با ایمان و روشنفکری هماهنگ باشد ۱۳۷
- ب. ایمان باید بر کار علمی تسلط داشته باشد ۱۳۸
- ج. اسلام علم را با ایمان می‌خواهند ۱۳۸
- د. بد است که متخصص ما قرآن را هر روز نخواند ۱۳۹
- ه. طالب علم به پارسیابی نیاز دارد ۱۴۰
۲. سخت‌کوشی ۱۴۰
- الف. تنبلی علم را ضایع می‌کند ۱۴۱
- ب. نگذارید تنبلی شما را وسوسه کند ۱۴۱
- ج. اینکه غرب برای ما می‌سازد، سروری است یا تنبلی؟ ۱۴۲
- د. نباید به دستاوردهای کنونی قانع شد ۱۴۳
- ه. می‌توانیم، اما تلاش لازم دارد! ۱۴۳
۳. خودباوری و امید به آینده ۱۴۴
- الف. بزرگ‌ترین عید برای ما، روز خودباوری جوان‌هاست ۱۴۴
- ب. اساسی‌ترین قضیه امید است ۱۴۴
- ج. دنباله‌روی محض، بیراهه است ۱۴۵
- د. خود کم بینی ممنوع! ۱۴۶
۴. روحیه انقلابی ۱۴۷
- الف. دستگاه علمی کشور باید انقلابی جلو برود ۱۴۷
- ب. فضای انقلابی، لازمه درس و تحقیق ۱۴۷
- ج. کار علمی روحیه انقلابی می‌خواهد، نه پول ۱۴۸
- د. رشد علمی به تنهایی ارزشی ندارد ۱۴۹
۵. آزاد اندیشی و نواندیشی ۱۴۹
- الف. نواندیشی و نوآوری، وظیفه آرمانی محیط علمی ۱۴۹
- ب. حقیقتاً به آزاداندیشی نیاز داریم ۱۵۰
- ج. آزاداندیشی مقدمه‌ای برای بارور شدن علم ۱۵۰
- د. کلید تولید علم دینی ۱۵۱
۶. عدم چشم داشت مادی داشتن ۱۵۱
- الف. کار علمی با پول موازنه نشود ۱۵۱

- ب. مهم‌ترین پیشرفت‌های بشر، ماباه‌ازای مادی نداشته است ۱۵۲
- ج. کار علمی برای پول درآوردن جزء فرهنگ اسلامی نیست ۱۵۲
۷. توجه به مقوله درس خواندن ۱۵۳
- الف. بی‌اعتن-ایی به برنامه‌های درسی پذیرفته نیست ۱۵۳
- ب. درس خواندن، یک فریضه است ۱۵۴
- ج. علمی که عبادت می‌شود ۱۵۴
- د. سرو کار داشتن با کتاب، لازمه کار علمی ۱۵۵

چرا این کتاب نوشته شد؟

«دانشجو، مؤذن جامعه است. اگر دانشجو خواب بماند، نماز امت قضا می‌شود.» این جمله از شهید آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله علیه، گویای اهمیت بیداری و زنده بودن جریان دانشجویی است. این زنده بودن، به حضور به موقع و عالمانه در عرصه‌های اولویت‌دار و امروز انقلاب اسلامی است. امروزه، مسأله علم و کار علمی و اثراتی که آن بردو حوزه اقتصاد و فرهنگ دارد، بنا بر تأکیدات و تصریحات مقام معظم رهبری، جزو اولویت‌های اول کشور است. تبیین «اهمیت ورود به عرصه جهاد علمی» و نیز تشریح «چیستی و چگونگی این جهاد علمی» که جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی باید انجام دهند، هدف اصلی از نگارش این مجموعه بوده است تا تشکل‌ها و جریان‌های دانشجویی راحت‌تر بتوانند وظیفه خطیر خود را انجام دهند.

این کتاب چطور تدوین و نگاشته شد؟

کتاب حاضر، حاصل مطالعه و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در حوزه علم، کار علمی و کار دانشجویی، گفتگوبا فعالان تشکل‌های دانشجویی و ثبت تجربیات آن‌ها، مصاحبه با صاحب‌نظران موضوع در رده‌های مختلف و نیز تحلیل و جمع‌بندی نگارندگان است. برای تحلیل بیانات رهبر معظم

انقلاب، کلیه بیانات ایشان، از ابتدای دوران رهبری تا سال ۱۳۹۳ که به موضوع علم، کار علمی و یا کار دانشجویی مربوط بوده است، انتخاب، دسته‌بندی و در جلساتی بحث شد. همچنین به صورت موازی گفتگو با فعالان دانشجویی دانشگاه‌های مختلف آغاز گردید تا تجربیات واقعی و موفق آن‌ها ثبت گردد. در این مرحله نیز با فعالان حدود ۵۰ دانشگاه از سراسر کشور گفتگوهایی ترتیب داده شد و نظرات و تجربیات آنان جمع‌آوری گردید. در ادامه و با توجه به جوانب گسترده موضوع، گفتگوهای اختصاصی با افراد مختلف که هر یک از منظری در این امر صاحب نظر بوده‌اند، انجام شده است. در این مرحله با دکتر سلطان‌خواه (معاون علمی سابق رئیس جمهور)، دکتر اکرمی‌فر (مدیرعامل دفتر همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری و معاون سابق سیاست‌گذاری ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور)، دکتر باوی (معاون سابق علمی سازمان بسیج دانشجویی)، مهندس مرتضی فیروزآبادی (معاون علمی سازمان بسیج دانشجویی)، دکتر بهمن‌آبادی (معاون دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر معینی (رئیس دانشکده پیشرفت دانشگاه علم و صنعت)، دکتر جهان‌بین (معاون فرهنگی دانشگاه بین‌المللی قزوین)، دکتر نقشینه (عضو هیأت علمی دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)، مهندس نعمتی (کارشناس ارشد ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور)، مهندس جلالی‌منش (استاد دانشگاه و مدیرعامل شرکت توسعه تفکر روش آفرین)، دکتر باقری (مدیر



مرکز «ارتباط صنعت و دانشگاه» دانشگاه صنعتی شریف)، مهندس قطبی نژاد (مدیرعامل پژوهشکده شهید رضایی دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر سید حسین شهرستانی (مدیرعامل موسسه علوم انسانی اشراق)، حجت الاسلام محمدی (کارشناس ارشد فرهنگستان علوم اسلامی)، مهندس قانعی (جانشین سابق بسیج دانشجویی و مدیرعامل شرکت توسعه صنعت و مدیریت شریف)، وحید جلیلی (مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و رئیس شورای سیاست‌گذاری جشنواره فیلم عمار)، عطاالله بیگدلی (مسئول اسبق بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام)، صادق شهبازی (فعال دانشجویی و دبیر اسبق جنبش عدالت خواه دانشجویی)، علیرضا معادی (مسئول اسبق بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، علی حسن زاده (مسئول سابق بسیج دانشجویی و مدیرعامل مرکز مطالعات سیاست‌گذاری صنعتی دانشگاه امیرکبیر)، محمد سیارپور (مسئول علمی بسیج دانشجویی) و سید سجاد موسوی (مسئول مرکز سلامت بسیج دانشجویی دانشگاه تهران) گفتگوهایی اختصاصی صورت گرفت. برآیند نظرات و داده‌های حاصل از سه فرآیند تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، گفتگو با فعالان فعلی تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور و گفتگو با بعضی خبرگان علمی و اجرایی این حوزه، توسط گروه نویسندگان کتاب تحلیل و پس از ویرایش محتوایی، در نهایت با تدوین حاضر به صورت کاملاً اجمالی و خلاصه شده، آماده انتشار گردید.

این کتاب چه قسمت‌هایی دارد؟

کتاب حاضر در هفت فصل مجزا شده است. در فصل اول به عنوان مقدمه، جایگاه علمی ایران در گذشته تاریخی خود مورد بررسی قرار گرفته و توضیح داده می‌شود که عقب‌ماندگی علمی امروز کشور، معلول چه علت‌هایی بوده است که خود اولین عامل انگیزشی در ترغیب جوانان کشور به عرصه جهاد علمی است. در فصل دوم ضرورت و اولویت علم و کار علمی توضیح داده می‌شود. هدف از این دو فصل، درک چرایی تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر مسأله پیشرفت علمی است. در انتهای فصل دوم نیز توضیح داده می‌شود که تشکل‌ها و جریان‌های دانشجویی نمی‌توانند نسبت به این مسأله بی‌تفاوت بمانند و اساساً یکی از کارویژه‌های اصلی جریان دانشجویی، ورود به عرصه جهاد علمی است. پس از آن و در فصل سوم، مسأله جهاد علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد و توضیح داده می‌شود که منظور از جهاد دقیقاً چیست و تشکل‌های دانشجویی برای تحقق چه اهدافی باید تلاش کنند. طبق الگوی ارائه شده در این فصل، «مواجهه تخصصی با مسائل کشور» و نیز «جنبش نرم‌افزاری»، دو مأموریت تشکل‌ها و جریانات دانشجویی در ذیل عنوان جهاد علمی است. در فصل چهارم و پنجم این دو مأموریت باز شده و بیشتر توضیح داده می‌شوند، همچنین گام‌های عملی و اجرایی آن‌ها نیز توضیح داده می‌شود. در فصل ششم جمع‌بندی‌ای از سه فصل قبلی ارائه شده و نیز سه نکته تکمیلی در باب جهاد علمی ارائه می‌شود. مسأله «چگونگی سازمان‌دهی این دو



مأموریت در قالب تشکل های دانشجویی»، مسأله «تأسیس پژوهشکده ها یا گروه های پژوهشی و ورود تشکل های دانشجویی به عرصه کار حرفه ای (غیردانشجویی)» و نیز «پاسخ به برخی شبهات رایج در باب جهاد علمی» در این فصل بحث می گردد. در فصل هفتم نیز الزامات کار علمی مورد بحث و بررسی واقع شده است؛ الزامات کار علمی شاخص هایی است که توجه به آن ها باعث می شود فعالیت های علمی موفق شده و دچار آفت ها و آسیب های مربوط به خود نشوند.

به عبارت خلاصه‌تر:

محتوای فصل پاسخی است به سؤال ...	عنوان فصل	
چرا امروز جایگاه علمی ایران مطلوب نیست؟ چه عواملی باعث عقب ماندگی کشور شده‌اند؟	علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران	فصل اول
چرا جهاد علمی امروز در اولویت است و باید در دستور کار جریان‌های دانشجویی قرار بگیرد؟	ضرورت و اولویت جهاد علمی	فصل دوم
جهاد علمی دقیقاً یعنی چه؟ چه باید کرد؟ در پی چه اهدافی باید بود؟	الگوی جهاد علمی در تشکل‌های دانشجویی	فصل سوم
چطور می‌شود با مسائل کشور به صورت تخصصی و کارآمد مواجه شد؟	مواجهه تخصصی با مسائل کشور؛ گام‌های عملی	فصل چهارم
جنبش نرم‌افزاری را چطور می‌توان در دانشگاه محقق کرد؟	جنبش نرم‌افزاری؛ گام‌های عملی	فصل پنجم
آیا جهاد علمی شدنی است؟ چطور می‌شود این کار را در تشکل سامان داد؟	نکات تکمیلی در باب الگو	فصل ششم
کلیدهای موفق در جهاد علمی چیست؟ چگونه می‌توان دچار آسیب‌ها نشد؟	الزامات و ملاحظات جهاد علمی	فصل هفتم

نگارندگان، مشتاقانه منتظر نظرات، پیشنهادهای و اصلاحات برادران و خواهران عزیز هستند تا انشاء الله در چاپ‌های بعدی، نسخه‌ای کامل‌تر در خدمت دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی قرار بگیرد. امید آن‌که این تلاش، مورد رضایت حضرت حق و امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قرار گرفته باشد، انشاء الله.



فصل اول: علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران



علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران

تاریخ هر کشور یکی از بدیهی ترین مؤلفه های هویتی آن کشور و آن ملت است. برای احیا و رشد هویت ملی دانستن تاریخ و تسلط بر آن امری ضروری است. برای درک نقاط قوت و ضعف کشور در حوزه علم و مسائل مرتبط با آن نیز دانستن تاریخ علم کشور و دوران اوج و زوال آن لازم است. علت بسیاری از عدم خودباوری ها، ندیدن گذشته پُرافتخار علمی کشور است که البته در کنار ضعف ها و عقب ماندگی ها باید آن را دید.

بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی ها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می بینید که در دل ها یک حالت ناپاوری به وجود می آید: مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله، من عرض می کنم می شود. شما همت کنید، پنجاه سال دیگر این طوری شود. البته این چیزها در کوتاه مدت اتفاق نمی افتد؛ اما اگر شما امروز در راه درست قدم بردارید، هیچ اشکالی ندارد که پنجاه سال دیگر، جهت اتوبان علم - که امروز یک طرفه و از یک سو به سوی دیگر است - یا دوطرفه شود، یا یک طرفه و از این سو به آن سو شود؛ چه مانعی دارد؟ مگر یک روز این طور نبود؟ یک روز علم را غربی ها از شرق و از همین ایران گرفتند. پایه گذار بسیاری از علوم که

امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هستند. در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانس اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود.^۱

در این فصل، ابتدا تلاش‌ها برای جدا کردن علم از دین به‌عنوان ریشه تاریخی این عقب‌ماندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس نقش غربی‌ها در این عقب‌ماندگی تاریخی تشریح می‌گردد و در انتها نیز به نقش روشنفکران غرب‌زده داخلی در این عقب‌ماندگی چند ده ساله اشاره می‌گردد.

۱. تلاش‌ها برای جداسازی علم از دین

جدا کردن علم از دین، خط اصلی غربی‌ها و دل‌بستگان داخلی آن‌هاست. امروزه نیز برخی روشنفکران وطنی و اساتید دانشگاهی معتقدند آب علم و دین در یک جوی نمی‌رود و اساساً علت ضعف علمی کشور، ارزش‌ها و منطق دینی است. در این بخش از کتاب، بررسی تاریخ علم و دین با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری نشان داده می‌شود که اتفاقاً دین و علم نه تنها دو مؤلفه ناسازگار با یکدیگر نبوده است، بلکه مقوم یکدیگر هستند.

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۱/۷/۳.

الف. اولین جلوه‌های علم در جهان از طرف مذهبی‌ها بوده است

یکی از شگردهای غربی‌ها برای نشان دادن جدایی علم از دین، بزرگ‌نمایی دانشمندان بی‌دین یا ضد دین است، اما بررسی دقیق تاریخ علم و دین این ادعا را به طور یقین رد می‌کند.

علم و دین چندین قرن باهم توأم بودند؛ یعنی علما غالباً کسانی بودند که اهل دین بودند و علم دین و علم غیر علوم دینی، با هم مخلوط بود و دست یک دسته از افراد بود. محمّد بن زکریای رازی یا ابن سینا، فقیه هم بودند، ضمن اینکه یک دانشمند بزرگ هم بودند. دیگران هم همین‌طور.^۱

حتی در اروپا هم اولین مشعل‌داران علم، افراد دینی‌اند. خود این «راجر بیکن» معروف - که فرانسوی‌ها به او «رژه بیکن» می‌گویند - کشیش است؛ آن هم کشیش فرانسویسکن است. نمی‌دانم شما با احوالاتشان آشنا هستید یا نه؟ این‌ها گروه کشیشی بسیار زهدگرایی هستند که خود را تابع «سن فرانسویس» می‌دانند؛ همان «سن فرانسویس» معروف قدیس، که این «سانفرانسویسکو»ی آمریکا هم به اسم اوست. این‌ها اسمای مقدس را روی شهرها می‌گذاشتند. این «سن فرانسویس» معروف، قدیسی بود که دستگاه‌های پاپ آن وقت، به خاطر افشگری این شخص نسبت به تجملات دستگاه پاپ، دشمن خویش بودند. او معارض دستگاه پاپ و معارض آن جاه و جلال‌ها و آن ثروت‌ها و آن زراندوزی‌ها بود، طرفدار زهد بود. اگر بخواهیم مشابه «راجر بیکن» را در میان نحله‌های اسلامی بیابیم، باید مثلاً او را در زمره تصوف خاکساری - که کارشان درویشی و گدایی است - بدانیم.

۱. در دیدار وزیر بهداشت و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۱۳۶۹/۸/۱۰.

کشیش این رشته «راجریکن» معروف است که در قرن سیزدهم میلادی، از اولین پرچم‌داران علم در اروپاست؛ به عبارت دیگر، اولین جلوه‌های علم که به رنسانس اروپا منتهی شد و آن تحول علمی را پدید آورد، باز از طرف مذهبی‌ها بود؛ منتها مذهبی‌های روشن، نه مذهبی‌های تاریک‌ذهن.^۱

ب. در زمان قرون وسطی، مسلمانان در اوج شکوفایی بودند

روش دیگر غربی‌ها برای اثبات جدایی علم و دین، استناد به برهه‌ای از تاریخ است که به آن قرون وسطی می‌گویند و در غرب نماد تاریکی است. غربی‌ها سعی می‌کنند علت این تاریکی را دین و حاکمیت کلیساها معرفی کنند، اما این ادعا نیز در همان مقطع تاریخی نقض می‌شود؛ چرا که در کشورهای مسلمان به ویژه ایران، شاهد هم‌نشینی علم و دین و دوران شکوفایی علم هستیم.

در قرون وسطی، در بین مردم دین بود و زیاد هم بود، تعصب‌آمیز هم بود؛ با این همه علم پیشرفتی نکرد، اما به تدریج از لابه‌لای این صخره‌های دشوار تعصب و اعتقاد دینی، رگه‌های علمی بیرون آمد و جا را برای دین تنگ کرد. خودش بیرون آمد و صحنه‌گردان شد و دین را به انزواراند. این تحلیلی است که آن‌ها می‌کنند. این تحلیل، تحلیل غلطی است؛ یعنی ناشی از حقایق و واقعیات نیست. اولاً قرون وسطی‌یی که آن‌ها می‌گویند، قرون وسطی‌یی دوران جهالت و بدبختی اروپاست، نه دوران عقب‌ماندگی علمی همه جای دنیا؛ این‌ها اروپا را تعمیم می‌دهند. حالا فرض بفرمایید اوج قرون وسطی و تاریکی قرون وسطی چه

۱ در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.

زمانی است؟ قرن‌های دهم و یازدهم و دوازدهم میلادی است؛ یعنی قرن‌های چهارم و پنجم و ششم هجری؛ یعنی اوج شکوفایی علمی کشورهای اسلامی و در رأس همه ایران؛ یعنی قرن ولادت و زندگی ابن‌سینا و رازی و فارابی و دیگران. همه این شخصیت‌های بزرگ، آفتاب‌هایی هستند که از این طرف دنیا تابیدند.^۱

ج. تاریخ هزار ساله کشور ما، نشانگر همراهی همیشگی علم و دین است
نکته مهم آن‌که این همراهی علم و دین تنها منحصر به یک مقطع تاریخی خاص - قرون وسطی - نبوده است و صدها سال علم و دین در کنار یکدیگر، عامل پیشرفت کشور بوده‌اند.

در کشور ما، هزار سال علم و دین در کنار یکدیگر بودند. علما و پزشکان و مُنجمان و ریاضی‌دان‌های بزرگ تاریخ ما - آن‌کسانی که امروز نامشان و اکتشافاتشان هنوز در دنیا مطرح است - جزو علمای بالله و صاحبان دین و متفکران دینی بودند. ابن‌سینایی که هنوز کتاب طب او در دنیا به عنوان یک کتاب زنده علمی مطرح است و در شئون مختلف به عنوان یک چهره برجسته تاریخ بشر، در همه صحنه‌های علمی دنیا در این هزار سال مطرح بوده و هنوز هم مطرح است و بعضی کارها در تاریخچه علم به نام او ثبت شده، یک عالم دینی هم بوده است. محمدبن زکریای رازی و ابوریحان بیرونی و دیگر علما و دانشمندان و متفکران و مکتشفان و مخترعان دنیای اسلام نیز همین‌طور بوده‌اند. این، وضع کشور ما و دنیای اسلام بود.^۲

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۷۸/۷/۱۹.
۲. در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۱۳۸۶/۹/۲۹.

د. غربی‌ها نیز به جلو بودن مسلمانان در عرصه علمی، معترف‌اند

این علم‌ورزی و برتری علمی مسلمانان، تنها روایت مسلمانان از تاریخ نیست، بلکه خود غربی‌ها نیز به این مسأله اعتراف کرده‌اند.

شما به کتاب پیرروسو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید؛ آنجا می‌گوید: چهار پنج قرن قبل، تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید، می‌خواهم فرزندم درس بخواند، او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی، اما اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان نشین بفرستی. این را پیر روسو می‌نویسد؛ این حرف من نیست.^۱

آ. هدف غربی‌ها از ترویج جدایی علم و دین در کشورهای مسلمان

پیگیری سیاست جدایی علم و دین باعث می‌شد که خود به خود، دانشجویان امروز که همان مدیران آینده کشور خواهند بود، از فضای آرمانی و اعتقادی خود جدا شده و در نتیجه، کشور تدریجاً به سمت یک کشور سکولار غیرانقلابی سوق پیدا می‌کرد. محیط دانشگاه به عنوان اصلی‌ترین بستر علم کشور، هدف این برنامه‌ریزی‌ها بود.

در گذشته سعی می‌شد که محیط دانشگاه، از دین و تقوا و تعبد

۱. در دیدار جمعی از جوانان استان همدان، ۱۷/۴/۱۳۸۳.

فاصله بگیرد. هدف از این ترفند که از سوی دشمنان ملت ایران برنامه‌ریزی می‌شد، این بود که نسل تحصیل‌کرده و روشنفکر، دچار لاقیدی و بی‌مبالاتی شده، حساسیت و علاقه خود را به آرمانی بزرگ از دست بدهد و اسیر تمایلات حقیر و سود شخصی شود. دانشگاهیان با شرف و استادان و دانشجویان متدین در آن محیط دشوار، همواره با این ترفند شیطانی مبارزه می‌کردند.^۱

بنیان دانشگاه - یعنی مرکز پرورش انسان‌های دانشمند، طبق پیشرفت‌های علمی روز- بر بی‌دینی و معارضه‌ی با دین گذاشته شد و چندین سال این مسأله را با قوّت و دقت دنبال کردند؛ یعنی نه تنها دین را در دانشگاه‌ها ضعیف کردند، بلکه به معارضه با آن پرداختند.

هدف این‌ها معارضه با دین - به عنوان دین - نبود؛ هدف، همان چیزی بود که اول عرض کردم؛ یعنی بتوانند بر کشورهای اسلامی سلطه پیدا کنند. برای این کار، مجبور بودند نسلی را پرورش بدهند و تربیت بکنند که آینده کشور را - چه از لحاظ اداره و چه از لحاظ سازندگی کشور- به دست بگیرد و به دین اعتقادی نداشته باشد و به ایمان مذهبی پایبند نباشد و بتواند در تصرف آن‌ها واقع بشود. متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند؛ بنابراین، بنای دانشگاه را بنای بدی گذاشتند.^۲

۲. ترفندهای غربی‌ها، برای سلطه علمی بر جهان

در طول تاریخ، غربی‌ها با توجه به درک اهمیت مقوله علم در

۱. پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸/۷/۶.

۲. در دیدار وزیر بهداشت و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۱۳۶۹/۸/۱۰.

پیشرفت جوامع، برای حفظ برتری علمی خود که پس از دوران رنسانس به وجود آمد، ترفندهای متعددی را به کار گرفتند که برای بی‌اثر کردن این ترفندها باید ابتدا آن‌ها را شناخت و سپس برای غلبه بر آن‌ها، برنامه‌ریزی کرد.

الف. ترفند اول تسخیر ملت‌ها از طریق تثبیت عقب‌ماندگی همیشگی و گرفتن اراده مبارزه از آن‌هاست

این تسخیر ملت‌ها تا جایی پیش رفته که مبارزه با غرب و پیشی گرفتن از آن‌ها، تبدیل به رؤیایی تعبیرناشدنی در ذهن ملت‌ها شده است. آن‌ها خوب می‌دانند شکست‌ناپذیری‌شان تا زمانی است که ملت‌ها فکر کنند که «نمی‌توانند».

تسخیر ملت‌ها از طریق تزریق و تحمیل فرهنگ بیگانه، کار تازه شناخته‌ای نیست، بلکه از قدیم بوده است؛ منتها در یکی دو قرن اخیر بر اثر علمی که غربی‌ها به دست آورده‌اند و همه کارهای خودشان را منظم و مرتب و با فرمول و برنامه انجام داده‌اند، این کار را هم با فرمول و برنامه کرده‌اند و می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که این کار را چگونه باید بکنند و کجاها را بیشتر هدف بگیرند. آن‌ها تجربه هم پیدا کرده‌اند و انصافاً در کار تبلیغات، فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌دهی به کشورها و ملت‌ها فوق‌العاده‌اند. شما الآن نگاه کنید؛ اگر به اغلب کشورهای اسلامی بگویند که بناست شما از لحاظ اقتصادی به فلان نقطه اوج برسید، قبول می‌کنند؛ اما اگر بگویند که بناست در رقابت با آمریکا، آمریکا را به زانو درآورید، هیچ‌کدام قبول نمی‌کنند! این یک فرهنگ و فهمی است که به آن‌ها داده شده است. نباید این را نشانه واقع‌بینی آن‌ها گرفت؛

چون واقع قضیه این نیست. ملتی مثل ملت مالزی اگر آدم باعرضه‌ای در رأس آموزش باشد، حداقل با یارگیری می‌تواند این کار را بکند.^۱

ب. ترفند دوم القای «نمی‌توانید» از طریق دروغی تاریخی است که علم در تمام طول تاریخ تنها و تنها در نزد آن‌ها بوده است

این انگاره که علم تنها در غرب است و بس، و ملت‌های دیگر همواره در طول تاریخ عقب مانده بوده‌اند، باعث می‌شود که رؤیای پیشرفت علمی و پیشی گرفتن از غربی‌ها نیز در ذهن ملت‌ها، کمرنگ شود.

در طول تاریخ، علم در بین ملت‌های دنیا دست به دست گشته؛ شما هیچ ملتی را پیدا نمی‌کنید که از اول تا آخر، دانش در اختیار آن‌ها بوده؛ نه، این یکی از سنت‌های خداست. در این مسابقه‌ی در بین جوامع بشری - ملت‌ها مسابقه دارند و از هم جلو می‌زنند - از لحاظ دانش یک وقتی شرق جلو بود، یک وقتی کشورهای اسلامی جلو بودند و یک وقتی بخصوص کشور ایران جلو بود؛ همین حالتی که امروز شما در بعضی از کشورهای غربی مشاهده می‌کنید که از لحاظ علم در رتبه بالایی هستند و دیگران باید سرشان را بالا کنند تا آن‌ها را ببینند، یک روز کشور شما همین حالت را داشت و کشورهای اروپایی و کشورهای شرقی و غربی باید به بالا نگاه می‌کردند تا می‌توانستند دانشمند ایرانی را ببینند؛ دانشمندان عظیمی که نه فقط در علم، حتی در فناوری - فناوری‌های متناسب با آن روز - از همه دنیا جلو بودند. یک

۱. در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸.

روزی این جوری بوده؛ یک روز هم غربی‌ها جلو افتادند.^۱

ج. ترفند سوم صادرات محصولات نهایی علمی و فناوریانه، برای جلوگیری از پیشرفت علمی و تولید فناوری در داخل کشورهاست

غربی‌ها برای آن‌که کشورهای دیگر جهان به فکر پیشرفت علمی و فناوری نیفتند، محصولات نهایی را به صورت محدود و بسته به کشورها صادر می‌کنند تا هم آن کشورها دیگر نیازی به تولید علم و فناوری در کشور خودشان نبینند و هم اینکه هر موقعی غربی‌ها اراده کردند، بتوانند آن کشور را در آن زمینه خاص فلج کنند.

این «اف - ۱۴» ما، روزی که به این کشور آمد، از هواپیماهای بسیار مدرن دنیا بود، اما آیا این برای یک کشور کافی بود؟ آیا برای یک ملت کافی است. مشکل ما، نداشتن علم بود؛ نداشتن توانایی بود؛ رشد نکردن نیروی علمی و استعداد ذاتی این کشور و این ملت بود. آری، اشکال این بود. لذا وقتی آن را از ما می‌گرفتند، کاملاً تهیدست می‌شدیم. از این رو، وقتی ابزار بدکی آن را به ما فروختند، هواپیما روی زمین ماند.^۲

این جنجال و قرشمال بازی سیاسی که راه انداخته‌اند، مثل این است که شما یک زمین حاصلخیزی دارید، یک چشمه آب جوشنده‌ای هم در این زمین دارید، که با این چشمه آب که مرتب می‌جوشد و ممکن است بیشتر از این هم بشود، می‌توانید همه این زمین را سرسبز، زنده و آبیاری کنید. به شما می‌گویند این چشمه را کور کنید، رویش را آسفالت کنید، ما یک لوله آب سه

^۱ در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵.

^۲ در دیدار مسئولان پروژه نیروی هوایی سپاه، ۱۳۸۰/۴/۱۸.

اینچی به شما می‌دهیم، تا مزرعه‌تان را آبیاری کنید! آن چیزی که اروپایی‌ها - متأسفانه با حمایت آژانس - و آمریکایی‌ها می‌گویند، این است. می‌گویند این چشمه جوشنده استعداد انسانی را از بین ببرد، تا ما به شما یک لوله سه اینچی آب بدهیم و هر وقت هم خواستیم قطع کنیم و هر وقت هم خواستیم بهای این آب را، بهای آبروی ملی و حیثیت ملی شما قرار بدهیم؛ معنای حرفشان این است. چه کسی زیر بار این حرف می‌رود؟ ما زیر بار این حرف نخواهیم رفت. ما استمرار و روزافزونی این حرکت را جزو اهداف برجسته خودمان می‌دانیم.^۱

د. ترفند چهارم در دسترس قرار دادن «علوم از رده خارج و غیر دسته اول» برای سایر ملت‌هاست

غربی‌ها برای حفظ ظاهر روشن‌فکر و آزاداندیش خود ناچارند، علمی را که به دست آورده‌اند در اختیار کشورهای دیگر نیز قرار دهند. به همین دلیل و به دلیل ذات انحصارگرا و قدرت طلب خود، علمی که تاریخ مصرف آن‌ها تمام شده و یا نسخه‌های پیشرفته‌تر و بهتر آن تولید شده است را با سروصدای زیاد و با منت به کشورهای دیگر عرضه می‌کنند.

وضع امروز دنیا این است که قدرت‌هایی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب می‌دانید، بخش‌هایی از دانش در کشورهای پیشرفته غربی هست که مطلقاً اجازه دسترسی به آن‌ها به کسانی خارج از محدوده خودشان داده نمی‌شود؛

۱. در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۵.

یعنی اختصاصی است. مثل این سندهایی که وقتی کهنه شد، منتشرش می‌کنند؛ دانشی هم که در اختیار آن‌هاست، وقتی از آن مرحله اهمیت و درجه اولی افتاد، آن وقت اجازه می‌دهند دیگری دست پیدا کند؛ آن وقتی که خودشان به یک مرحله بالاتری رسیده باشند. این جوری‌اند و در زمینه علم، انحصار طلب‌اند.^۱

۳. نقش روشنفکرانها در عقب‌ماندگی علمی کشور

تکمیل‌کننده پازل غربی‌ها در سلطه بر ملت‌ها، روشنفکرانها یا برخی خواص غرب‌زده آن کشورها هستند که یا مرعوب غرب‌اند و یا مشتاق غربی شدن و یا هر دو! بعضی نیز اساساً توسط سرویس‌های غربی، قلم‌ها و زبان‌هایشان خریده شده است....

شما می‌دانید که در دنیای اسلام، پول‌های زیادی خرج شد. در طول این سال‌ها، از طرف دستگاه استکبار، برای خریدن نخبگان اقداماتی انجام شد؛ نخبگانی که اگرچه از لحاظ علمی یا سیاسی نخبه بودند؛ اما ارزش درونی‌شان، خیلی پایین بود و خیلی راحت خریده شدند؛ قلم‌ها و زبان‌هایشان را فروختند، حتی فکرها و وجودشان را فروختند؛ این از زمان‌های خیلی قدیم شروع شد؛ یعنی از قدیم در دوران معاصر؛ از زمانی که روشنفکری غربی در این کشور به وجود آمد - که من یک وقتی گفتم روشنفکری در کشور ما بیمار متولد شد - از آن روز این‌ها سراغ این نخبه‌ها رفتند و با پول تطمیع‌شان کردند. این‌ها هم حقیر، ضعیف و اسیر بودند و تن دادند و خودشان را به پول فروختند.^۲

۱. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵.

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

الف. اولین کار روشنفکرانها، القای بی‌ارزشی و خودباختگی به ملت است

وقتی ملتی، هویت ملی خود را بی‌ارزش بداند، طبیعتاً به سمت جوامع دیگر متمایل می‌شود. به همین دلیل روشنفکرانها، پست‌نشان دادن هویت ملی و دینی ایرانی را در دستور کار خود قرار دادند.

گناه بزرگ روشنفکرانمیان غرب‌زده دوران پهلوی و اندی قبل از دوران پهلوی، این است که این باور را با شکل‌های گوناگون در ذهن مردم ما رسوخ دادند؛ یعنی به مردم این‌طور تفهیم کردند که ایرانی چیزی نیست؛ نه فکرش، نه علمش، نه هنرش، نه تاریخش، اصلاً ارزشی ندارد. وقتی شما احساس کردید ارزشی ندارید، چه کار می‌کنید؟ به طور طبیعی به قطبی پناه می‌برید که احساس می‌کنید ارزش دارد. آن قطب کجاست؟ آن‌ها خودشان معین کردند؛ فرهنگ و تمدن و علم غرب!

ب. دومین کار روشنفکرانها، القای ترس و تضعیف روحیه‌هاست

اقدام دوم ناظر به کسانی است که همچنان هویت خود را ارزشمند می‌دانند و می‌خواهند در حفظ و تعالی آن تلاش کنند. غرب‌زدگان داخلی، ترساندن این گروه را در دستور کار خود قرار دادند.

در قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۶۰ می‌فرماید: «لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض والمرجفون فی المدینة لنگرینک بهم». «مُرَجِفُونَ» یعنی کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند. یک

جامعه تازه تأسیس شده اسلامی، با آن همه دشمن، آن همه بسیج قرآنی، آن همه بسیج نبوی، همه باید برای دفاع از کشور و از این نظام عظیم انسانی و مردمی، از لحاظ روحی آماده باشند؛ اما يك عده مثل خوره به جان مردم بیفتند و روحیه‌ها را تضعیف کنند؛ این‌ها مُرجفونند.^۱

ج. سومین کار روشنفکرانها، ترویج باور «ما نمی‌توانیم» است

ما نمی‌توانیم به عنوان محوری‌ترین گزاره روشنفکرانها، امید ملت را هدف گرفت و عزم و اراده تغییر و تحول را سلاخی کرد.

بزرگان و پرچم‌داران فرهنگ و سیاست در این کشور، در یک مقطع زمانی و با صدای واحد، با وقاحت تمام گفتند که ایرانی صفر محض است! و اگر بخواهد معنا پیدا کند، باید برود کنار فرهنگ فرنگی. اولین پیشروان قافله روشنفکری کشور ما و معروف‌ترین سیاستمداران دوران قاجار و پهلوی، این حرف را صریحاً گفتند، بعضی‌ها هم که نگفتند، اینطوری عمل کردند و این شد یک بیماری مُزمن در جامعه ما؛ بایستی با این مبارزه کرد.^۲

در گذشته سرچشمه علم در این کشور خشک شده بود. از طرق مختلف این کار صورت می‌گرفت: یکی این بود که در مقابل هیمنه پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمی‌تواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد. امروز این حرف به گوش شما بیگانه و ناآشناست؛ اما بدانید که در یک

۱. در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.

دوره طولانی، این فکر در کشور تولید و ترویج شد؛ گفتند ایرانی به درد ادبیات می‌خورد. ادبیات بزم و گل و بلبل و این‌طور چیزها. آن‌هم ادبیات به معنای شعر؛ و آلا تحقیقات ادبی را هم باز باید اروپایی‌ها و مستشرقین اروپایی می‌آمدند می‌کردند. ایرانی به درد کارهای جدی و اساسی نمی‌خورد!

د. فروختن شرف و هویت ملت در ازای هیچ!

این خودباختگی تاریخی که در دوران قاجار و پهلوی به اوج خود رسیده بود، علیرغم معامله شرف و هویت ملت نیز نتوانست، عملاً پیشرفتی را برای کشور پدید آورد. مسأله، غربی شدن نبود....

حالا یک وقت است که جامعه‌ای در جنبه علوم مربوط به ابزار زندگی پیشرفتی دارد؛ مثل جوامع غربی؛ اما یک وقت در آن‌هم پیشرفت ندارد؛ مثل بسیاری از جوامع تابع غرب که معنویت را حذف کردند، مادیات را هم نتوانستند جلب کنند! مثل وضع زندگی خود ما در دوران حکومت پهلوی‌ها؛ معنویت را طرد کردیم، مادیات را هم نتوانستیم به شکل مدرن و جدید و واقعی‌اش به داخل کشور بیاوریم؛ یعنی «خسرالدنيا والآخرة» شدیم!^۱

۱. دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.

۲. دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.



فصل دوم: ضرورت و اولویت جهاد علمی



ضرورت و اولویت جهاد علمی

میزان بلندی اراده و عزم هر فرد یا تشکل، برای فعالیت به میزان ضرورت و اولویت آن فعالیت برمی‌گردد. هدف از این فصل، تبیین عمیق چرایی ضرورت جهاد علمی در زمان کنونی، برای تشکل‌های دانشجویی است. درک ضرورت جهاد علمی علاوه بر ایجاد انگیزه، می‌تواند به‌گونه‌ای حساسیت‌ها، رویکردها و اهداف آن را نیز نشان دهد و در نتیجه مانع از اجرای فعالیت‌های غلط یا کم‌اولویت شود.

بر اساس مطالعه و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، می‌توان از دو منظر سلبی و ایجابی، «اقتدار» و «مرجعیت» را دو آرمان بلند جمهوری اسلامی قلمداد کرد. اقتدار به معنای ایستادن و هضم نشدن در دنیای متلاطم امروز و در برابر دشمنی‌های دشمنان خارجی و داخلی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و مرجعیت - که مرحله بعد از اقتدار است - به معنای جایگاهی است که کشورهای دیگر جهان، بخواهند به ایران نگاه کنند و بخواهند مناسبات فردی و اجتماعی خود را مثل کشور ایران بسازند. امروزه تمدن غرب در جهان، تمدن غالب است. به عبارت دیگر تمدن غرب و مهد آن - کشور آمریکا - دارای این مرجعیت است و بسیاری از کشورهای جهان - از جمله ایران - الگوهای فردی و اجتماعی خود را از این تمدن، وام می‌گیرند و سبک زندگی خود را خودآگاه یا ناخودآگاه، بر

آن اساس سامان می‌دهند. آرمان بلند انقلاب اسلامی ایجاد مرجعیت در جهان، برای ایجاد تمدن اسلامی است. تمدنی که مناسبات فردی و اجتماعی کشورها در آن، بر پایه نگاه توحیدی بنا نهاده شده باشد. به عبارت ساده‌تر، جمهوری اسلامی اولاً باید زنده بماند و حیات خود را در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تثبیت کند (اقتدار) و ثانیاً باید با برهم زدن تمدن غرب و نظام سلطه، کشورهای دیگر جهان را نیز زنده کند و حیات طیبه را در دنیا رقم زند (مرجعیت). اقتدار، مأموریت افق کوتاه مدت جمهوری اسلامی است و مرجعیت، مأموریت افق بلند مدت. می‌توان تمامی اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری را در دو دسته، اقتدار و مرجعیت جمع‌بندی کرد.

در این فصل، ابتدا اهمیت جهاد علمی در رسیدن به اقتدار و مرجعیت توضیح داده می‌شود و در ادامه چرایی لزوم ورود تشکل‌های دانشجویی به این عرصه معرفی می‌گردد. در انتها نیز برای جمع‌بندی الزام ورود تشکل‌های دانشجویی به عرصه جهاد علمی، برکات و فوایدی که در نتیجه جهاد علمی برای آن‌ها فراهم می‌آید، توضیح داده می‌شود.

۱. تنها راه رسیدن به «اقتدار»، جهاد علمی است

امروز تثبیت اقتدار کشور، هدف روشن جمهوری اسلامی است. براساس بیانات مقام معظم رهبری، آن چیزی که بیشترین تأثیر را در ایجاد و تثبیت اقتدار کشور دارد، مسأله علم و جهاد علمی



است. برخی بیانات رهبری برای تبیین این ادعا در ادامه ارائه شده است:

الف. در منطق حضرت امیر علیه السلام علم عامل اقتدار است

جمله‌ای در نهج البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم، اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده بال و من لم یجده صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند.^۱

ب. استقلال سیاسی و عزت و شرف کشور، بدون علم ممکن نیست

حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد.^۲

ج. اگر علم نداشته باشیم، چاقوکش‌های دنیا بر ما مسلط می‌شوند

این‌ها حقیقتاً چاقوکش‌های دنیایند؛ این مستکبرین، قدره‌بندها و عَرَبده‌کش‌های دنیایند؛ منتها به علم مجهزند. حالا شما خیلی نجیب، خیلی متدین، خیلی شریف، خیلی اصیل،

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲.

۲. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲.

خیلی خانواده‌دار؛ او بی‌اصل و نسب، بی‌ریشه، بی‌خانواده؛ اما او مجهز است، شما مجهز نیستید؛ شما بی‌سوادید، او باسواد است؛ می‌آید بر شما تسلط پیدا می‌کند؛ برو برگرد ندارد.^۱

این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلا بدهیم، امکان مقابله با آن قدرت‌ها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت، اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد.^۲

د. علم عامل پیشرفت و اقتدار پایدار و تمام ناشدنی است

حالا به فرض، نطنز را بمباران کنند و از بین ببرند؛ قضیه تمام نمی‌شود؛ چون دانش فنی‌اش اینجا وجود دارد و ایرانی‌ها توانسته‌اند از درون خود بجوشانند و این دانش را به وجود آورند. اصرار و تأکید من به مسئولان این است که روی این نکته تکیه کنند.^۳

ه. اگر علم نباشد، هیچ چیز نداریم

وقتی علم نباشد، صنعت نیست. وقتی صنعت نباشد، بسیاری از ثروت‌های جامعه کشف نمی‌شود. وقتی صنعت نباشد،

۱. در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۷/۶/۵.

۳. در دیدار خانواده‌های شهدای پیشوا و ورامین، ۱۳۸۲/۳/۲۲.

همه موجودی برای به دست آوردن صنعت روز خرج می‌شود؛ دنباله‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاست‌های بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید. همه این‌ها ناشی از بی‌علمی است.^۱

وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد، و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ چیز نیست؛ و اگر فناوری هم باشد، فناوری عاریه‌ای و دروغی و وام گرفته از دیگران است؛ مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد.^۲

بنابراین

اینکه دهه آینده ... به عنوان دهه پیشرفت و عدالت اعلام شده، بدون تردید یک پایه اصلی آن علم است.^۳

و. امنیت بلندمدت کشور به علم وابسته است

چیزی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و این‌ها، این همه تأکید کردم، به خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملت‌تان، علم است.^۴

۱. دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.

۲. در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.

۳. در دیدار با اساتید، ۱۳۸۸/۶/۸.

۴. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴.

۲. «مرجعیت» در جهان، بدون جهاد علمی ممکن نیست

تفکر انقلاب اسلامی تنها با رسیدن به مرجعیت جهانی، می‌تواند ملت‌های جهان را بیدار کند و به آن‌ها اطمینان دهد که الگوی دیگری از زندگی نیز در این دنیا وجود دارد و در نتیجه نظام سلطه را برهم زند و تمدن اسلامی را تحقق بخشد.

الف. یک تبلیغ بزرگ برای بیدار کردن ملت‌های جهان

اگر جمهوری اسلامی و نظام اسلامی بتواند - ولو با گذشت سی سال، چهل سال و پنجاه سال - به دنیا نشان دهد که دانشمند و معتقد به دانش و طالب علم و به کار برنده علم، چنان‌که متدین و معتقد به ارزش‌های دینی و اخلاقی باشد، می‌تواند این برکات را برای بشر به وجود آورد، می‌دانید چه تبلیغ بزرگی برای اسلام خواهد بود؟ چه دریچه فرّجی برای بشر باز خواهد شد؛ و بشریت چطور احساس امنیت خواهد کرد. اگر نظام اسلامی بر این کار همت گماشته باشد، چه کسانی باید در این میدان و صحنه عمل تحقق بخشند؟ شما جوانان^۱.

اگر شما بتوانید، گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامه آراسته علم، خودش را نشان بدهد، ارائه دهید، کار بزرگی که کرده‌اید، این است که راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز کرده‌اید. آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، خلأ امروز دنیا است^۲.

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۷۸/۹/۲۹.

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

ب. حیات آینده امت اسلامی و دنیای اسلام به حرکت علمی ما وابسته است

مسئله حرکت علمی کشور، به نظر من یک چیز اساسی است، برای حیات آینده ملت ما و جامعه ما، بلکه به یک اعتبار برای حیات دنیای اسلام.^۱

ج. بدون علم، نمی‌توان روی بشریت اثر گذاشت

بدون علم که در دنیا هم نمی‌شود اثر گذاشت. شما بهترین آدم‌های دنیا باشید، ما بهترین و شریف‌ترین و عزیزترین ملت‌ها باشیم؛ وقتی نتوانیم روی بشریت اثر بگذاریم، وقتی نتوانیم این گرداب مهلک را مهار بکنیم، چه فایده‌ای دارد؟ رسالت یک انسان که یک رسالت فردی و خانوادگی و یک رسالت ملی به معنای محدود نیست، بلکه یک رسالت انسانی است.^۲

د. علم باعث می‌شود، آرمان‌ها و ارزش‌های ما منتقل شود

جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمان خود را بالا بیاورد. مثل این است که انسان حرف حقی داشته باشد، اما اصلاً زبان گفتنش را نداشته باشد. نداشتن علم این طوری است. علم موجب می‌شود که شما بتوانید آن آرمان‌ها، آن اهداف و آن خط روشن و جاده‌ی روشن صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید.^۳

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۴/۱۱.

۲. در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳.

۳. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶.

۵. جهت‌انگیزی فرهنگی را، علم و فناوری تعیین می‌کند

در مناطقی از دنیا، معاشرت دختر و پسر و زن و مرد با یکدیگر، کاملاً عادی است و هیچ‌گونه حساسیتی وجود ندارد؛ یعنی همان‌طور که دو مرد یا دو زن با یکدیگر تماس دارند دو تازن و مرد هم باهم تماس دارند؛ اما در کشور ما و در محیط اسلامی، مطلقاً این‌طور نیست. در کشور اسلامی، هر قدر به این جهت نزدیک شده‌ایم، به خاطر رنگ‌پذیری از فرهنگ بیگانه بوده است، چون آن‌ها از لحاظ تکنولوژی قوی‌تر از ما بوده‌اند، این را به ما داده‌اند. والا اگر ما از لحاظ علم و تکنولوژی قوی‌تر از اروپا بودیم، اختلاط آن‌ها را مسخره و مَچَل می‌کردیم و آن را وحشی‌گری می‌خواندیم. آن‌ها به برکت علم و تکنولوژی این فرهنگ را صاعد و رایج کرده‌اند.^۱

۷. عامل اصلی برای برهم زدن نظام سلطه، علم است

امروز نظام سلطه در دنیا بنیایش برگرفتن و دادن نیست؛ بنیایش برگرفتن حداکثری و دادن حداقلی است؛ ثروت را می‌مکند، امکانات را می‌مکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می‌مکند و در اختیار می‌گیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمی‌دهند، گاهی چیز مضر می‌دهند، گاهی هم یک چیزی به آن کشور نقطه مقابل می‌دهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند، به قدر ظرفیت ملت‌هایشان و استعداد ملت‌هایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده‌ترین

۱. دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است؛ بنابراین علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش رفت.^۱

ز. مرجعیت در گرو پیشرفت است

باید زندگی در این کشور مایه رشک ملت‌های دیگر شود، تا بخواهند از آن درس بگیرند. این، عاملی است که دشمن را محکوم می‌کند... ملت ایران، وحدت و عزت خود را حفظ کرد؛ آبادسازی و بازسازی کشور را ادامه داد؛ رشد خود را نشان داد؛ فرهنگ خود را پیش برد؛ دانشگاه‌های خود را، روز به روز آبادتر و شلوغ‌تر کرد؛ علم و معرفت را روز به روز در کشور گسترش داد. پیشرفت‌های کشور روز به روز بیشتر شد. ملت‌ها کور که نیستند! نگاه می‌کنند، این وضع را می‌بینند؛ لذا به اسلام روی می‌آورند. بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام، روز به روز بیشتر می‌شود.^۲

ح. تنها با علم می‌توان به تمدن اسلامی رسید؛ سخت‌افزار تمدن اسلامی، علم است

آینده دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار ب‌أس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسل‌ها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آن‌ها را شاد کند و آن‌ها را آن‌چنان‌که متناسب و شایسته کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این؛ و شما هسته‌های

۱. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۴/۲۵.

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در مرقد مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴/۷/۲۴.

مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدن هستید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده کشور و آینده این تمدن و در واقع آینده جهان، شما جوان‌های امروزید.^۱

بخش ابزاری [تمدن اسلامی]، عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغاتی؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است.^۲

۳. تحقق «اقتدار» و «مرجعیت» علمی، کار ویژه دانشگاه، دانشجوی و تشکل‌های دانشجویی

پس از تبیین اهمیت مسأله علم و کار علمی در تحقق اقتدار و مرجعیت نظام اسلامی، باید دید چه کسی یا کسانی متولی تحقق این مسأله هستند؟ در کشور، حل این مسأله به عهده چه کسانی گذاشته شده است؟ آیا دانشگاه، دانشجوی و تشکل‌های دانشجویی - که قشر جریان‌ساز و پیشرو فضای دانشجویی هستند - در این حوزه وظیفه‌ای ندارند؟ یا اساساً جریان دانشگاهی و دانشجویی کشور، به جز تأمین این دو هدف، وظیفه دیگری دارد؟! برای پاسخ به این سئوالات، بیانات مقام معظم رهبری اجمالاً آورده می‌شود.

۱. در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۳/۲/۳۱.

۲. در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

الف. تأمین رفاه و عزّت و استقلال کشور، فلسفه وجودی و رسالت تاریخی دانشگاه است

آن وظیفه تاریخی هم این است که یک ملت را با استفاده از ابزار دانش، در جهت تکاملی که انبیای الهی و دین مقدّس اسلام آورده، حرکت دهیم و پیش ببریم. این مسئولیت، اگر در دانشگاه نباشد، بودنش هم مثل نبودن و بلکه بدتر از نبودن است و این تکامل انجام نخواهد گرفت.^۱

امروز نقش و رسالت دانشگاه، یک نقش تعیین کننده است؛ ولو تعیین کننده برای زمان حال نه، اما تعیین کننده برای آینده کشور است. امروز تصمیم دانشگاهیان و همت دانشگاهیان، مثل نقش سوزن بانی است که دو مسیر ریلی را به کلی از هم جدا می کند. شما الان سوزن بانی؛ می توانید با همتی که در این برهه از زمان می کنید، ریل حرکت ملت ایران را به سمت رفاه و عزت و ترقی و استقلال کامل قرار بدهید؛ و می توانید خدای نکرده با عدم تحرک لازم و با عدم اجابت به نیاز امروز، جور دیگری عمل کنید و نتیجه دیگری حاصل بشود.^۲

ب. کار علمی، وظیفه شرعی و اجتماعی دانشجویان

ما به عنوان مسلمان و مؤمن به این آیین، وظیفه داریم کار علمی و رسیدن به اوج علمی را هم در حرکت فردی خودمان و هم در برنامه ریزی جمعی کشور دنبال کنیم؛ این وظیفه است؛

۱. در دیدار وزیر و معاونان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسئولان دانشگاه های سراسر کشور، ۱۳۷۵/۲/۲۹.

۲. در دیدار اساتید دانشگاه های استان خراسان در دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

نگاه به این قضیه، باید به این شکل باشد.^۱

عامل اول، درس و علم و تحصیل است، تا نام دانشگاه و دانشجو و استاد و معلم معنا پیدا کند و امیدهایی که برای آینده کشور ترسیم می‌شود، پوچ و واهی و باطل نباشد. جوانان‌ها باید خوب درس بخوانند و اساتید هم باید آن‌ها را تربیت کنند و آینده علمی و عملی کشور تأمین و تضمین کنند. در کنار تحصیل، نقش تحقیقات، نقش فوق‌العاده مهمی است که باید مسئولان به آن بپردازند. **عامل دوم**، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد.^۲

آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم هست، برای همه آن کسانی که بتوانند، فریضه است. حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه شرعی است؛ علاوه بر این که فریضه اجتماعی هم است. کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پُردرآمدی داشته باشد؛ مسأله این است که کسانی که می‌توانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصص‌ها را پیدا کنند.^۳

ج. یکی از آرمان‌های دانشجویی، مسأله علم است

اما من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشجویی کشور، مجموعه‌های متعهد و دارای احساس مسئولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از آرمان‌ها مسأله علم است؛

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵.

۲. در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۳/۲۳.

۳. در دیدار جمعی از بانوان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

دومی عدالت خواهی است و سوم، آزاداندیشی و آزادی خواهی است.^۱

و

۴. برکات کار علمی

ضرورت‌ها دلایلی هستند که فرد را مُجاب می‌کند، جهاد علمی امروز در اولویت کاری قرار دارد و باید به آن پرداخت، اما علاوه بر ضرورت‌ها، جهاد علمی برای تشکل‌ها، برکات و فوایدی را به همراه می‌آورد که می‌تواند انگیزه تشکل را برای پرداختن به فعالیت‌های جهادی علمی افزایش دهد. نکته مهم آن که، طراحی کار علمی - که در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت - نباید به نحوی باشد که برکات را بر ضرورت انجام کار اولویت دهد. به طور مثال «جذب نیروی انسانی» یکی از برکات کار علمی است، اما اگر فعالیت علمی با هدف جذب نیرو طراحی شود، ممکن است فعالیت‌های غلط یا بی‌اولویت نظیر برگزاری کلاس زبان، به دلیل جذبی که به همراه دارد، در دستور کار قرار بگیرند که این مسأله نه تنها اهداف جهاد علمی را محقق نمی‌کند، بلکه جذب پایداری را نیز به همراه نخواهد داشت.

الف. ایجاد ظرفیت عظیم، برای نیروی انسانی

تعداد زیادی از جوانان دانشجو هستند که به کشور و آینده آن دلبستگی دارند؛ اما به دلیل سیاست‌زدگی تشکل‌های

۱. در دیدار جمعی از تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.

دانشجویی که باعث می‌شود در بعضی موارد، نسبت به مسائل اساسی کشور بی‌توجه باشند، جذب تشکل‌ها نمی‌شوند. پرداختن تشکل‌های دانشجویی به جهاد علمی - که در فصل بعدی تشریح خواهد شد - باعث می‌شود این ظرفیت نیروی انسانی، را به سمت فعالیت‌های دانشجویی سوق دهد.

ب. تربیت نیروی متعهد و متخصص

کمبود نیروی متعهد و متخصص، یکی از نقیصه‌های اصلی کشور برای پیشرفت و تعالی است. متأسفانه برای اداره کشور کمبود نیروی متعهد و متخصص به شدت حس می‌شود. ورود تخصصی، کلان‌نگری، روحیه جهادی داشتن، اولویت‌شناسی، شناختن نهادهای مؤثر در هر حوزه تخصصی و... مهارت‌هایی است که برای این نیروی طراز انقلاب اسلامی که باید امروز در عرصه اقتصاد و فرهنگ کار موفق و پایدار انجام دهد، ضروری است. کار علمی‌ای که در ادامه به عنوان الگوی جهاد علمی در دانشگاه‌ها ارائه می‌گردد می‌تواند این بُعد فراموش شده از ویژگی‌های نیروی طراز انقلاب اسلامی را تأمین کند.

ج. تغییر فضای علمی و پمپاژ روحیه و امید به دانشگاه

ورود تشکل‌های دانشجویی به عرصه جهاد علمی و تعامل فعالانه با دانشجویان، اساتید، مسئولین دانشگاهی و... باعث می‌شود امید و حرکت و روحیه و نشاط علمی در دانشگاه ایجاد شود. وقتی اساتید دانشگاهی، مدام مورد سؤال‌های علمی و کاربردی دانشجویها باشند، برای ارتقای خود، به تکاپو خواهند

افتاد. هرچه این سئوال‌ها بومی‌تر و متناسب با نیازهای واقعی کشور باشد، جهت تغییر فضای علمی دانشگاه، مفیدتر خواهد بود. همچنین این رویکرد که همراه با نشان دادن دلسوزی دانشجویها نسبت به مسائل و دردهای کشور و جامعه است، احساس «کسی به فکر درد مردم نیست» را می‌تواند از بین ببرد و امید دانشجویها را نسبت به حل مشکلات کشور بیشتر کند. این رویکرد در بلند مدت می‌تواند، عامل اصلی اصلاح نظام آموزش عالی در کشور باشد و اساساً چنین اصلاحی - که برآمده از بطن دانشگاه باشد - است که می‌تواند تحولی پایدار و روبه‌جلو را برای نظام دانشگاهی کشور رقم زند.

د. کار علمی این زمان، کمک به پیدا نمودن حوزه تخصصی در آینده

ورود به عرصه جهاد علمی و تلاش برای شناخت مشکلات کشور، موجب می‌شود که زمینه‌های فعالیت در رشته برای فرد فعال در این حوزه معلوم شود. وقتی نسبت به یک مشکل و حل آن اشراف نسبی به وجود آمد، آن وقت می‌توان زمینه تخصصی خود را پیدا نمود و پس از دانشگاه در آن جهت تلاش کرد. چراکه مهارتی بومی برای حل مسأله به دست آورده، مشکلات آن حوزه را شناخته و با افراد، سازمان‌ها و نهادهای آن حوزه مرتبط شده و آشنایی کسب کرده است. انگیزه حل مسائل آن حوزه، در فرد ایجاد شده و برای حل مشکل خاص کشور یا منطقه، مهارت لازم را به دست آورده است. درگیر شدن به مسأله ورود به عرصه فعالیت، آینده را آسان می‌کند و از سردرگمی‌های معمول انسان را رها می‌سازد.



فصل سوم: الگوی جهاد علمی در تشکل‌های دانشجویی



الگوی جهاد علمی در تشکل‌های دانشجویی

اکنون که اهمیت و اولویت علم و کار علمی برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و وظیفه تشکل‌های دانشجویی در این زمینه روشن شد، در این فصل چستی جهاد علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل سعی بر آن است تا الگوی جامع و کل‌نگر ارائه گردد تا با استفاده از آن، هر تشکلی در هر دانشگاه یا دانشکده بتواند لباسی از جهاد علمی به قامت خود بدوزد و با بومی کردن الگوی جامع، برنامه عملیاتی خود را طراحی کند. در این فصل ابتدا، آشنفتگی و کثرت نگاه‌های مختلف به کار علمی در تشکل‌های دانشجویی توضیح داده می‌شود تا لزوم ارائه مدل جامع و کل‌نگر تبیین گردد و بعد از تبیین ضرورت ارائه الگو، الگوی کار علمی، تشکل‌های دانشجویی ارائه می‌گردد. در ادامه نیز برخی مثال‌های صحیح و غلط از کار علمی برای ملموس‌تر شدن بحث آورده شده است.

۱. آشنفتگی نگاه‌ها در مورد کار علمی تشکل‌های دانشجویی

در زمینه کار علمی مدل‌ها و الگوهایی نیز وجود دارند، اما جامعیت و عمومیت ندارند؛ یعنی همه جنبه‌های وظایف تشکل‌های دانشجویی را پوشش نداده‌اند یا قابلیت استفاده توسط همه دانشجویان، همه رشته‌ها، همه دانشگاه‌ها و همه شهرها را نداشته‌اند. هرچند این مدل‌ها، کارهای بعضاً خوبی

هستند اما «همه کار» نیستند، مثلاً عده‌ای کار علمی را تنها «خوب درس خواندن» می‌دانند؛ بدون توجه به اینکه مسائل و مشکلات کشور روی زمین مانده‌اند. نگاه دیگر این است که «پروژه از صنعت بگیریم و حل کنیم» و نگاهی به مشکلات کلان‌تر، مثلاً سیاست‌گذاری‌های اشتباه که می‌تواند یک شبِ صدها تولیدی را نابود کند ندارند یا احساس مسئولیتی در مورد اشکالات نظام علمی دانشگاه نمی‌کنند. نگاه دیگر، «سیاست‌گذاری» را وظیفه دانشجوی انقلابی می‌داند و توجهی به پیگیری و مطالبه از مسئولین ندارد. یک مدل دیگر، کار علمی را منحصر در «پیگیری و دنبال مسئولین دویدن» می‌داند که نیازی به تخصص و اطلاعات عمیق هم ندارد؛ یک عده دیگر هم وظیفه علمی را این می‌دانند که در واحد علمی تشکل، «علم تولید کنند». یک نگاه دیگر واسطه‌گری است، یعنی کار علمی «جایابی و وصل کردن بچه‌ها» به صنعت و دولت است. نگاه دیگر «نگاه درآمدی» است که درآمدزایی را معیار انتخاب کار می‌داند. نگاه «جذب به تشکل» نیز نگاه دیگری است که در آن کار علمی هیچ اصالتی ندارد و تنها یک ابزار برای جذب به تشکل است و هر کس با هر نظری که خواست کار کند را تأیید می‌کند. یک نگاه دیگر، نگاه «محصول محور» است که تنها خروجی‌های ملموس و کاردستی مانند را کار علمی می‌داند، یعنی کار علمی ساختن یک محصول ملموس و فیزیکی است. البته یک نگاه بسیار فراگیر هم این است که کلاً «کار علمی بد است» و متعلق به اهل دنیا است! این نگاه کار علمی را به اشتباه

در تقابل با کار فرهنگی قرار می‌دهد و



این آشفتگی و پراکندگی در الگوهای رایج کار علمی در تشکل‌های دانشجویی - که البته خود این فعالیت‌ها نیز به اندازه کافی کمیت و کیفیت نداشته‌اند - ضرورتی را ایجاد می‌کند تا با ارائه الگویی جامع، فعالیت‌های علمی را سامان داد و نیز از انجام فعالیت‌های علمی غلط یا کم اولویت پرهیز داد و توان‌ها را در جهت اجرای فعالیت‌های پُر اولویت سازمان‌دهی کرد.

۲. الگوی مطلوب کار علمی تشکل‌های دانشجویی

الگوی صحیح و کارآمد، الگویی است که با آرمان‌ها و اهداف کلان انقلاب اسلامی، بتواند رابطه صحیحی برقرار نماید. در فصل گذشته در مورد دو هدف کلی «اقتدار» و «مرجعیت» توضیحاتی ارائه گردید. با تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، نگارندگان این مجموعه معتقدند جمهوری اسلامی همزمان در دو جبهه و دو افق متفاوت، مشغول مبارزه است. در افق کوتاه‌مدت، مبارزه جمهوری اسلامی با دشمنان

خارجی و داخلی خود است که برای پیروزی در این مبارزه، راهبرد «اقتدار» در دستور کار نظام قرار گرفته است. جمهوری اسلامی در این حوزه در پی آن است که خود را مقتدر سازد. اصلی ترین اقدام در تأمین اقتدار و سربلندی کشور، حل مشکلات و مسائل داخلی است. کشوری که درگیر مسائل و مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی باشد، کشور مقتداری نیست و در نتیجه نمی تواند در برابر کشورهای جهان ایستادگی کند. در نتیجه در افق کوتاه مدت، جمهوری اسلامی از طریق حل مسائل و مشکلات خود، در پی هدف «اقتدار» است تا در برابر نظام سلطه، ایستادگی کند و لطمه ای نبیند.

در افق بلند مدت، آرمان جمهوری اسلامی صدور انقلاب از طریق «مرجعیت» برای کشورها و ملت های جهان است. برای مرجع شدن، جمهوری اسلامی باید بتواند نرم افزارهای نوین اداره جامعه در حوزه های مختلف را ارائه کند. امروزه این نرم افزارها و محتواها وجود ندارد و در نتیجه جمهوری اسلامی خود نیز مجبور است از نرم افزارهای غربی برای اداره کشور استفاده نماید. استفاده از سیستم رایج اقتصادی جهان، یکی از این نرم افزارهاست. جمهوری اسلامی برای مرجع شدن و برهم زدن نظام سلطه، راهی به جز ارائه نرم افزارهای جدید و دینی برای اداره جوامع ندارد، در نتیجه باید علم بومی تولید نماید. تولید علم بومی، راهبرد کشور برای آرمان مرجعیت است. به عبارت دیگر، علم و کار علمی، امروزه از دو منظر مورد نیاز کشور است:

از منظر اول، علم و کار علمی ابزاری است، برای حل مشکلات و مسائل کشور تا از این طریق «اقتدار» کشور تأمین گردد. پیش فرض در این نگاه این است که مشکلات و مسائل کشور از طریق علم و روش های تخصصی قابل حل است. از منظر دوم، علم ابزار نیست، بلکه خود علم نیز باید موضوعیت پیدا کند و بومی شود و علم جدید تولید گردد. پس در نگاه اول، علم ابزاری در دست کشور است تا به وسیله آن مشکلات خود را برطرف کند؛ اما در نگاه دوم، خود این ابزار - یعنی علم - باید به روز شود، بومی شود و اصلاح شود. تولید علم جدید هم موجب مرجعیت کشور می شود و هم مشکلات کشور را از ریشه حل می کند.

در نتیجه، «حل مسائل کشور» و «تولید علم» دو هدف و آرمان فعالیت های علمی کشور است و تمام دستگاه ها و اجزای کشور باید نقش خود را در تحقق این دو هدف پیدا کنند. تشکل های دانشجویی نیز بر اساس همین دو هدف باید فعالیت های علمی خود را سامان بخشند. نکته مهم آن است که هر مجموعه ای باید بر اساس فلسفه های وجودی و مزیت های نسبی خود، نقش خود را در تحقق این دو هدف پیگیری نماید. بر اساس تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در مورد ویژگی های جریان های دانشجویی، علاوه بر تربیت نیروی متعهد و متخصص، نقش آفرینی از طریق مطالبه گری و گفتمان سازی، دو کار ویژه و اصلی جنبش دانشجویی است. عمده فرآیند تربیتی نیز در ضمن فعالیت های نقش آفرینی و عملیات های واقعی اتفاق می افتد.

براین اساس تشکل های دانشجویی باید در زمینه حل مسائل

کشور و تولید علم بومی نقش آفرینی داشته باشند؛ اما اولاً به دلیل کار ویژه‌های خود و ثانیاً به دلیل محدودیت‌هایی نظیر عمر کوتاه نیروی انسانی که تشکل‌های دانشجویی با آن روبه‌رو هستند، نمی‌توانند مسائل کشور را حل کنند یا اینکه خودشان علم تولید کنند، در نتیجه باید این اهداف را از طریق ابزارهای مربوط به خود پیگیری نمایند. به عبارت ساده‌تر:

اولاً تشکل‌های دانشجویی باید نسبت به مسائل کشور حساس باشند و از طریق ابزارهای مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی حل مسائل را پیگیری نمایند. برای این مأموریت عنوان «مواجهه تخصصی با مسائل کشور» انتخاب شده است.

ثانیاً تشکل‌های دانشجویی باید نسبت به مسأله تولید علم بومی حساس باشند و از طریق ابزارهای مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی، جنبش تولید علم بومی را شکل دهند. برای این مأموریت عنوان «جنبش نرم‌افزاری» انتخاب شده است.

«مواجهه تخصصی با مسائل کشور»، یعنی تشکل‌های دانشجویی نسبت به مسائل واقعی و اساسی کشور حساس باشند، آن‌ها را دنبال کنند، در مورد مسائل تحلیل و موضع داشته باشند و حل آن را از مسئولین مطالبه‌کنند و برای حل شدن در سطح عمومی دانشگاه یا جامعه تلاش کنند. به عبارت ساده‌تر با مسائل کشور به صورت تخصصی مواجهه شوند. در نتیجه مواجهه تخصصی با مسائل کشور اولاً «مواجهه» شدن با مسائل است، نه حل مسائل که در توان و متناسب با اقتضائات فضای دانشجویی نیست. به عبارت دیگر تشکل‌های

دانشجویی نباید در عرصه تصمیم‌گیری ورود پیدا کنند، بلکه باید اثرگذاری را از طریق تصمیم‌سازی دنبال نمایند. مقام معظم رهبری در بیان تفاوت این دو می‌فرماید:

گفته شد توانایی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. اینجا من این مطلب را پرداخت کنم. توانایی تصمیم‌سازی خیلی خوب است. توانایی تصمیم‌گیری یکی از مشکلاتی است که اگر وارد محیط دانشجویی شد، خیلی از هنجارهای مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه ماست. بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان، از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد؛ بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید.^۱

«تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشانند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد.^۲

ثانیاً مواجهه تخصصی با «مسائل کشور» است و دردها و مشکلات کشور در آن، موضوع فعالیت می‌باشند. به عبارت دیگر در این نوع نگاه، علمی به درد می‌خورد و کار علمی‌ای ارزش دارد که ناظر بر یکی از مسأله‌ها و مشکلات کشور و جامعه

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

۲. در دیدار دانشجویان، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

اسلامی باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

کار علمی و تلاش علمی، امروز در کشور و در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما تلاش زنده و موفق و مورد تحسینی است، منتها همه باید توجه داشته باشند که علم، مقدمه عمل است؛ علم نافع عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. صرف اینکه فرض کنید، مقاله‌مان در پایگاه‌های آی‌اس‌آی (ISI) و امثال آن در دنیا منتشر می‌شود، یا حتی مرجع قرار می‌گیرد، این یک تمجید علمی هست، اما مطلوب نهایی نیست؛ کار علمی باید ناظر به نیازهای کشور باشد؛ این را دوستان گفتند، من هم تأکید می‌کنم.^۱

ثالثاً وقتی مسائل عینی و واقعی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند، دیگر برخوردهای سطحی، ساده‌انگارانه و از سر بی‌سوادی راه به جایی نخواهند برد. در نتیجه، نوع مواجهه باید یک مواجهه تخصصی، عمیق و حساب شده باشد.

«جنبش نرم‌افزاری» نیز به عنوان مأموریت دوم تشکل‌های دانشجویی در عرصه علمی، یعنی تشکل‌های دانشجویی نسبت به نرم‌افزارهای اداره جامعه که در دانشگاه‌ها در قالب رشته‌های متنوع دانشگاهی ارائه می‌شود، حساس باشند. آن علوم را با منطق دینی و با هویت ملی خود بسنجند، نسبت به مفاهیم ناسازگار اعتراض کنند، علوم را به نقد و چالش کشند، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی را برپا کنند و شرایطی را فراهم کنند تا زمینه زدن حرف جدید و تولید علم بومی فراهم

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱/۴/۱۳۹۳.

شود. جنبش نرم افزاری و جنبش تولید علم یکی از مطالبه های قدیمی و پرتکرار مقام معظم رهبری از دانشجویان و تشکل های دانشجویی است که در ادامه به برخی از آن اشاره می گردد.

آنچه مهم است، تولید علم است. دوستان آمارهایی دادند، من هم این آمارها را قبول دارم، به ما هم در زمینه پیشرفت های تحقیقی و مقالات منتشره در مجلات علمی و معتبر دنیا هم گزارش هایی داده شده؛ منتها توجه کنید که تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه اینکه به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست.^۱

یک وقت هست شما می توانید هواپیمایی را که دیگران اختراع کرده اند و ساخته اند، خودتان بدون کمک دیگران، در داخل کشور بسازید، این خیلی خوب است؛ این بهتر از خریدن هواپیمای ساخته شده است؛ اما یک وقت هست شما خودتان یک چیزی در سطح هواپیما در کشورتان تولید می کنید؛ این است آنچه ما لازم داریم.^۲

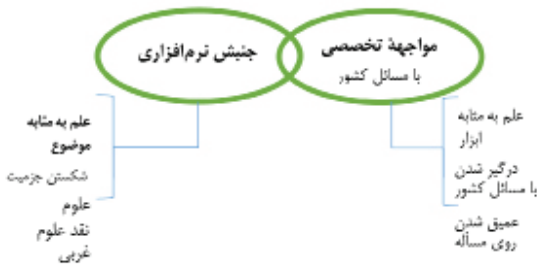
پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته تر علمی حاصل خواهد شد. بخشی از آن بلاشک این است. اما فراگیری علم يك مسأله است، تولید علم يك مسأله دیگر است. نباید ما در مسأله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک

۱. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶.

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.

پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زبردست بودن معنوی، لازمه قطعی این چنین پیشروی‌ای است و این جایز نیست.

تمامی بیانات مقام معظم رهبری را می‌توان در قالب همین دو مأموریت دسته‌بندی نمود. در شکل زیر این دو مأموریت به همراه برخی از بیانات مقام معظم رهبری نمایش داده شده است.



حضور فیزیکی و فکری در مسائل عمومی کشور از سوی مجموعه دانشجویی حتماً لازم است.^۱

یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها، این است که شما فضا سازی می‌کنید، گفتمان سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس جمهور هم همان جور فکر می‌کند، ... این خوب است و شما این کار را انجام می‌دهید.^۲

۱. در دیدار با دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱.

۲. در دیدار با نخبگان، ۱۳/۷/۱۳۹۰.

در دانشگاه‌ها پروژه‌های تحقیقی بپذیرید، استاد و دانشجو کار کنید، نتیجه تحقیق را به مسئولان کشور بدهید؛ به رسانه‌ها بدهید تا سرریز شود و فرهنگ‌سازی شود. این می‌شود پیشرفت^۱.

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد.^۲

دو نکته مهم

نکته اول آن است که این الگو برای تمامی گروه رشته‌های فنی مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی و هنر ارائه شده است. تمامی رشته‌های متعدد و متنوع دانشگاهی هم مسائلی مربوط به خود در جامعه دارند که باید دانشجویان آن رشته‌ها، با درگیر شدن با آن مسائل، حل شدن آن‌ها را پیگیری نمایند.


۱. در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.


در تمامی رشته‌ها، کشور با علوم غربی و وارداتی مواجهه است که باید مورد کنکاش و چالش قرار گیرد. در نتیجه در تمامی رشته‌های دانشگاهی، هم مأموریت مواجهه شدن با مسائل کشور و هم مأموریت جنبش نرم‌افزاری برقرار است، اما به میزانی مختلف. هر تشکل باید متناسب با شرایط رشته و تخصص خود، الگورا بومی نماید. طبیعتاً در گروه رشته‌های علوم انسانی و هنر مقوله جنبش نرم‌افزاری سهم بیشتری از سبد جهاد علمی را، به خود اختصاص می‌دهد و در گروه رشته‌های دیگر عمده کار به مواجهه شدن با مسائل کشور می‌گذرد. پس الگو جامع است، اما باید رشته‌ها و تخصص‌های مختلف دانشگاهی، الگورا برای دانشگاه خود بومی‌کنند. در فرآیند بومی کردن، عوامل دیگری نیز ممکن است تأثیرگذار باشد. مثلاً: منطقه جغرافیایی، شرایط ویژه دانشگاهی، شرایط مختلف تشکلی و... اساساً الگوی نهایی که در هر تشکلی در دستور کار قرار می‌گیرد، باید نهایتاً توسط اعضای همان تشکل بومی و عملیاتی شده باشد تا کارآمدی بالایی پیدا کنند. الگوی جامع جهاد علمی که در قسمت قبل ارائه گردید، کمکی به تشکل‌های دانشجویی است تا راحت‌تر و سریع‌تر بتوانند به الگوهای بومی و عملیاتی تشکل خود دست یابند.

نکته دوم آن است که این الگو برای تشکل‌های دانشجویی و برای دانشجویان فعال دوران دانشجویی طراحی و ارائه شده است. کار دیگری که باید در کنار دو مأموریت ارائه شده

و به عنوان مکمل آن در نظر گرفته شود، آن است که تشکل های دانشجویی باید برای دوران بعد از فارغ التحصیلی نیز زمینه ای را فراهم آورند تا جهاد آغاز شده در دوران دانشجویی، ادامه پیدا کند تا به نتایج اصلی و پایدار خود برسد. جزئیات این مأموریت سوم به همراه ضرورت ها و ملاحظات آن، در فصل ششم اجمالاً توضیح داده شده است. باید دقت شود هم دو مأموریت دانشجویی و هم مأموریت دوران فارغ التحصیلی، اگرچه هر دو در جای خود مورد اهمیت بوده و نباید یکی را فدای دیگری کرد، اما دو مأموریت دوران دانشجویی؛ یعنی «مواجهه تخصصی با مسائل کشور» و «جنبش نرم افزاری» مقدمه و پیش نیاز ورود به فضای حرفه ای بعد از فارغ التحصیلی است و تشکل های دانشجویی، ابتدا باید این بخش را سامان داده تا پس از چند سال به صورت طبیعی به سمت مأموریت حرفه ای بعد از فارغ التحصیلی رهنمون شوند. پیمودن مسیری به جز از این، نتایج مثبت و پایداری را در بر نخواهد داشت.



فصل چهارم: مواجهه تخصصی با مسائل کشور
گام های عملی

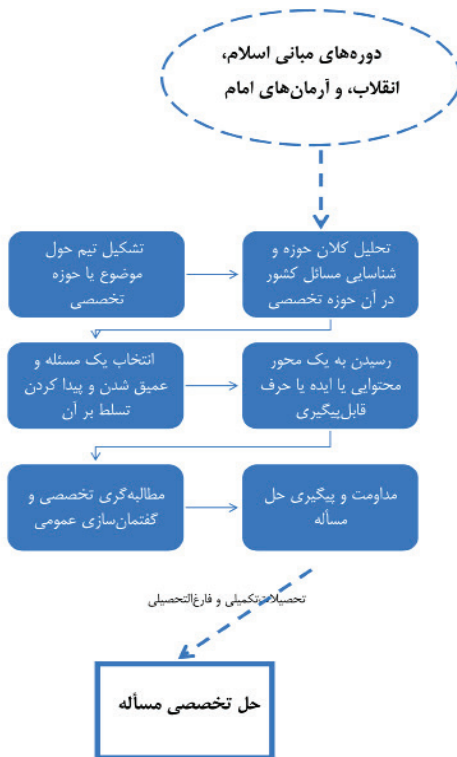


مواجهه تخصصی با مسائل کشور؛ گام‌های علمی

در این فصل، به بررسی ابعاد و چگونگی اجرای مواجهه تخصصی با مسائل کشور به عنوان مأموریت اول جهاد علمی پرداخته شده است. مواجهه تخصصی با مسائل کشور را باید به صورت گام به گام جلو برد؛ لذا در این فصل گام‌ها را شرح داده و ذیل هر گام، نکات و روش‌هایی اجرایی برای بهتر اجرا کردن آن ذکر می‌شود. گفتار زیر از مقام معظم رهبری، مطابقت زیادی با مدل حاصل شده از پژوهش دارد. در ادامه گفتار مقام معظم رهبری آورده و سپس چرخه گام به گام مواجهه تخصصی با مسائل کشور ارائه می‌گردد. در ادامه نیز گام‌های چرخه، یک به یک توضیح داده می‌شوند.

جوان باید مطالبه‌کند، باید احساس‌کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود برای مطالبه و باید احساس‌کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن يك شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسأله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرایی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، این‌ها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلب‌کاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.^۱

۱. در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی - فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۷/۱۷.



۱. تشکیل تیم حول موضوع یا حوزه تخصصی

اولین گام این است که عده‌ای از دانشجویان دغدغه‌مند حول یک حوزه تخصصی یا یک موضوع جمع شوند. این تیم تخصصی است که مراحل بعدی را طی می‌کند، لذا توجه به پایداری و تقویت آن مهم است. رهبر معظم انقلاب نیز در اهمیت کار جمعی و تشکیلاتی فرموده‌اند:

باید توجه داشته باشید که در همه کار، از جمله در این کار،

ساز و کار تشکیلاتی و اداری نقش مهمی دارد. این نه به معنای گم شدن در هفت توی بوروکراسی و دیوان سالاری است، بلکه به معنای بودن تشکیلات، بودن مسئول و وجود یک مرکز فکر است.^۱

مسأله اول در تشکیل تیم آن است که تیم‌ها باید حول حوزه‌های تخصصی شکل گیرند. این حوزه‌های تخصصی لزوماً «رشته تحصیلی» نیستند، بلکه حوزه تخصصی دانشجویان است، چراکه رشته‌های دانشگاهی، یک تقسیم‌بندی وارداتی است و همه جا ناظر به مسائل کشور نیست؛ مثلاً با موضوع «مبارزه با فساد» شاید هیچ رشته دانشگاهی متناظری وجود نداشته باشد، اما یکی از حوزه‌های تخصصی مورد نیاز کشور است. مسأله خودرو، شاید به چند رشته دانشگاهی مربوط باشد و قس علی‌هذا. البته به این معنا هم نیست که تقسیم‌بندی بر اساس رشته، همه جا اشتباه است. نکته مهم آن است که تیم باید حول یک موضوع مشخص، مانند جمعیت یا یک رشته مشخص مانند تیم مکانیک، ایجاد شود. این مسأله در هر تشکلی و هر دانشگاهی باید با توجه به شرایط ویژه آنجا تعیین شود.

به طور کلی حوزه تخصصی را می‌توان مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات مرتبط دانست که شخص، عمده مطالعه و تحصیل و تفکر و تلاش خود را صرف آن‌ها خواهد کرد. گستردگی یا محدود بودن دامنه این حوزه تخصصی هم به خود فرد و میزان توانایی او در تحصیل و مطالعه و تفکر بستگی دارد، و هم به

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

موضوع مربوط می‌شود؛ مثلاً ممکن است شخصی در رشته مهندسی مکانیک تحصیل کند، اما حوزه تخصصی خود را «علم و پیشرفت علمی کشور» انتخاب کند. چنین شخصی نیاز دارد مطالعات خود را در زمینه «علم شناسی یا همان فلسفه علم»، «سیاست‌گذاری»، «پیشرفت و تمدن»، «نظام‌های آموزشی و علمی» و... نیز تکمیل کند. آنچه مسلم است آن است که هر کس، باید حداقل یک حوزه تخصصی مشخص داشته باشد و در آن راستا تلاش کند.

نکات متعددی در تشکیل تیم‌های موفق و کارآمد وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۱ اولین قدم، وجود فرد محوری است

مهم‌ترین عامل در تشکیل تیم موفق، وجود یک فرد محوری یا همان مسئول تیم است. اساساً تیم به معنای یک فرد محوری است، به علاوه تعدادی نیروی انسانی که در طول زمان ممکن است تغییر کنند، اما آن فرد محوری همواره ثابت است. هر تیمی برای ایجاد، ابتدا باید یک فرد محوری داشته باشد. فرد محوری کسی است که حاضر است زندگی خود را برای یک موضوع هزینه کند و البته به جهت فکری و مدیریتی، فرد توانمندی است و روابط عمومی بالایی نیز دارد. برای تشکیل تیم، باید ابتدا این افراد را شناسایی کرد. به مرور زمان این توانمندی‌ها و ویژگی‌های این فرد محوری به دیگر اعضای تیم انتقال می‌یابد و هر کدام قابلیت‌ها و توانمندی آن فرد محوری را دارا خواهند شد و همه

چرخ‌های مجموعه با هم و هماهنگ و هم‌سوخوانند چرخید.

۱-۲ نیروی انسانی سیال دانشجویی باید مدیریت شود

خوب است توجه کنیم، انرژی بچه‌ها به صورت فصلی است و باید مهار شود تا نه سیل بیاید، نه خشکسالی! یعنی بچه‌ها در یک زمان کوتاه، انرژی نسبتاً خوبی را پای کار می‌آورند و پس از مدتی، خسته شده یا اولویت‌های دیگری پیدا می‌کنند. سیالیت نیروی انسانی در دوران دانشجویی امری طبیعی است و نباید باعث ناامیدی شود. آن چیزی که قوام تیم را حفظ می‌کند، همان فرد محوری است که باید باشد تا بتواند این نیروی انسانی را مدیریت کند.

۱-۳ دغدغه‌مند کردن افراد، بسیار مؤثر است

برای تشکیل تیم و گردآوری بچه‌ها، دغدغه‌مند کردن آن‌ها، بسیار مهم است. خصوصاً افراد صاحب فکر و اصطلاحاً نخبه، تنها در صورتی برای کار انرژی می‌گذارند که تبدیل به دغدغه خودشان شده باشد. وقتی که بچه‌ها به درستی دغدغه‌مند شده باشند؛ مانند ماشینی که موتور آن روشن شده باشد دیگر در سربالایی‌ها نیاز به هل دادن ندارند. باید بتوان مسأله‌های کشور را به مسأله‌های بچه‌ها تبدیل کرد تا آنها احساس مسئولیتی کلان پیدا کنند. برای این کار گفتارهای مبنایی و مسئولیت‌ساز، مانند خطبه امام حسین علیه السلام در صحرای منا و متونی از این دست می‌تواند مؤثر باشد. دعوت از شخصیت‌ها و اساتید مختلف نیز می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در دردمند کردن

نیروها داشته باشند. عامل سوم انگیزه‌مندی، دیدن نمونه‌های دانشگاهی و موفق است تا به نتیجه کار باور پیدا کنند. درگیر کردن عملی بچه‌ها با مسائل و مشکلات، خصوصاً اگر مشکل را از نزدیک مشاهده و لمس کنند، خود باعث دغدغه‌مندی آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال، باید به جای اینکه درباره محرومان حرف زد، محرومان و محرومیت را به نیروها نشان داد و همین‌طور مشکلات دیگر کشور را که «شنیدن کی بود مانند دیدن». البته نباید فراموش کرد که این دغدغه‌مندی‌ها باعث برآورد نادرست و به اصطلاح جوگیری شود! قدم گزاردن در این مسیر باید از سرآگاهی باشد و جوزدگی‌های مقطعی در بلندمدت، تأثیری نخواهند داشت، اما اساس دغدغه‌مندی امر مهمی است که باید به آن توجه شود.

۴-۱ تیم‌سازی نیازی به اساسنامه و... ندارد

ساختن تیم باید فعالیت محور باشد و به این دام نیفتد که اول اهداف را تعیین کند و سند چشم‌انداز بنویسد و چه و چه! که در این صورت زمان زیادی لازم است و انرژی بچه‌ها صرف این امر می‌شود و دیگر توانی برای کار اصلی باقی نمی‌ماند. بلکه محوریت را باید یک فعالیت مانند: جلسات مطالعه، تفکر، نقد و سخنرانی و... قرار داد. این سندها در زمان لازم و پس از بلوغ نسبی کار ایجاد خواهند شد. بررسی نمونه‌های موفق نیز نشان می‌دهد، تیم‌های موفق کار را از فعالیت و بدون نوشتن اساسنامه و... آغاز کرده‌اند.

۱-۵ مطالب مرتبط به درس‌ها، نیروها را جذب می‌کند

اگر مطالب مطرح شده در جلسات این تیم‌ها، به رشته و درس‌های این ترم نیروها هم مرتبط باشد، عامل مهمی در تداوم علاقه آن‌ها به جلسه و ثبات جلسه خواهد بود. دانشجویان ترم‌های بالاتر که پروژه‌های درسی دارند، خوب است پروژه خود را مرتبط با تیم تخصصی و مطالب جلسات انتخاب‌کنند.

۱-۶ تیم باید تدریجاً توسعه یابد

یکی از دام‌هایی که بسیاری از کارهای خوب را فاسد می‌کند، رشد بادکنکی یا توسعه زود هنگام است. بزرگ شدن کار باید تدریجاً و پس از پخته شدن اتفاق بیفتد. شروع کردن از ابعاد کوچک، معمولاً نتایج بهتری را نیز در بر دارد تا جمع کردن یک تیم بزرگ و هدف‌گذاری‌های بزرگ. یکی از دلایل این امر، امکان هماهنگ شدن افراد با هم است. در همین رابطه، معمولاً گفته می‌شود تعداد مناسب برای هر تیم، بین ۳ تا ۵ نفر یا نهایتاً تا ۷ نفر است. حتی اگر در تشکلی تعداد بیشتری از این میزان نیروی انسانی وجود داشته باشد، خوب است تیم‌ها بیشتر شود. این توسعه، وجوه دیگری به غیر از نیروی انسانی نیز دارد. مثلاً هر تیم باید فقط بر روی یک موضوع و یک مسأله متمرکز شود و مسائلی از این دست.

۱-۷ تناوب جلسات مهم است

تناوب برگزاری جلسات طبق تجربیات دانشگاه‌های مختلف، نباید کمتر از ماهی یک جلسه و یا بیشتر از هفته‌ای یک جلسه

باشد، چراکه در این صورت کار نمی‌گیرد. اگر تناوب جلسات اعضای تیم کم باشد، مطالب فراموش می‌شود و نمی‌تواند آن شوق لازم را حفظ کند و اگر تناوب بیش از حد باشد، بچه‌ها را از همه کارهایشان می‌اندازد و باعث می‌شود عطای جلسه را به لقای آن ببخشند!

۸-۱ نقش هیأت علمی‌ها باید مشورتی باشد

یکی از عوامل موفقیت تیم‌ها، استفاده صحیح از اساتید دانشگاه و اعضای هیأت علمی است. استفاده صحیح به معنای آن است که اولاً حتماً از اساتید در نظرخواهی‌ها، مشورت‌ها، آموزش‌ها و... استفاده شود، اما در عین حال کار به دست اساتید داده نشود یا تیم‌ها معطل اساتید نمانند. مثلاً نباید فرد محوری تیمی، از اساتید دانشکده باشد. تجربه‌های متعدد دانشگاهی نشان داده‌اند که اگر از ظرفیت اساتید استفاده نشود یا در جای خود استفاده نشود (و عملاً زمام امور به آن‌ها داده شود)، تیم به موفقیتی پایدار نخواهد رسید.

۹-۱ تمرکز کردن روی موضوع، عامل اصلی موفقیت

مسائل کشور به دلیل پیچیدگی‌هایی که دارد، تنها توسط کسانی باید پیگیری شوند که بر روی موضوع یا مسأله مورد نظر، تمرکز کرده و مستمراً آن را پیگیری می‌نمایند. تجربه‌های متعدد نشان داده‌اند که عدم تمرکز روی مسأله، توفیقی را به همراه نداشته است.

۱-۱۰ فرصت برابر برای همه دانشجویها

یکی از اشتباهات رایج برخی تشکل‌های دانشجویی، وجود نگاه‌های تنگ‌نظرانه است که باعث می‌شود همواره در بحران نیروی انسانی به سربرند. برای تشکیل تیم‌هایی موفق، باید این تنگ‌نظری‌ها را کنار گذاشت و با استفاده از ابزارهای تبلیغی فرصتی را برای همه دانشجویان دانشگاه فراهم آورد تا در ایجاد این تیم‌ها مشارکت نمایند. تصور غلطی است که ابتدا ارزشی‌ها را جمع کرد و بعد کار را شروع کرد، بلکه ابتدا باید کار را وسط گذاشت و هر که جذب کار شد - البته اگر کار، کاری حسابی و پُراولویت باشد - ارزشی است. اساساً میزان ارزشی بودن افراد به وسط میدان بودن آن‌هاست، نه مؤلفه‌های دیگر.

۲. کسب تحلیل کلان از رشته و حوزه تخصصی و شناخت مسائل

در مسائلی که با سرنوشت کشور ارتباط پیدا می‌کند، حتماً تحلیل و موضع داشته باشید.^۱

برای اینکه دانشجوی انقلابی بتواند به صورت تخصصی به مواجهه با مسائل کشور و نظام پردازد و رزمنده‌ای مفید در عرصه جهاد علمی و اقتصادی باشد باید شناختی کلان از حوزه تخصصی‌اش و مسائل کلان کشور داشته باشد، تا سردرگم نشود و به بیراهه نرود. به عنوان نمونه در رشته پزشکی دانشجوی باید شناختی کلی از نظام سلامت و مسائلی که در آن رخ می‌دهد

۱. در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۹/۵/۳۱.

داشته باشد تا بتواند به هدف اصلی حوزه تخصصی خود، که سلامتی و درمان مردم است برسد؛ وگرنه در مسائل تکنیکی نحوه درمان و پروسجرهای پزشکی و غیره غرق شده و ناگهان می بیند که نسبتی با اهدافِ والا و متعالی که در هنگام ورود به رشته برای خود تصور کرده بود، ندارد. پس گام دوم، پیدا کردن دید کلان یا دید از بالا در هر موضوع یا رشته تخصصی است. به عبارت دیگر هر فرد باید بداند که در حوزه تخصصی او چه می گذرد؟ مشکلات کشور در آن حوزه چیست؟ صاحب نظران و جریانات فکری آن حوزه کدام اند؟ از چه منابعی می تواند، اطلاعات دست اول آن حوزه را رصد کند؟ کدام مشکلات در آن حوزه، دارای اولویت هستند؟ نسبت آن حوزه با مسائل کلان انقلاب اسلامی که رهبری تبیین می کنند، چیست؟ رسیدن به بخش قابل توجهی از پاسخ این سئوالات، دید کلانی است که باید در هر حوزه تخصصی به دست آید.

طمأنینه و صبوری در این مرحله، بسیار حائز اهمیت است تا مراحل بعدی مستحکم پیموده شود. باید این مرحله با سیر طبیعی خودش طی شود. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

من در خلال حرف های شما جوان ها - مثل دوره جوانی خودمان - می شنوم که این کار را سریعاً انجام دهید. این «سریعاً»، همه جا قید درستی نیست. بعضی از کارها طبیعتش، طبیعت سرعت نیست. اگر دچار سرعت شد، دچار اشکال خواهد شد.

باید بگذاریم کار با طبیعت خود انجام بگیرد.^۱

آخرین نکته در این مرحله - که در نمودار ارائه شده در ابتدای فصل نیز مشخص است - آن است که پیدا کردن تحلیل کلان از حوزه تخصصی آگریخواهد مفید به حال کشور باشد، باید پیش‌نیازی را بگذراند که آن شناخت مکتب امام و آرمان‌های انقلاب است. آرمان‌های انقلاب و امام خمینی رحمته‌الله علیه به مثابه قله‌ای است که جهت کلی حرکت را مشخص می‌سازد. اگر این قله نادیده گرفته شود، در انتها، تشکل مشاهده می‌کند به جایگاهی به غیر از جایگاهی که انقلاب اسلامی امروز نیاز دارد، رسیده است و اساساً مفاهیم غلطی در ذهن و باورش شکل گرفته است. باید حداقل یک دور منتخبی از صحیفه امام؛ را خواند.

اجمالی از روش‌های اجرایی برای کسب شناخت و دید کلان

در زیر، اجمالی از روش‌های اجرایی کسب شناخت و آشنایی با مسائل کشور در حوزه تخصصی ارائه می‌شود:

الف. برگزاری جلسات منظم فکرو نقد

جلسات منظم اثری مهم در کسب شناخت و ورود به حوزه تخصصی دارد. اهمیت این جلسات به این علت است که مواد لازم برای «فکر کردن» بچه‌ها را فراهم می‌آورد؛ چیزی که مهم‌ترین نکته در تحلیل کلان داشتن از حوزه تخصص است؛

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

همان طوری که در دین نیز تفکر، اهمیتی بسیار بالا دارد و از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که لحظه‌ای تفکر از عبادت کردن یک سال (هفتاد سال) با ارزش تر است.^۱ همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا عِلْمَ كَالْتَّفَكُّرِ»^۲ هیچ علمی مثل تفکر نیست؛ و همچنین می‌فرماید: «التَّفَكُّرُ يُدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ».^۳ لذا تفکر انسان را به سوی نیکی و عمل صالح دعوت می‌کند. لذا این جلسات باید ترکیبی از مطالعه و فکر و بحث و شنیدن حرف بزرگترها باشد. عنصر فکر و نقد در این جلسات، عنصر محوری است و باید به هر نحو که شده سعی شود تفکر نیروها در موضوع فعال شود. مؤثرترین قالب برای چنین جلساتی آن است که در ابتدا یکی از نیروها با مطالعه منابع موجود، خود را برای ارائه دادن آن‌ها به صورت یک کنفرانس به دیگران آماده می‌کند، سپس در جلسه، دیگران به نقد مطالب ارائه شده توسط او می‌پردازند. می‌توان در ادامه و پس از تسلط به موضوع، ارائه را برای سایر دانشجویان نیز برگزار کرد که هم باعث پخته‌تر شدن موضوع می‌گردد، هم اعتماد به نفس اعضای تیم را بالا می‌برد و هم تبلیغ خوبی برای فعالیت انجام شده است و می‌تواند اعضای جدیدی را به تیم جذب نماید.

این جلسات می‌توانند، تبدیل به بستری برای تربیت نیرو نیز

۱. تفکر ساعة افضل من عبادة سبعين سنة.

۲. نهج البلاغه، نشر موسسه امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۷۵ش، قصار ۱۱۳.

۳. شیخ عباس، سفینه البحار، نشر موسسه انتشاراتی معصومه علیه السلام، قم، ج ۳، ص ۱۲۳، ذیل «فکر».

باشوند؛ خصوصاً در صورتی که شخص مناسب و توانا در کارهای تربیتی، محوریت تیم را به عهده بگیرد یا در این کار کمک دهد.

ب. دعوت افراد عمیق و متخصص در موضوع برای ارائه مطلب

دعوت از افراد عمیق یا باتجربه در حوزه تخصصی برای سخنرانی و ارائه مطلب یکی دیگر از کارهای مفید، برای کسب شناخت تحلیلی از حوزه تخصصی است که می‌تواند در قالب جلسات منظم تیم برگزار شود.

آن چیزی که ما از محیط دانشجویی مان انتظار داریم، پیشرفت علم، پیشرفت اندیشه سیاسی، عمق اندیشه دینی و ایمان دینی، عمق معرفت دینی و روشن بینی دینی، دست یافتن به قلمروهای جدید؛ هم در زمینه علم، هم در زمینه سیاست، هم در زمینه معرفت دینی در محیط دانشجویی است؛ البته به کمک راهنمایان هر بخشی. شما برای کار علمی باید استاد داشته باشید، برای کار معرفت دینی باید استاد داشته باشید، برای کار سیاست هم همین جور است. کار را شما می‌کنید، او راهنمایی می‌کند.^۱

البته نکته مهمی وجود دارد که در دعوت از اساتید، بحث اعتماد به نفس ملی خیلی مهم است، این اعتماد به نفس و امید به آینده، معیار مهم تری از حزب الهی بودن در انتخاب اساتید و صاحب نظران است.

اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس

۱. در دیدار دانشجویان نخبه و ...، ۱۳۸۶/۷/۱۷.

داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمی اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت توانایی‌های این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجوی و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت؛ و ثالثاً پُرکاری؛ ما یک مقداری از ناحیه کم کاری‌های مان و تنبلی‌های مان - در بخش‌ها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد؛ بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاه‌اند.^۱

حتی اگر استاد مناسب هم پیدا نشد با خواندن مقاله‌ها و نوشته‌های آن‌ها می‌توان جلسه را برگزار کرد. البته دعوت از اساتید نیز نکاتی دارد که با رعایت آن‌ها احتمال موافقت آن‌ها بیشتر می‌شود. یکی از آن‌ها تعریف درست مسأله و نیاز فضای دانشگاه به آن، برای استاد است، باید استاد را مُجاب کرد که کار ما جدی است و باید برای ما وقت بگذارد.

نکته دیگر آن است که اساتید، لزوماً اساتید دانشگاهی و دکتر نیستند! برای تیم‌های مرتبط با حوزه کشاورزی، کشاورز نمونه استان قطعاً یک صاحب نظر ایده‌آل است. برای رشته حقوق، یک قاضی؛ برای رشته‌های مدیریت و صنایع، یک مدیر یا کارآفرین موفق گزینه‌های بسیار مناسبی هستند. حتی

۱. در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۷/۱۳۸۵.



لزومی ندارد افراد دعوت شده، موفق بوده باشند! یک کشاورز زمین خورده یا یک مدیر صنعتی ورشکست شده نیز به دلیل درک عمیق مشکلات کشور، گزینه‌های مناسبی برای دعوت در فضای دانشجویی هستند.

پ. خوب درس خواندن

بدون خوب درس خواندن، نمی‌توان شناخت عمیق و تخصصی از مسائل و مشکلات پیش‌روی کشور را به دست آورد. درست است که بعضی درس‌های دانشگاه بدون کاربرد یا قدیمی یا غیرمتناسب با نیازهای کشور به نظر می‌رسند، اما حداقل برای نقد کردن هم لازم است این علوم به خوبی فرا گرفته شود. علاوه بر آن، حقیقتاً در خواندن همین درس‌های دانشگاه که به نظر پُر اشکال می‌آیند، هنوز هم فایده‌های زیادی هست. ابتدا اینکه دانشجویان، خصوصاً در دوره کارشناسی، در حال تمرین و یاد گرفتن هستند. ممکن است این تمرین و فراگیری در موضوعات روز و جذاب نباشد، اما اگر روش «خوب» فرا گرفته شود، آن وقت است که می‌توان با همان روش، موضوعات مورد نیاز اسلام و انقلاب و کشور را هم حل کرد، و این کار با همین موضوعات قدیمی و غیرجذاب هم میسر است. باید دانشجویان را به خوب درس خواندن ترغیب کرد، و حتی برای آن، برنامه‌هایی نیز تعریف کرد.

ج. برگزاری بازدیدهای هدفدار با حضور راهنمای متبحر

اثر بازدید در شکل گرفتن نگاه اعضای تیم روشن است. با

استفاده از بازدیدهای هدفدار می‌توان مشکلات کشور را به صورت عینی برای نیروها ترسیم کرد. اما دو نکته مهم در برگزاری بازدید وجود دارد. اولاً این بازدیدها نباید به مکان‌های صنعتی محدود شوند؛ کما اینکه مختص رشته‌های فنی هم نیستند، بلکه بازدید هدفدار به معنی آن است که هر بازدیدی باید با حوزه تخصصی تیم مرتبط باشد. به عنوان مثال حضور در دادگاه خانواده می‌تواند برای تیم‌های رشته حقوق یا رشته علوم اجتماعی مفید باشد؛ یا بازدید از سازمان‌های دولتی، نظیر تأمین اجتماعی برای رشته مدیریت یا بازدید از بیمارستان‌های بزرگ استان برای رشته‌های علوم پزشکی و... ثانیاً باید برای هر بازدیدی یک راهنمای خبره و توجیه پیدا کرد تا متناسب با هدف بازدید، برای نیروها صحبت کند و به آن‌ها جهت دهد.

د. رصد اتفاقات و تحولات حوزه تخصصی

توجه داشتن به حوزه تخصصی و رصد اتفاقات و اخبار مربوط به آن کمک می‌کند تا با شناخت کلان از بازیگران عرصه و روابط آن‌ها و فضای کلان حاکم بر حوزه، دید کلان تقویت شود. از جمله اقدامات مفید در این زمینه، شناسایی کردن موارد زیر است:

- سایت‌های تخصصی
- مجلات
- برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی
- کتاب‌های تازه
- سرفصل دروس دانشگاه‌های دیگر

- همایش‌ها و رویدادها

که مرتبط با موضوع هستند و پیگیری مستمر آن‌ها.

۵. تهیه لیست اولویت‌های حوزه تخصصی

پس از مشاوره و دعوت افراد صاحب‌نظر و بازدیدهای هدفمند، بهتر است لیستی از اولویت‌ها و مسائل موجود در آن حوزه تخصصی تهیه شود. البته نباید با اولین گفتگو و اولین نظر متقاعد شد و لازم است نظرات مخالف نیز شنیده شود تا جهت‌گیری اعضای تیم، از جامعیت لازم برخوردار باشد. قدم آخر در گام دوم، نوشتن لیست مسائل و مشکلات کشور در آن حوزه تخصصی بر اساس اولویت است که باید خروجی این مرحله باشد.

۳ و ۴. انتخاب مسأله و تسلط بر آن و رسیدن به محتوای قابل

پیگیری

پس از کسب شناخت تحلیلی و کلان از حوزه تخصصی، هر تیم تخصصی می‌بایست یک مسأله مشخص را انتخاب کند و در آن عمیق شود. انتخاب یک مسأله باعث می‌شود، امکان تمرکز، انرژی و تلاش‌ها به وجود بیاید تا بتوان با شناخت عمیق، حرف‌های استوار تولید کرد و مسائل را عمقی شناخت. به عبارت دقیق‌تر مسائل کشور، ریشه‌های مشکلات کشور هستند که باید تیم‌های تخصصی آن‌ها را شناسایی نمایند. آن چیزی که در مراحل بعدی باید مورد مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی قرار

بگیرد، مشکلات و ریشه‌های آن می‌باشد. در انتخاب مسأله، نکاتی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. مهم‌ترین نکته، اولویت داشتن و واقعی بودن آن مسأله است. مسأله انتخاب شده باید واقعاً یکی از دردهای کشور باشد. نکته دوم آن است که مسأله انتخاب شده در عین اهمیت، باید مسأله‌ای باشد که جریان دانشجویی در آن امکان اثرگذاری داشته باشد، به عبارت دیگر از مسائل نزدیک‌تر و کوچک‌تر کار را آغاز کرد. مثلاً تشکل‌های دانشجویی هراستان به جای پرداختن به مسائل کشوری، از مسائل استان خود شروع کنند و...

برای تسلط پیدا کردن بر مسأله، از روش‌های اجرایی که برای پیدا کردن دید کلان در گام دوم توضیح داده شد، می‌توان استفاده نمود. شنیدن ارائه‌های مخالف در این مرحله برای پیدا کردن تسلط و جامعیت روی مسأله، امری ضروری است.

خروجی این مرحله، همان گام چهارم است که به دلیل اهمیت جداگانه در الگودر نظر گرفته شده است. گرچه انتظار نمی‌رود دانشجویان خصوصاً در دوره کارشناسی به راه‌کارهای حل مسائل دست یابند، اما این فرآیند تحقیق و مطالعه و بحث کردن و فکر کردن و تسلط بر مسأله، موجب رسیدن به حرف یا ایده نو یا راه‌هایی جدید می‌شود که باید محور برنامه‌های مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی قرار بگیرد.

۵. مطالبه‌گری تخصصی و گفتمان‌سازی عمومی

پس از انجام گام‌های قبلی و کسب تحلیل کلان از کلیت

مسائل و تحلیل عمیق از یک مسأله، نوبت به نقش آفرینی تخصصی یا همان مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی می‌رسد. مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی حول مسائل کشور، ناشی از نگاه آرمان‌گرایانه جریان دانشجویی است که جزء مهم‌ترین ارکان آن است. جوان دانشجویی به وضعیت موجود نیست و به دنبال آرمان‌هاست.

اگر شما جوانان، نگاه به قلّه‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صد درصد با واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجویان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه، قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند. توقع من از شما عزیزان این است که پایه‌های معرفتی خودتان را در همه زمینه‌ها عمیق و مستحکم کنید.^۱

آرمان‌گرایی جریان دانشجویی، موجب پیدایش روحیه مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی برای حل مسائل کشور می‌شود. اساساً مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی، جزء کار ویژه‌ها و مأموریت‌های اصلی تشکل‌های دانشجویی است که مقام معظم رهبری نیز به طور مداوم بر آن تأکید کرده‌اند.

۱. بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیأت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.

تفاوت مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی در آن است که مخاطب فرآیند مطالبه‌گری، مسئول یا مدیر کشور است. در فرآیند مطالبه‌گری، مستقیماً از مسئول مربوطه در موضوع مشخص مطالبه می‌شود که چرا فلان کار «بد»، انجام شده است و یا چرا فلان کار «خوب» انجام نشده است. در فرآیند گفتمان‌سازی، مخاطب توده‌های دانشجویی و مردمی هستند. در گفتمان‌سازی یک مشکل یا همان کار «بد» و یا فقدان یک راه حل یا همان کار «خوب»، برای توده‌های دانشجویی و مردمی تبیین می‌شود و همه را نسبت به آن آگاه می‌سازد تا از طریق بیداری و آگاهی عمومی، یک مطالبه همه جانبه و فراگیر از مسئول یا مدیر مربوطه ایجاد شود. به عبارت ساده‌تر در هر دو فرآیند مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی باید مسئولین کشور را مجاب کرد تا مسائل کشور را حل نمایند. به عبارت دیگر فرآیند امر به معروف و نهی از منکر از مسئولین جامعه، در این گام مورد نظر است.

در گفتمان‌سازی نکته حائز اهمیت آن است که باید به مخاطبین متنوع، توجه کرد. مثلاً برای دانشجویان و مورد خطاب قرار دادن آن‌ها از ابزارهایی نظیر کرسی‌های آزاداندیشی، چاپ نشریه و محصولات فرهنگی، صدور بیانیه، برگزار جلسه هم‌اندیشی و سخنرانی، ارسال ایمیل، پخش فیلم و مستند و... می‌توانند، مؤثر باشند. برای به صحنه آوردن اساتید، بیانیه یا نشریه یا... را باید در صندوق مربوطه یا اتاق آن‌ها انداخت، آن‌ها را به جلسه هم‌اندیشی دعوت کرد، یا با آن‌ها مصاحبه گرفت

و انتشار داد و... برای توجیه مسئولان از ارسال نامه محرمانه و سرگشاده، درخواست جلسه با آن‌ها، نوشتن بیانیه، برگزاری تجمع و تحصن، رایزنی با رسانه‌های ملی و منطقه‌ای و... بهره گرفت. برای رسانه‌ها نیز علاوه بر ارسال گزارش حرکت‌ها یا دعوت آن‌ها به برنامه، می‌توان از روش‌های ارسال موضع‌گیری‌ها و نامه‌ها و بازتولید آن در رسانه‌های دانشجویی مثل بُرد، وبلاگ، نشریه و فضای مجازی و... استفاده کرد. برای توجیه مردم از قالب رسانه‌ها، ابزارهای ارتباط‌گیری مستقیم مثل سخنرانی در مساجد، توزیع محتوا در هیأت‌ها و نماز جمعه، صحبت با تشکل‌های مردمی مثل اصناف، بسیج مساجد، هیأت‌ها و... می‌توان بهره برد. مقام معظم رهبری جایگاه و اهمیت گفتمان‌سازی را این‌طور تبیین فرموده‌اند:

ببینید عزیزان! فکر شما و کاری که کردید و راه نویی که پیدا کردید، پیشنهادی که به نظرتان رسیده، تأثیرگذاری‌اش فقط این نیست که این فوراً به دستگاه اجرایی منتقل بشود و فوراً یک ترجمه عملیاتی بشود و اجرایی و عملیاتی شود؛ نه، این تنها تأثیر نیست. یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضا سازی می‌کنید، گفتمان سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند؛ این خوب است؛ و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار - با کم و زیادش - تأکید

کردم، راه بیندازید و این‌ها را هی آنجا بگویید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید؛ بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشست‌تان، در فلان مجموعه دانشجویی‌تان کردید، فکری که کردید، ترجمه عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرایی در نیامد، شما مایوس نشوید؛ نگویید پس کار ما بی‌فایده بود؛ نخیر، و من به شما عرض بکنم؛ در این پانزده شانزده سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده؛ همین جور امروز علم شده یک ارزش؛ چند سال قبل این جوری نبوده. ما همین طور روز به روز هی پیش رفتیم.^۱

دانشجو باید در زمینه مسائل گوناگون کشور، مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، تحلیل در اختیار مردم بگذارد؛ یعنی مردم بایستی بتوانند از تحلیل دانشجویان بهره‌مند بشوند، استفاده کنند.^۲

این فرآیند ابزارها و ملاحظات‌ی دارد که در ادامه اجماًلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

ابزارهای مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی

الف. دعوتِ مسئولین به دانشگاه، برای شنیدن حرف‌های دانشجویان

۱. در دیدار با نخبگان، ۱۳/۷/۱۳۹۰.

۲. در دیدار دانشجویان، ۱۰/۵/۱۳۹۳.

یکی از راه‌های مرسوم و مؤثر دعوت از مسئول یا مدیر مربوطه به دانشگاه است، اما نه برای سخنرانی کردن، بلکه برای شنیدن حرف‌های دانشجویان. به عبارت دیگر با این روش، مسئول مربوطه مستقیماً در برابر مطالبات جریان دانشجویی قرار می‌گیرد. این جلسات می‌تواند در قالب برنامه‌های عمومی و یا برنامه‌های داخلی با مخاطب محدود در دفتر تشکل‌ها برگزار شود.

به نظر من بهتر از مجلس دانشجویی، همین مجلسی است که الان شما دارید؛ این جور مجالس را زیاد کنید. یکی از عللی که من توی دانشگاه‌ها می‌روم - در هر سفری مقیمم حتماً یک برنامه دانشجویی داشته باشم، در تهران هم احیاناً به دانشگاه‌های مختلف سر می‌کشم - همین است که مایلیم پای مسئولان به دانشگاه‌ها باز بشود و با دانشجویان روبه‌رو بگویند و بشنوند. امروز حرف‌هایی را که شما در این جا زدید، در صداوسیما منتشر خواهد شد و در سرتاسر کشور منعکس خواهد شد؛ به گوش بنده که یک مسئول هستم رسید، به گوش مسئولان دانشگاهی رسید، به گوش دیگر مسئولان هم خواهد رسید؛ چه وسیله‌ای بهتر از این؟ هر چه می‌توانید جلسات دانشجویی را با همین شکل صمیمی، باز و بدون رودربایستی برگزار کنید؛ و البته با کم کردن تعارف‌ها!

برای آن که مسئولین، برای برنامه‌های مطالبه‌گری به دانشگاه بیایند؛ معمولاً لازم است اول در یک نامه خصوصی نقدها را به مسئول مربوطه نوشته و از ایشان دعوت به عمل آید. اگر

جواب ندادند؛ در مرحله بعد، نامه را می‌توان به صورت علنی در سایت‌ها منتشر کرد. در مرحله بعد، دعوت نیز علنی می‌شود و اگر مسئول مربوطه دعوت را نپذیرفت، نپذیرفتن او هزینه‌مند شود و حداقل در فضای کشوری، رسانه‌ای می‌شود. در هر صورت باید برای مسئولینی که از مواجهه شدن با مطالبات دانشجویی ظفره می‌روند، هزینه ایجاد کرد و آن‌ها را مجبور کرد که در برنامه شرکت کنند.

یک نکته مهم در دعوت از مسئولین آن است که نباید تنها به سراغ مسئولین رده بالای کشور رفت. مجموعه‌ای از مدیران میانی کشور هستند که بسیاری از امور کشور در دست این‌هاست که سریع‌ترین می‌توان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد و آن‌ها را به دانشگاه دعوت کرد. در فرآیند مواجهه با مسائل کشور، جایگاه مسئول اهمیت ندارد، مهم آن است که مشکلی که در کشور وجود دارد، به خاطر کم‌کاری کدام مسئول بوده است. نباید از مسئولین میانی کشور غافل شد.

ب. فضا سازی رسانه‌ای

نوشتن یادداشت و تهیه خبر برای رسانه‌ها، نظیر سایت‌ها و روزنامه‌ها و منتشر کردن نقدهای مستدل و مطالبات مشخص از مسئولین از این طریق، نیز روش مؤثری برای مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی است. وقتی خبری یا مطلبی به خبر اول رسانه‌ها تبدیل شود، دیگر مسئول مربوطه نمی‌تواند نسبت به آن موضوع بی‌تفاوت باشد و ناچار است موضعی اتخاذ نماید. ارتباط

مستمر و قوی با رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب یا مجازی یا صدا و سیما در فرآیند مواجهه تخصصی با مسائل کشور، امری ضروری است که تشکل‌های دانشجویی باید زمینه آن را فراهم آورده باشند.

ج. برگزاری برنامه‌های دانشگاهی و علنی

برگزاری برنامه‌های دانشگاهی مانند سخنرانی‌ها، مناظره‌ها، کرسی‌های آزاد اندیشی و... نیز ابزاری جهت گفتمان‌سازی یک مسأله برای توده‌های دانشجویی است که اگر پوشش رسانه‌ای مناسب نیز برای آن دیده شود، بر روی توده‌های مردمی نیز می‌تواند اثرگذار باشد و آن مسأله را به مسأله اول جامعه تبدیل نماید. اساساً باید برنامه‌های دانشگاهی، تشکل‌های دانشجویی با چنین هدف و منطقی طراحی گردد.

د. تجمع، تحصن و ...

از ابزارهای قوی‌تر مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی، انواع تجمع‌ها و تحصن‌های داخل یا خارج از دانشگاه است که باید برای مهم‌ترین موضوعات و مسائل جامعه و جهان مورد استفاده قرار بگیرد.

ه. انتشار نشریه و تولید محصولات فرهنگی

انتشار نشریه و تولید محصولات فرهنگی، یکی از روش‌های مؤثر گفتمان‌سازی است. در این روش محتوای مورد نظر در قالب‌های متنوع فرهنگی و هنری طراحی شده و در اختیار مخاطبین قرار

می‌گیرد. این محصولات می‌تواند در بیرون از فضای دانشگاهی نیز توزیع شود تا درصد بیشتری از مردم را با خود همراه کند. نکته مهم آن است که جوان باید احساس کند که مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی اثر دارد.

بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط مبادا به ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالت خواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شد، بعد هم تمام می‌شد، کسی در جامعه پرچم عدالت خواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالت خواه و یک گفتمان عدالت خواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوان‌ها بود؛ به‌عنوان جنبش عدالت خواهی، به‌عنوان طرح مسأله عدالت خواهی - نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم- این را در دانشگاه‌ها جوان‌های مؤمن، جوان‌های متعهد، جوان‌های بامسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد؛ بنابراین شما یک گام جلو آمدید^۱.

البته این اثرگذاری با توجه به انتخاب ابزار مطالبه‌گری و قوت و استحکام محتوا، متفاوت است. طبیعتاً اثری که یک بیانیه دارد، با اثری که یک تحصن چند روزه می‌گذارد، متفاوت است. حتی بعضاً موضوعی که مطالبه می‌شود، جواب نمی‌دهد و

۱. در دیدار دانشجویان نخبه و نفرات برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۷/۱۷.

هدفش محقق نمی‌شود، اما مسئول مربوطه دیگر می‌داند که گروهی او را زیر نظر گرفته‌اند و تصمیمات او را رصد می‌کنند، در نتیجه در تصمیم‌گیری بعدی دقت بیشتری می‌کند. مطالبه‌گری تخصصی و گفتمان‌سازی به دلیل اهمیتی که دارند باید در صدر فهرست کاری شکل‌های دانشجویی قرار گیرند. به دلیل همین اهمیت و برای حداکثر کردن کارایی آن و نیز برای جلوگیری از آفت‌های رایج آن، باید ملاحظات را به شرح زیر رعایت کرد.

ملاحظات مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی

الف. تفاوت سؤال پرسیدن و قضاوت کردن

يك سؤال این بود که آیا جریان دانشجویی می‌تواند آنجایی که ایرادی به نظرش می‌آید، سؤال کند؟ پاسخ این است که بله، باید سؤال کنید. ایرادی ندارد که سؤال کنید؛ به شرط اینکه همان‌طور که خود این برادر هم گفت، قضاوت نکنید؛ اما سؤال کنید. بهترین روش سؤال و پاسخ هم این است که مسئولین بیابند توی مجموعه‌های دانشجویی. من همین‌جا از مسئولین درخواست می‌کنم که دیدارهای دانشجویی‌شان را زیاد کنند. امروز بهترین قشرهای کشور این‌ها هستند؛ هم جوان‌اند، هم باسوادند، هم تحصیل کرده‌اند، دارای فهمند، دارای انگیزه‌اند؛ مسئولین بروند شرکت کنند. این سئوالات مطرح بشود، احتمالاً پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای هم خواهید شنید. کما اینکه خود من در برخورد با بعضی از مسئولین، احیاناً بعضی از همین سؤال‌های

شما یا سئوالاتی از این قبیل را از آن‌ها دارم. خوب، يك جوابی می‌دهند، انسان احیاناً قانع می‌شود؛ ممکن هم هست جواب قانع کننده‌ای نداشته باشند. به هر حال طرح سئوال، خوب است. مراقبت کنید طرح سئوال را مخلوط نکنید و اشتباه گرفته نشود با معارضه. آن چیزی که من قبل‌ها هم گفته‌ام، بارها هم گفته‌ام، الآن هم می‌گوییم، این است که جریان دانشجویی یا جنبش دانشجویی یا هر چیز دیگر که اسمش هست، تصور نکند که وظیفه‌اش این است که با دستگاه متولی امر و متصدی اداره کشور معارضه کند؛ نه، این خطاست؛ چه لزومی دارد؟ معارضه کردن که کار همیشه درستی نیست؛ ممکن است يك جا درست باشد، يك جا درست نباشد. مهم این است که شما حرفتان را مطرح کنید، استدلالتان را مطرح کنید، پاسخ قانع کننده‌ای بخواهید؛ مسئولین هم باید پاسخ بدهند.^۱

ب. تکمیل نکردن پازل دشمن

اصرار دارم بر این که جریان دانشجویی و جنبش دانشجویی، موضع انتقادی خودش را حتماً حفظ کند. به هیچ وجه توصیه ما این نیست که شما انتقاد نکنید. خُب، چه کار کنیم که این انتقاد، تکمیل کننده پازل دشمن نباشد؟ روی این مسأله فکر کنید. نه اینکه بگوییم تکمیل پازل دشمن که یک امر منفی است، با لزوم انتقاد که یک امر مثبت است، منافات دارد؛ نه، خُب خود شما هم گفتید؛ من انتقاد کردم، در همه دنیا نقل هم شد؛ اما هیچ کس در دنیا ادعا نخواهد کرد که فلانی علیه نظام اسلامی یا فرض کنید که علیه تشکیلات مدیریت اجرایی یا تقنینی کشور دارد، اقدام می‌کند. خُب، شما هم همین جور انتقاد کنید؛ بنابراین

۱. در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۹/۵/۳۱.

انتقاد کردن می‌تواند به شکلی انجام بگیرد که به هیچ وجه مقصود دشمن را برآورده نکند و به تعبیری که ما عرض کردیم، پازل دشمن را تکمیل نکند.^۱

ج. طرح سؤال، تبدیل به معارضة نشود

مراقبت کنید طرح «سؤال» را مخلوط نکنید و اشتباه گرفته نشود با «معارضة». آن چیزی که من قبل‌ها هم گفته‌ام، بارها هم گفته‌ام، الآن هم می‌گویم، این است که جریان دانشجویی یا جنبش دانشجویی یا هر چیز دیگر که اسمش هست، تصور نکند که وظیفه‌اش این است که با دستگاه متولی امر و متصدی اداره کشور معارضة کند؛ نه، این خطاست؛ چه لزومی دارد؟ معارضة کردن که کار همیشه درستی نیست؛ ممکن است یک جا درست باشد، یک جا درست نباشد. مهم این است که شما حرفتان را مطرح کنید، استدلالتان را مطرح کنید، پاسخ قانع کننده‌ای بخواهید؛ مسئولین هم باید پاسخ بدهند.^۲

۶. پیگیری حل مسأله

هیچ مسأله‌ای با یک بار مطالبه کردن حل نمی‌شود. باید حل مسائل را پیگیری کرد. پیگیری یک رکن اساسی برای حل شدن مسائل کشور است، بیشترین ضعف نیز در همین نقطه است. دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی به دلایل متعدد معمولاً مسائل را تا انتها پیگیری نمی‌کنند. اولین دلیل آن است که توقع دارند در کوتاه مدت به خروجی و دستاوردهای بزرگ دست

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱.

۲. در دیدار با دانشجویان، ۳۱/۵/۱۳۸۹.

یابند و وقتی این اتفاق نمی‌افتد، ناامید می‌شوند و در نتیجه کار را رها می‌کنند. علت دیگر تنوع طلبی و بی‌توجهی به منطق تکلیف‌مداری است؛ چون آگاهانه از سرتکلیف‌مداری وارد‌گود شده‌اند، به راحتی نیز از آن خارج می‌شوند. انواع تنبلی کردن‌های فردی و تشکلی عامل دیگرها کردن مأموریت است. مواجهه شدن با مسائل و دردهای واقعی کشور کاری پیچیده و دشوار است که حرکتی جهادگونه احتیاج دارد و اساساً جهاد با تنبلی سازگاری ندارد. راحت‌طلبی و ترس از هزینه دادن و به مشکل افتادن، دلیل رایج دیگری برای رها کردن عرصه جهاد علمی است. این لغزشگاه را مقام معظم رهبری این‌گونه تبیین کرده‌اند.

یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمان‌ها بدون هزینه، امکان‌پذیر است، ما در دوران مبارزات هم می‌دیدیم؛ بعضی‌ها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌ای بدهند، قدمی بردارند. امروز چنین کسانی هم هستند؛ تصور می‌کنند که باید به هدف‌ها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجایی که پای هزینه دادن در میان است، عقب می‌کشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیاری از موارد موجب می‌شود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطی را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند.^۱

در نتیجه باید چرخه را ادامه داد. ممکن است نسل‌هایی در تیم‌های تخصصی یک دانشگاه عوض شوند، اما مسأله آن‌ها تغییری نکند. آن چه مهم است؛ تمرکز و پیگیری مستمر و جدی بودن برای به دست آوردن نتیجه مورد نظر است.

۱. در دیدار با کارگزاران نظام، ۳/۵/۱۳۹۱.



فصل پنجم: جنبش نرم افزاری: گام های عملی



جنبش نرم‌افزاری: گام‌های عملی

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، یکی از دو مأموریت جهاد علمی برای شکل‌های دانش‌جویی جنبش نرم‌افزاری است. جنبش نرم‌افزاری به معنای آن است که شکل‌های دانش‌جویی، جریان و نهضت نقد علوم وارداتی را به راه بیندازند، جزمیت‌ها و تعصبات فضای علمی را بشکنند و حرف‌های نو و نوآوری‌های علمی ارائه دهند. این جریان، مقدمه‌ای برای جریان تولید علم بومی در کشور است که تنها منحصر به رشته‌های علوم انسانی نیست، بلکه در علوم کاربردی نیز این نیاز احساس می‌شود، البته در سطحی متفاوت. در علوم کاربردی هدف از جنبش نرم‌افزاری نوآوری‌های علمی است تا آن علم برای رفع نیازهای کشور مورد استفاده قرار بگیرد؛ اما در علوم انسانی، تحول بنیادین و زیربنایی علوم مدنظر است.

برای تحقق جنبش نرم‌افزاری دو اقدام عملی و یک اقدام فرهنگی مهم، مورد نیاز است:

اقدام اول، راه‌اندازی همان تیم‌های تخصصی است که در فصل قبل مفصلاً توضیح داده شد. تشکیل تیم‌های تخصصی حول موضوعات مختلف که بر روی مسائل کشور تمرکز کرده و برای شناخت آن راه‌کارهای علمی و تخصصی را پیگیری می‌کنند، یکی از مؤثرترین اقدامات در جهت جنبش نرم‌افزاری است. در این تیم‌ها دانشجویان، مسائل کشور و راه‌حل‌های

دانشگاهی آن را بررسی می‌کنند، آن‌ها را حل‌جی می‌کنند، نقد می‌کنند، به چالش می‌کشند، ابداع‌هایی اعمال می‌کنند و با نوآوری‌هایی حل مسائل، پیگیری می‌شود. پس «تشکیل تیم‌های تخصصی» اولین قدم در تحقق جنبش نرم‌افزاری است که نیازی به توضیح مجدد ندارد.

اقدام دوم، برگزاری «کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی» است که مقام معظم رهبری نیز مستمراً بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. هدف اصلی از برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بر خلاف آنچه تاکنون بیشتر سیاسی دیده شده است، مسأله‌اش نوآوری و ابداع علمی و ارائه راه‌حل برای مسائل کشور است. باید در کنار کرسی‌های سیاسی، تشکل‌های دانشجویی اقدام به برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی یا نظریه‌پردازی علمی و تخصصی با موضوعات روز کنند. مثلاً در دانشکده‌های علوم فنی و کاربردی، مسأله‌های کشور، موضوع کرسی قرار بگیرد و اساتید و دانشجویان آن دانشکده درباره آن بیندیشند، با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند، راه‌حل ارائه کنند و راه‌حل‌های یکدیگر را به چالش بکشند. لازم نیست این بحث‌ها و راه‌حل‌ها لزوماً به مسئولین و مدیران کشور انتقال پیدا کند، بلکه نفس برگزاری چنین برنامه‌هایی هم ابداعات علمی را به همراه دارد و هم گفتمان‌سازی می‌کند برای حل مشکلات کشور. در دانشکده‌های علوم انسانی دستاوردهای بشری غربی که در کلاس‌های درسی به‌عنوان وحی منزل تدریس می‌شود، مورد

بررسی، نقد و چالش قرار گیرد. این برنامه‌ها علاوه بر فواید فراوان، جذابیت فراوانی نیز برای دانشجویان و اساتید دانشکده دارد و می‌تواند به صورت منظم در دانشکده‌ها برگزار گردد. هر برنامه‌ای که در آن تعدادی از دانشجویها یا اساتید آزادانه حول یک موضوع گفت‌وگو و چالش کنند، کرسی آزاداندیشی است. قالب برنامه با توجه به شرایط ویژه هر دانشگاه باید تعیین گردد و اصلاتی در برگزاری برنامه ندارد.

اقدام سوم، فراگیر کردن این نگاه و این جریان است. به عبارت دیگر، نگاه منتقدانه به علوم و ایجاد جرأت نوآوری علمی باید به فرهنگ عمومی دانشجویی و دانشگاهی تبدیل شود تا نهضت فراگیر جهاد علمی به راه افتد. مسأله جنبش نرم‌افزاری و تولید علم از طریق ایجاد نهضت‌های فراگیر امکان تحقق پیدا خواهد کرد و کاری نیست که بتوان آن را در اتاق‌های دربسته و بدون حضور جریان‌های عمومی دانشجویی و نخبگانی مدیریت کرد و به نتیجه رساند. حال این سؤال پیش می‌آید که اولاً چه چیز را باید فرهنگ‌سازی کرد؟ و ثانیاً چطور می‌شود این کار را به خوبی انجام داد؟ و سئوالاتی از این دست که در ادامه سعی شده است به آن‌ها پاسخ داده شود.

چرا فرهنگ‌سازی حائز اهمیت است؟

یکی از مهم‌ترین کارهایی که تشکل‌های دانشجویی باید انجام دهند فرهنگ‌سازی است. مقام معظم رهبری، نفس فرهنگ‌سازی

را جزء اقدامات تأثیرگذار تشکل‌های دانشجویی می‌دانند.

من می‌خواهم بگویم اثرگذاری دانشجویی بیش از آنچه که با مشورت‌دهی به مسئولین باشد، با جهت‌دهی به عناصر انسانی در نیروهای تحت تأثیر است. شما در خانواده‌تان می‌توانید اثر بگذارید؛ روی پدر و مادرتان می‌توانید اثر بگذارید. در محیط زندگی خودتان، روی فامیل، روی دوست، روی هم‌بازی در ورزش می‌توانید اثر بگذارید؛ اثر به زبان، اثر به منش، اثر به رفتار. این بهترین توفیق و پیروزی برای دانشجویست؛ اثرگذاری در محیط‌هایی که می‌تواند در آن اثرگذاری بکند.^۱

این فرهنگ‌سازی حول مقوله کار علمی و مسأله پیشرفت کشور، از اهمیتی چند برابر برخوردار است که ایشان در بیانات متعددی به آن اشاره می‌کنند و تحقق آن را نیز به عهده دستگاه علمی کشور؛ یعنی دانشگاه و تشکل‌های دانشجویی می‌دانند.

ما این روحیه شور و شوق را، میل به تحقیق را، کنجکاوی را، خسته نشدن و پیگیری کردن را باید در ملت‌مان به وجود بیاوریم. این روحیه، کم است؛ نیست. کار جمعی هم که گفتند، همین جور است؛ کار جمعی هم جزو خصال ملی ما نیست. شما به ورزش‌های ما هم که نگاه کنید و مقایسه کنید با ورزش‌هایی که متعلق به اروپایی‌هاست، می‌بینید همین جور است. ورزش ملی ما که کشتی است، یک ورزش انفرادی است. حتی ورزش باستانی ما هم که یک ورزش دسته جمعی است، هر کسی برای خودش ورزش می‌کند. می‌دانید وقتی که توی گود زورخانه

۱. در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶.

می‌روند، کار دسته‌جمعی انجام نمی‌گیرد؛ با هم یک حرکتی را انجام می‌دهند، هرکسی ورزش خودش را انجام می‌دهد؛ مثل فوتبال یا والیبال نیست که کار این، مکمل کار آن باشد؛ لذا کار، کار جمعی نیست. این یک نقص ملی است در ما؛ این را باید درست کرد؛ باید تزریق کرد. این کار کیست؟ کار دانشگاه است؛ بنابراین دانشگاه غیر از مسأله علم، باید به مسأله فرهنگ هم بپردازد.^۱

ایشان نقیصه اصلی عقب‌ماندگی علمی کشور را فرهنگ کار می‌دانند، نه مسأله پول و امکانات و تأکید می‌کنند این نگاه و این فرهنگ باید در جامعه گسترش پیدا کند.

مهم‌ترین اختراعات بشری آن اختراعاتی است که با تفحص و کنجکاوی و گذشت و فداکاری محقق به دست آمده؛ نه با سفارش، نه با پول. گاهی آن محقق در شرایط بسیار سختی قرار داشته، سال‌های متمادی را هم صرف وقت کرده تا بالاخره به آن نتیجه رسیده. البته بعد که به نتیجه رسیده، ممکن است اقبال و شهرت و پول و بقیه چیزها هم به او رو کرده؛ اما آن عامل اصلی، عامل شور و عشق و علاقه و میل به تحقیق و کنجکاوی و عمق‌یابی بوده. این، فرهنگ لازم دارد؛ این فرهنگ را باید تزریق کرد.^۲

چه محورهایی باید در فرهنگ‌سازی مدنظر باشند؟

در فرهنگ‌سازی برای توده‌های دانشجوی، اقدام اول شناخت

۱. در دیدار با اساتید دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.

۲. در دیدار با اساتید دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.

محورهای محتوایی است که باید در این فرآیند فرهنگی انتقال داده شود. مقام معظم رهبری این محورها را تبیین کرده‌اند که در ادامه اجمالی از آن ارائه می‌گردد:

الف. گسترش روحیه علمی و علاقه به تحقیق

بایستی این میل به علم و تحقیق و پژوهش همه جا گسترش پیدا کند. باید مخصوص استاد و محقق هم نماند؛ در محیط دانشجویی و فضای دانشجویی گسترش پیدا کند؛ یعنی دانشجوی میل به علم‌آموزی و تولید علم پیدا کند که این کاری است که احتیاج دارد به تدبیر و با توصیه و خواهش و تمنا و سفارش و دستور و این‌ها، نخواهد شد.^۱

به نظر من باید چنین روحیه‌ای را ما در دانشگاه‌ها ترویج کنیم. این هم بیشتر به عهده شماهاست که جوان دنبال تحقیق باشد و اقلماً در کوتاه مدت به دنبال تبدیلیش به اسکناس نباشد. این طور نباشد که ما هر کاری می‌کنیم، به فکر این باشیم که ارزش ریالی‌اش چقدر است. اگر این شد، آن وقت پایه تحقیق سُست می‌شود؛ پیشرفت حاصل نمی‌شود؛ درس نمی‌خوانند.^۲

ب. به وجود آوردن هویت علمی

یکی از چند نکته بسیار برجسته و خوشحال‌کننده‌ای که بنده را متوجه خودش کرد، این بود که من دیدم این جوان‌ها - غالباً شاید صدی نود جوان‌ها بین بیست و سی ساله بودند -

۱. در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۴/۲۵.

۲. در دیدار مسئولان و اساتید دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹/۷/۲۶.

احساس اشتغال، احساس کار کردن و احساس هویت علمی و عملی می‌کنند. این، چیز خیلی باارزش و مهمی است. ما باید این احساس را در کل مجموعه جوانان و دانشجویانی که مقاطع مختلف دوره‌های تحصیلاتی تکمیلی را می‌گذرانند، به وجود بیاوریم.^۱

ج. تبیین جایگاه کار علمی در اقتدار کشور

آنچه در درجه اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یک وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش، مایه اقتدار است؛ ثروت آفرین است؛ قدرت نظامی آفرین است؛ قدرت سیاسی آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: «العلم سلطان» علم، قدرت است. «من وجده بال به و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی مسأله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «بال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند.^۲

د. ارتقای جرأت علمی و رفتن مسیرهای جدید

البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن

۱. دیدار روسای دانشگاه‌ها مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۵/۲۳.

۲. در دیدار با اساتید دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.

به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آن‌ها هیچ‌جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند؛ بنابراین جرأت علمی لازم است.^۱

من می‌گویم در زمینه علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدم‌های جدید، مستلزم پیمودن راه‌های رفته شده و طی شده‌ی به‌وسیله دیگران است؛ در این شکی نیست؛ اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جست‌وجو برای یافتن راه‌های میان‌بر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.^۲

۵. گسترش امید به آینده و نشاط و پویایی در میان جوانان

این‌که ما می‌بینیم امروز نسل جوان در کشور ما به سمت تحرک و پویایی علمی پیش می‌رود، به خاطر این است که این امید در نسل جوان ما به وجود آمده است. ما باید این امید را روز به روز

۱. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۲. در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۷/۱۳۸۵.

بیشتر کنیم؛ وظیفه نخبگان ما هم این است. نخبگان ما اگر با جوان ها حرف می زنند و اگر به آن ها اطلاعات می دهند، طوری حرف نزنند که جوان نسبت به آینده مأیوس شود. سیاست عده ای این است. این کار، حساب شده است. البته بعضی از روی غفلت و نادانی این کار را می کنند، بعضی هم از روی دقت این کار را انجام می دهند تا نسل جوان را نسبت به آینده مأیوس کنند و افق آینده را تیره و تار، مبهم و غبارآلود جلوه دهند.^۱

توقع از اساتید محترم این است. جوان هایتان را توجیه کنید. ... به این ها قدرت تحلیل بدهید. به این ها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. ... این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه های علوم تجربی و دانش های گوناگون انجام دادند، این ها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به اینجا نمی رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده علمی اش، از آینده شغلی اش. این خیلی مضراست. این کاری است که تو برنامه های دشمنان ما و مخالفین نظام و جود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.^۲

۱. در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۹.

۲. در دیدار اساتید دانشگاه، ۱۳۸۸/۶/۸.

و. به وجود آوردن نگاه تمدنی و روحیه جهادی در عرصه علمی

در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید يك حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه مقابل آن چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبالش هستند...؛ برای اینکه بتواند هدف‌های خودش را تأمین بکند - که آن هدف‌ها، هدف‌های والای انسانی است که هر انسانی آن‌ها را قبول دارد - باید دنبال علم برود؛ این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این بروبرگرد ندارد. ... این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد.^۱

جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست... امروز ما در زمینه علم نیاز داریم که این جور تلاشی در کشور بکنیم؛ احساس کنیم موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی می‌شود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم.^۲

در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم، بیش رفته‌ایم. روحیه جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این‌که «ما می‌توانیم»؛ و کاری‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و

۱. بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵.

۲. در دیدار با اساتید، ۱۳۸۹/۶/۱۴.

ذهنی و اعتماد به جوان ها. الآن در همین بخش انرژی هسته ای که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آنجا مشغول کار هستند، جوان های تحصیل کرده اند؛ صدها جوان کم سال و تحصیل کرده، این چرخ را می چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده اند. در همه بخش ها همین طور است. به نیروهای با استعداد، چه از جوان ها باشند و چه از انسان های باتجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاصی نیت برای خدا، اساس کار است.^۱

ز. به وجود آوردن و گسترش روحیه بدهکاری به کشور

معلوم است (مردم و مسئولان) که یک کشور از نخبگان خودش چه می خواهند. یک کشور از نخبگان خودش می خواهند که به نیازها و مطالبات عمومی و به مصالح کشور بیندیشند؛ به آن ها پاسخ دهند و خودشان را متعهد بدانند. من در جمع نخبگان المپیادی - البته الحمدلله الآن همه شما نخبه هستید؛ بنده همه شما جوان ها را به یک معنا نخبه می دانم - مکرر گفته ام که نخبگان توجه داشته باشند خود را از ملت طلبکار ندانند. ما به مسئولان مرتب سفارش می کنیم به نخبگان رسیدگی کنند؛ این ها سرمایه ها و گنجینه های کشورند و البته باید به این ها رسیدگی شود؛ در این شکی نیست. یک مطلب این است که ما مسئولان باید خود را برای پشتیبانی، حمایت و دفاع از نخبگان مسئول بدانیم؛ اما حرف دیگر این است که ما بگوییم نخبگان خود را از ملت ایران و از کشورشان طلبکار بدانند؛ این دومی مطلقاً قبول نیست. همه ما بدهکاریم؛ بدهکار به این ملت، بدهکار به این

۱. بیانات در دیدار کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

تاریخ، بدهکار به نسل‌های آینده.^۱

برای فرهنگ‌سازی چه ابزارها یا ایده‌هایی وجود دارد؟

در ادامه، ایده‌های متنوعی برای فرهنگ‌سازی در دانشگاه ارائه می‌گردد. هر کدام از این ایده‌ها برای تمامی محورهای فرهنگ‌سازی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. می‌توان ایده‌های دیگری را نیز به این لیست اضافه کرد:

الف. اطلاع‌رسانی مؤثر پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور

اطلاع‌رسانی پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها می‌تواند پندار غلط «ما نمی‌توانیم» را از بین ببرد و اعتماد به نفس ملی و خودباوری ایجاد کند که مقدمه‌ای برای جنبش نرم‌افزاری است.

اغلب مردم از این توفیقات خبر ندارند. من اصرار دارم بر این‌که این پیشرفت‌ها به گوش مردم برسد. به دولتی‌ها می‌گویم کارهایی که دارد انجام می‌گیرد، به مردم بگویید. روزی بوده یک صدم آنچه را که امروز داریم انجام می‌دهیم، قادر نبودیم بسازیم. آن روز خیلی دیر نیست؛ همین بیست و پنج سال پیش است. ما تا قبل از انقلاب امید نداشتیم بتوانیم نیروگاه بسازیم؛ بتوانیم سد بسازیم؛ بتوانیم فناوری‌های پیچیده را حتی بفهمیم، چه برسد به این‌که بسازیم؛ اما امروز همه این‌ها وجود دارد.^۲

برخی از کسانی که جایگاهی برای حرف زدن دارند و تربیون

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.

۲. در دیدار جمعی از مخترعان جوان، ۱۳۸۴/۱/۳۰.

دارند، در اصل مسأله پیشرفت علمی کشور تردید می‌کنند! ما این را مصلحت نمی‌دانیم؛ یعنی واقعاً از روی بی‌اطلاعی است. یک وقتی یکی از مسئولین کشور درباره مسائل نظامی یک نظری داده بود که خُب مطابق واقع نبود؛ بنده گفتم یک «تور نظامی» برای مسئولین کشور قرار بدهید؛ بیایند یک خُرده‌ای در محیط‌های نظامی گردش کنند، حقایقی را، واقعیاتی را ببینند، معلوماتشان نسبت به موجودی نظامی کشور بالا برود. حالا در مورد مسائل علمی هم متأسفانه گویا همین جور است؛ باید یک «تور علمی» بگذاریم برای مسئولین در بخش‌های مختلف^۱.

برای اطلاع رسانی مؤثر پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور، راه‌های فراوانی وجود دارد که برخی از آن عبارت‌اند از:

۱. برگزاری نمایشگاه عکس، پوستر و اینفوگرافیک از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های کشور در حوزه‌های متنوع.

۲. برگزاری برنامه‌های آمفی‌تئاتری و دعوت از افرادی که در این پیشرفت‌ها نقشی داشته‌اند. کسانی نظیر اعضای تیم یا دوستان شهید احمدی‌روشن برای توضیح در مورد پیشرفت‌های هسته‌ای، مسئولان پروژه‌های بزرگ ملی یا استانی، هنرمندان سرشناس کشور که اثر انقلابی مهمی تولید کرده‌اند یا در سطح بین‌المللی جایگاهی کسب کرده‌اند؛ ورزشکاران صاحب نشان بین‌المللی، اندیشمندان و بزرگان ملی و...

۳. برگزاری نمایشگاه دستاوردهای کشور از پیشرفت‌های مختلف. به عنوان نمونه خوب است در هفته‌های دفاع مقدس

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱/۴/۱۳۹۳.

به جای - یا در کنار - چفیه زدن به در و دیوار، نمایشگاهی از تجهیزات فوق پیشرفته نظامی کشور برپا شود یا مثال‌هایی از این دست.

۴. پخش فیلم و مستندهای افتخارآفرین از پیشرفت‌های کشور.

۵. انتشار نشریه یا تولید هرگونه محصولات فرهنگی در تبیین پیشرفت‌های کشور.

بازدیدهای علمی هدفمند و جهت‌دار نیز ابزار قدرتمندی برای آن است که دانشجویان، پیشرفت‌های کشور را از نزدیک لمس کنند.

باید توجه شود که پیشرفت‌ها صرفاً مادی و در حوزه‌های علوم فنی و کاربردی نیست. در علوم انسانی یا هنرنیز می‌توان دستاوردهای کشور را شناسایی و حول آن با استفاده از ابزارهای عنوان شده، نقش‌آفرینی کرد. نکته مهم دیگر آن است که مخاطب این برنامه‌ها باید توده‌های دانشجویی باشد نه یک قشر خاص.

ب. تکریم علم و عالم

یکی از «تدابیر»هایی که در عرصه فرهنگ‌سازی جهاد علمی می‌تواند اثربخش باشد، احترام گذاشتن و تکریم کردن محققان و پژوهشگران و عالمان است، به طوری که حداقل در جامعه دانشگاهی، یک محقق طراز اول، بیشتر از یک فوتبالیست علاقه‌مند داشته باشد. باید در هر رشته دانشگاهی، بزرگان آن

شناخته شوند. تکریم عالم به دنبال خود، تکریم علم را به همراه خواهد داشت. از کارهای مفید در این زمینه، تربیون دادن به محققان و دانشمندان برجسته است و فراهم کردن امکان سخنرانی و انتقال تجربیات برپا کردن کلاس در دانشگاه برای آن هاست. اقدام دیگر اطلاع رسانی، زندگی نامه و دستاوردهای آن هاست. این کار... .

... یک کار نمادین است، برای این که ما بدین وسیله اخلاص و ارادت خود را به استادان رشته های گوناگون علوم و گردانندگان حقیقی و معنوی دستگاه علم و دانشگاه در کشور نشان دهیم؛ چون می دانیم ترویج علم اگر چند مقدمه داشته باشد، یکی از آن ها تکریم عالم است؛ بنابراین ما لایم عملاً این تکریم را اعلام کنیم^۱.

ما باید عالم را عملاً تشویق کنیم؛ صرف اینکه بگوییم ما شما را دوست می داریم، او تشویق نمی شود. یکی از طرق تشویق کردن همین است که ما او را بیاوریم و از طریق رسانه خود در مقابل میلیون ها نفر قرار بدهیم و او شرح حال و گوشه های مخفی زندگی اش را که در غربت و در فقر گذرانده، برای مردم بیان کند و تشویق بشود؛ این تشویق علمی است؛ شما باید این کار را بکنید.^۲

باید «تولید نظریه و فکر»، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و

۱. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶.

۲. در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.

عملی، از نظریه‌سازان، تقدیر به عمل آید و به‌نوآوران، جایزه داده شود و سخنان‌شان شنیده شود تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند. باید ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی بایکدیگر رقابت کنند و مضاف دهند تا جهان اسلام، اعاده هویت و عزت کند و ملت ایران به رتبه‌ای جهانی که استحقاق آن را دارد، بار دیگر دست یابد.^۱

البته این نکته حائز اهمیت است که منظور از عالمان، فقط اساتید هیأت علمی دانشگاهی نیست. ممکن است استادی در بیرون از دانشگاه در موضوعی طراز اول باشد. ممکن است شخصی غیرآکادمیک، اما موفق در زمینه حل مسائل کشور باشد؛ مثلاً کارآفرین نمونه کشوری شده باشد. ممکن است این عالم در میان دانشجویان باشد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی که گام بارزی در میدان علم برداشته‌اند. آن چیزی که اهمیت دارد، سن یا عنوان استاد نیست، بلکه اقدام مثبت علمی است که برای کشور انجام داده است.

ج. معرفی الگوهای موفق

یکی از راه‌های خوب برای ایجاد فرهنگ کار و تلاش و تحقیق و ایجاد امید و روحیه خودباوری، معرفی الگوهای موفق و نفرات نمونه هر حوزه است که با مقوله تکریم علم و عالم نیز ارتباط نزدیکی دارد. تشکل‌های دانشجویی می‌توانند نفرات نمونه و برتر حوزه تخصصی خود را دعوت کرده و تجربیات آن‌ها را

۱. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه درباره ضرورت کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.

به دانشجویان منتقل کنند؛ به عنوان مثال دانشجویان فنی، صنعتگران خوب و فعال را، دانشجویان کشاورزی، کشاورزان نمونه را، دانشجویان حقوق، قاضی های موفق را و... این کار - به شرط آن که مدعوین به درستی انتخاب شده باشند - تأثیر فراوانی در بالابردن انگیزه دانشجویان برای کار علمی دارد. یک نکته کاربردی آن است که به سن مدعوین توجه شود. هرچه مدعوین و فعالان نمونه کشوری یا استانی جوان تر باشند قابلیت الگوشدن بیشتری را دارا خواهند بود.





فصل ششم: نکات تکمیلی در باب الگو



نکات تکمیلی در باب الگو

در فصل اول و دوم کتاب، ضرورت جهاد علمی و ورود تشکل‌های دانشجویی به این عرصه مورد بررسی قرار گرفت. در فصل سوم، چهارم و پنجم نیز چستی جهاد علمی و نکات و ایده‌های اجرایی آن توضیح داده شد. در این فصل در ابتدا درباره مدل سازمان‌دهی واحد علمی تشکل‌های دانشجویی نکاتی ارائه می‌گردد. در ادامه نسبت بین کار دانشجویی و کار حرفه‌ای و مأموریتی که تشکل‌ها در این موضوع دارند، توضیح داده می‌شود. در انتهای فصل نیز به چند شبهه رایج که از ارتباط مستمر با مجموعه‌های دانشجویی در طول فرآیند تدوین و نگارش به دست آمد، پاسخ‌هایی داده می‌شود.

۱. سازمان‌دهی واحد علمی در تشکل‌ها

توضیح داده شد که هر تشکلی باید در عرصه فعالیت علمی، دو مأموریت مواجه تخصصی با مسائل کشور و جنبش نرم‌افزاری را پیگیری کند. همچنین در ادامه تبیین گردید که برای مأموریت اول باید تیم‌های تخصصی موضوع یا مسأله‌محور را شکل دهد. برای مأموریت دوم نیز لازم است علاوه بر استفاده از تیم‌های تخصصی، اولاً کرسی‌های آزاد اندیشی را برپا دارد و ثانیاً برای تغییر فرهنگ بی‌نشاط و متعصب دانشگاهی تلاش نماید. برای تحقق این اهداف برهر تشکلی لازم است؛
اولاً درصد صحیحی از کل فعالیت‌های تشکلی خود را به

جهاد علمی اختصاص دهد. اگر جهاد علمی شد یک بیستم کار تشکل‌ها، عملاً به توفیقی دست نخواهد یافت. با توجه به کارویژه دانشگاه و جریان‌های دانشجویی لازم است حدود نیمی از فعالیت‌های کل تشکل، به عرصه علمی اختصاص داده شود تا بتواند به جایگاه حقیقی خود برسد.

ثانیاً در هر تشکلی لازم است یک واحد علمی یا استاد علمی وجود داشته باشد با دو مأموریت؛

یک. ایجاد و مدیریت تیم‌های تخصصی که عموماً رشته محور و دانشکده‌ای شکل می‌گیرند.

دو. برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی علمی و برنامه‌های فرهنگ‌سازی علمی. به عبارت دیگر واحد علمی هر تشکل متشکل است از مسئولین تیم‌های تخصصی (هر تیم یک مسئول دارد که همان فرد محوری است) به علاوه یک یا چند نفر در استاد که برگزاری برنامه‌های آزاداندیشی علمی و برنامه‌های فرهنگ‌سازی را پیگیری می‌کنند.

در نمای بیرونی و خروجی محور هر تشکلی در حوزه علمی، اولاً یک یا چند تیم تخصصی موضوع محور دارد که هر کدام بر روی یک حوزه تخصصی متمرکز شده و یک مسأله را پیگیری می‌نمایند و خروجی‌های مخصوص به خود را می‌دهند، به علاوه یک سری برنامه‌های عمومی‌تر آزاداندیشی علمی و برنامه‌های فرهنگ علمی (که در فصل جنبش نرم‌افزاری توضیح داده شد) که در دانشگاه برگزار می‌شود و عموم دانشجویان و اساتید در آن‌ها شرکت می‌کنند.

وزن هر فعالیت که در دو فصل قبلی توضیح داده شد، عامل دیگری در ساماندهی واحد علمی تشکیل است. به جهت وزنی به دلیل محوریت تیم‌های تخصصی و اثرگذاری آن‌هم در جریان مواجهه با مسائل کشور و هم در نهضت جنبش نرم‌افزاری، عمده فعالیت علمی شکل‌های دانشجویی در ایجاد، سازماندهی و مدیریت تیم‌های تخصصی معنا می‌شود و درصد کمتری به سایر فعالیت‌ها برمی‌گردد. البته این میزان در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های مختلف، قهراً متفاوت خواهد بود، مثلاً در دانشکده‌های علوم انسانی، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بیش از دانشکده‌های فنی مطلوبیت دارد، اما محوریت تیم‌های تخصصی و دنبال کردن مسائل کشور حفظ خواهد شد. به عبارت دیگر خوب است تیم‌های تخصصی محور فعالیت‌های علمی دانشکده قرار بگیرند. این به آن معناست که همان تیم‌های تخصصی برای گفتمان‌سازی موضوع تخصصی خود یا برای رسیدن به راه‌حلی برای مسائل کشور، برنامه‌های آزاداندیشی، سخنرانی یا مناظره برگزار کنند، نشریه و محصولات فرهنگی یا تخصصی تولید کنند و با استفاده از این ابزارها، فضای عمومی دانشگاهی را تحت تأثیر قرار دهند.

مجموعه این فعالیت‌ها می‌تواند فضای غیرعلمی دانشگاهی را که امروز بزرگ‌ترین خطر و آسیب فضای دانشجویی و دانشگاهی است، تغییر دهد و فضای نشاط علمی و نوآوری علمی را در دانشگاه پدید آورد. اگر این اتفاق بیفتد قطعاً بسیاری از مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی دانشگاه‌ها و

دانشجویان خود به خود حل خواهد شد.

۲. نسبت کار دانشجویی و کار حرفه‌ای

در فصل سوم و در توضیح الگوی جهاد علمی، گفته شد که علاوه بر دو مأموریت مواجهه تخصصی با مسائل کشور و جنبش نرم‌افزاری، که هر دو باید به صورت کاملاً دانشجویی پیگیری شوند، می‌توان مأموریت سوم را نیز تعریف کرد که آن مأموریت «زمینه‌سازی یا تسهیل کردن ورود فارغ‌التحصیلان متخصص انقلابی به عرصه فعالیت حرفه‌ای» است. گفته شد که دو آرمان حرکت دستگاه علمی کشور، حل مسائل کشور و تولید علم بومی است؛ اما به دلیل محدودیت‌ها و کارویژه جریان دانشجویی، به جای این دو باید به مواجهه تخصصی با مسأله‌ها و جنبش نرم‌افزاری که هر دو زمینه‌ساز و مقدمه حل مسائل و تولید علم هستند، پردازد. مأموریت سوم تشکل‌های دانشجویی مدیریت ورود فارغ‌التحصیلان یا به اصطلاحی فارغ‌التشکل‌ها (دانشجویان فعال تشکل در دوره کارشناسی که در حال حاضر دانشجوی تحصیلات تکمیلی شده‌اند و عملاً دیگر وقت چندانی، برای تشکل نمی‌گذارند؛ اما همچنان دانشجوی دانشگاه هستند) به عرصه کار حرفه‌ای است؛ یعنی پرداختن به خود مسائل کشور برای حل آن‌ها.

این فرآیند دو ملاحظه مهم دارد که اگر در نظر گرفته نشود، به ضد خود تبدیل می‌شود و کل فعالیت علمی آن تشکل را تهدید می‌کند؛

اولاً دانشجویان نوعاً باید کار دانشجویی کنند، نه کار حرفه‌ای! به عبارت دیگر کار حرفه‌ای غالباً برای دانشجویان فارغ‌التحصیل یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی که دیگر علاقه‌ای به کار دانشجویی ندارند، باید تعریف شود. لذا غالباً (جز در مواقعی خاص) نباید اجازه داد دانشجویان کارشناسی به این عرصه ورود کنند.

ثانیاً کار دانشجویی (فصل چهارم و پنجم)، پیش‌نیاز و مقدمه کار حرفه‌ای است. تشکلی می‌تواند به عرصه کار حرفه‌ای ورود کند که کار دانشجویی را چند سال به خوبی انجام داده باشد و در غیر این صورت کار حرفه‌ای موفق نخواهد بود؛ زیرا ملاحظات در اجرای آن وجود دارد که باید افراد در عمل و در تجربه‌های تخصصی دوران دانشجویی آن را فرا گرفته باشند. شرح تفصیلی چستی مراکز حرفه‌ای و راه‌های تشکلی‌های دانشجویی برای توسعه آن، به دلیل تفاوت ماهوی با مباحث دیگر ارائه شده در کتاب، در این مجموعه نمی‌گنجد و لازم است در مجموعه‌ای جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

۳. پاسخ به شبهات رایج «ما نمی‌توانیم»

در تعامل با تشکلی‌های دانشجویی عموماً چند دلیل را به عنوان دلایل «عدم توانایی کار علمی کردن» عنوان می‌کنند که در ادامه آورده شده و اجمالاً درباره هر یک از آن‌ها توضیحاتی داده شده است. در حالت کلی و در تشکلی‌هایی که جهاد علمی توسعه نیافته است، کلمه «نمی‌شود» که بسیار شنیده می‌شود،

دلیل موجهی برای کار نکردن نیست. کلمه «نشد» کلمه قابل تأملی است که کمتر شنیده می‌شود و باید برای رفع مشکلات آن برنامه‌ریزی کرد.

پول نداریم که کار کنیم!

یکی از عوامل بازدارنده جهاد علمی این گزاره است که «پول نداریم» یا «بودجه نداریم». در حقیقت عنوان کردن فقدان پول و بودجه، به عنوان بازدارنده جهاد علمی ناشی از این پندار است که اولاً پول و منابع مالی مهم‌ترین عامل در تلاش علمی است، و ثانیاً این منابع مالی باید از ابتدای کار آماده باشند تا بتوان کار را شروع کرد.

این تلقی‌ها هر دو غلط هستند. در مورد تلقی اول، گذشته از اینکه پول و منابع مالی از عوامل درجه دوم موفقیت در جهاد علمی هستند، بسیاری از کارها در زمینه جهاد علمی هست که نیازی به منابع مالی ندارند و با امکانات موجود تشکل‌ها در دانشگاه‌ها قابل انجام هستند؛ به عنوان مثال جمع کردن یک تیم و دعوت اساتید و مطالعه، حول یک محور تخصصی نیازی به بودجه ندارد. همچنین در بسیاری از موارد نیز می‌توان از خرج‌های اضافی صرف نظر کرد، مثلاً اگر بودجه برای پذیرایی در یک همایش - که عمده هزینه برنامه است - موجود نباشد، می‌توان همایش را بدون پذیرایی برگزار کرد. حداقل چند قدم ابتدایی بدون بودجه امکان پذیر است، اما عموماً کسانی که این شبهه را مطرح می‌کنند، همین چند قدم اول را هم برداشته‌اند.

ثانیاً در صورت نیاز به منابع مالی هم، باید آن‌ها را فراهم کرد. نه این که صرفاً منتظر ماند تا خود به خود برسد. امکانات بسیاری در مجموعه‌های متعدد کشور وجود دارد که با مذاکره مناسب، جدیت در انجام کار و... می‌توانند از کار و پروژه حمایت کنند.

نیرو نداریم که کار کنیم!

پندار «نبودن نیرو» برای انجام دادن فعالیت‌های علمی نیز از عوامل بازدارنده جهاد علمی است، در حالی که کارهای ذیل جهاد علمی عموماً جذاب است و نیرویش را جذب می‌کند و نباید از ترس کمبود یا فقدان نیرو، کار را رها کرد. کافی است که برنامه‌های خوبی تعریف شود و به خوبی برای دانشجویان ارائه شود؛ چراکه بسیاری از آنان، خود این مشکلات حوزه‌های تخصصی را لمس کرده و برای برطرف کردن آن‌ها انگیزه دارند. در صورتی که انگیزه کافی هم وجود نداشته باشد، نشان دادن مشکلات و در تماس قرار دادن بچه‌ها با مشکلات خود باعث ایجاد انگیزه و جذب نیرو خواهد شد. اساساً مگر بدون کار کردن می‌توان توقع نیروی زیاد داشت؟! تا وقتی شکل کاری نمی‌کند، اصلاً نیرو برای چه باید به شکل جذب شود؟! این کار است که افراد را دور خود جمع می‌کند و برای شروع هر کاری تنها و تنها یک نفر کافی است.

ایده نداریم! نمی‌دانیم باید چه کنیم!

به علت خالی ماندن طولانی این جبهه، پرداختن به جهاد علمی کاری جدید و بدیع به نظر می‌رسد و لذا ممکن است افراد به

قدر کافی به آن فکر نکرده باشند و ایده‌هایی برای کارهایی که می‌توان انجام داد، نداشته باشند. اولاً یکی از اهداف نگارش این مجموعه پاسخی به این نیاز بوده است. در همین مجموعه ایده‌های متعدد و متنوعی ارائه شده است که هر تشکلی با هر میزان از توانایی می‌تواند آن‌ها را پیگیری کند. ثانیاً فکر کردن به این مسأله قطعاً راهگشاست. باور اینکه، مجموعه‌ای از جوانان دانشجویی یک دانشگاه و یک تشکل، ساعت‌ها را صرف فکر کردن به «چه باید کرد» در حوزه کار علمی کرده باشند، ولی به ایده‌ای نرسیده باشند، دشوار است! بسیاری از ایده‌هایی که در همین مجموعه ارائه شده است تجربیات واقعی تشکل‌های دانشگاهی بوده است که خودشان آن را تعریف کرده‌اند بنابراین این امر، امر محالی نیست. ثالثاً آگاهی یا مشاهده تجربیات تشکل‌های دانشگاه‌های دیگر و مرتبط شدن با آن‌ها نیز یکی از راه‌های مفید دست‌یابی به بانکی از ایده‌های جدید و خلاقانه است.

بنیه علمی مان ضعیف است!

بی‌توجهی یا کم‌توجهی به درس و تحقیق و پژوهش و ضعف بنیه علمی، یکی دیگر از عواملی است که مانع جهاد علمی می‌شود و عمدتاً هم گفته نمی‌شود، اما دلیلی مهم است؛ و دلیل عمده آن هم یا عدم اولویت‌بندی مناسب کارهاست که وقتی برای کار علمی دانشجویان باقی نمی‌گذارد، یا تنبلی است که ترجیح می‌دهد کارهای لذت‌بخش‌تر را انجام دهند! اولین

قدم در عرصه جهاد علمی، ضریب دادن به کار علمی است. البته روشن است که لزوماً نمره بالاتر به معنی بُنیه علمی قوی تر نیست، اما اصل توجه اعضای تشکل به مسأله علم و کار علمی و اهتمام برای خوب گذراندن اوقات تحصیلی موضوع مهمی است که باید فرهنگ آن در بین اعضای تشکل به وجود آید.

دو ن شأن انقلابی‌گری است!!

یکی دیگر از توجیحات تعجب‌آور این است که کار علمی دون شأن ما انقلابی‌هاست! و انقلابی‌ها باید کار فرهنگی کنند، نه کار علمی! اولاً کار علمی و کار فرهنگی هم عرض یکدیگر نیستند. می‌توان کار فرهنگی را هم به صورت علمی یا غیر علمی انجام داد. یکی از معانی کار علمی کردن، به معنای اندیشیدن و با علم و تدبیر کار کردن است.

این‌ها جز شعارهای اسلامی است... «و ایتاک و ان تعمل عملاً بغیر تدبیر و علم»؛ مبادا هیچ کاری را بدون تدبیر و دانش انجام دهی؛ همه کارها باید سنجیده و علمی صورت گیرد.^۱

ثانیاً این تفکر ناشی از نوعی سکولاریسم پنهان است، که ساختن دنیا را کاری خدایی نمی‌داند و فکرمی‌کند تمدن‌سازی و پرداختن به کار علمی یا اقتصادی، دوری از خدا و دل بستن به دنیا است! در حالی که این عرصه، امروز از مهم‌ترین عرصه‌های جهاد است که مقام معظم رهبری نیز تأکیدات مکرری بر آن داشته‌اند و مسلماً حضور در این عرصه، اگر با لوازم خود همراه

۱. در دیدار با دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲.

باشد (که در فصل هفتم اشاره می‌گردد) جهاد است و مفید برای دنیا و آخرت افراد.

حوصله کار بلندمدت نیست!

تنوع طلبی و «در لحظه بودن» یکی دیگر از آفت‌هاست؛ چراکه در وسط کار افراد جذب یک کار جدید شده و کار قبلی را رها می‌کنند. جهاد علمی به دلیل آن که درگیری با مسائل واقعی کشور است، طبیعتاً فعالیت‌های بیشتر و بلندمدت‌تری را می‌طلبد. اعضا یا فعالان تشکل‌های دَم‌می مزاج که حوصله و عزم کارهای بلند و مستمر را ندارند، نمی‌توانند کار مفیدی در این عرصه انجام دهند. این یک آفت جدی است که در بعضی تشکل‌های دانشجویی نیز متأسفانه رواج دارد. باید دقت کرد که هرکاری که در کشور به صورت موفق انجام شده است، ناشی از اهتمام و عزم بلند مجموعه‌ای از نیروی انسانی‌ای بوده است که زندگی خود را وقف آن موضوع کرده‌اند. یکی از تفاوت‌های اصلی رویکرد وظیفه‌گرایانه و مؤمنانه در کار کردن با رویکرد کار کردن دمدمی مزاج‌وار و از سر هوای نفس در همین روحیه است که باید برای علاج آن فکری جدی کرد و برنامه‌ای جدی داشت.



فصل هفتم: الزامات و ملاحظات جهاد علمی



الزامات و ملاحظات جهاد علمی

جهاد علمی نیاز به الزاماتی دارد که بدون این الزامات، کار علمی تشکل انقلابی با دیگر کارهای علمی که در داخل و خارج انجام می‌شود، فرقی نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر وقتی تشکل‌های دانشجویی انقلابی و دلسوز کشور، الزامات خود را وارد کار علمی نکنند، دیگر این کار متعلق به آن‌ها نیست.

این الزامات در ادامه با دسته‌بندی و برآمده از بیانات مقام معظم رهبری و بدون توضیح اضافی آورده شده است. باید این عناوین به عنوان شاخص در نظر گرفته شود و در ضمن جهاد علمی بررسی شود که آیا این شاخص در کار وجود دارد یا خیر؟

۱. بصیرت دینی

در زمینه علم هم همین جور است. اگر دانشمند علاقه مند به سرنوشت کشور، آماده فداکاری در این راه - فداکاری به حسب خودش - در یک کشوری وجود داشت، آن کشور رشد می‌کند. چیزی که می‌تواند این نیرو را به وجود بیاورد، این پیشرفت را به وجود بیاورد، بهتر از همه چیز، ایمان است.^۱

الف. علم باید با ایمان و روشنفکری هماهنگ باشد

جوانان عزیز من! دانشجویان، دانش‌آموزان و فرهنگیان

۱. در دیدار با نخبگان، ۱۳/۷/۱۳۹۰.

عزیز! باید تحصیل علم را با آگاهی و روشن بینی و روشنفکری از یک طرف و ایمان از طرف دیگر، هماهنگ کنید. این جریان شروع به حرکت کرده و تا به حال هم برکات زیادی به همراه داشته است. اسلام، این سه عنصر را با هم به ما می‌بخشد. برای ساختن نظام اسلامی باید این سه عنصر با هم و در کنار هم باشند. بهترین عامل برای جمع این سه عنصر، شما هستید.^۱

ب. ایمان باید بر کار علمی تسلط داشته باشد

اگر ایمان بر دانش غربی تسلط داشت، دانش غربی به بمب اتم نمی‌رسید، تا بعد این قدر توپش گیرکنند که چه کارش کنیم؛ محدودش کنیم؛ نگذاریم تا دنیا ویران نشود. کارشان اصلاً به اینجا نمی‌رسید. اگر ایمان با دانش همراه بود، اصلاً استعمار و استعمار نو - که استعمار نو مخلوق دانش بود - به وجود نمی‌آمد. تسلط بر کشورها، تصرف کشورها، تسلط قهرآمیز بر ملت‌ها و بردن ثروت ملت‌ها. که این بلای این دویست سال گذشته دنیا و ملت‌هاست. این‌ها اصلاً به وجود نمی‌آمد. علم جدا از ایمان، این است و شما در دانشگاه اسلامی، می‌خواهید این خلأ را پُر و علم را با ایمان آمیخته کنید؛ یعنی دانش را چه در بافت درونی خودش، چه در استنتاجش و چه در جهت‌گیری‌هایی که در آن به کار خواهد رفت، از ایمان سیراب کنید.^۲

ج. اسلام علم را با ایمان می‌خواهند

اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی،

۱. در دیدار دانشگاهیان و فرهنگیان در بابل، ۱۳۷۴/۷/۲۵.

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

با اخلاق و معنویت می خواهند. چقدر من از این جمله مناجات شریف شعبانیه که این دختر خانم در سخنرانی شان خواندند، لذت بردم: «الهی هب لی قلباً یدنیه منک شوقه و لساناً یرفع الیک ذکره» یا «صدقه و نظراً یقرّبه منک حقه»؛ خدایا! دلی به من بده که شوق و عشق، آن را به تو نزدیک کند. عالم مسلمان این را می خواهند؛ نزدیکی به خدا، معنویت، اخلاص، صفا؛ و این است که آن وقت این علم، این ذخیره عظیم، این خربه بزرگ در خدمت دفاع از انسانیت به کار می افتد؛ در خدمت امنیت انسان ها، عدالت بین انسان ها، صلح و صفای انسان ها و جوامع بشری به کار می افتد. ما این را می خواهیم. این را برای خودتان هدف قرار بدهید.^۱

د. بد است که متخصص ما قرآن را هر روز نخواند

بد است که متخصص ما و شخصیت برجسته علمی ما در سطوح بالای دانشگاهی، در قبال قرآن و مسائل قرآن، عوام محض باشد و به قرآن مراجعه نداشته باشد. از قرآن استسفار نکند و قرآن را هر روز نخواند. اگر فرزنانگان و نخبگان دانشگاهی و تحصیل کرده های ما، هر روز مقید باشند یک صفحه قرآن بخوانند، من گاهی می گویم نیم صفحه را با توجه به ترجمه بخوانند و در آن تدبر کنند، این خودش غوغایی به راه می اندازد. اگر بخواهیم این را درست کنیم فرهنگ سازی می خواهد و نیاز به تدبیر دارد.^۲

۱. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲.

۲. دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶/۹/۱۷.

۵. طالب علم به پارسایی نیاز دارد

باید این روحیه حَبِّ به علم، حَبِّ به تحقیق و عشق به اصل فراگیری و تحقیق را در دانشجویان زنده کرد. برای این کار، اساتید را توجیه کنید. برای این کار، نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهید. برای این کار، جلسات ویژه درست کنید؛ کسانی را دعوت کنید؛ با دانشجویان حرف بزنید. برای این کار، مصاحبه‌های تلویزیونی برگزار کنید که افرادی آگاه و هوشیار بنشینند، این مطالب را بیان کنند؛ تا همه جوانان بشنوند و این روحیه در آن‌ها زنده شود. روح پارسایی را قدری در دانشجو تزریق کنید. دانشجو قدری پارسا باشد. طالب علم، یک پارسایی طبیعی لازم دارد. هر چه که طالب علم به پارسایی نزدیک‌تر باشد، تجانس بیشتری با علم پیدا می‌کند و علم را بیشتر می‌پسندد، بیشتر جذب می‌کند و بیشتر قدر می‌داند و مغتنم می‌شمارد.^۱

۲. سخت‌کوشی

هر کس در هر راهی تلاش کند، خدای متعال در همان راه به او کمک خواهد کرد؛ این صریح قرآن است: «كَلَّا نَمَدَّ هُوَ لَاءَ وَ هُوَ لَاءَ». چه، کسانی که برای دنیا کار می‌کنند؛ چه، کسانی که برای شخص خود کار می‌کنند؛ چه، کسانی که برای آرمان‌هایشان کار می‌کنند و چه، کسانی که برای ملتشان کار می‌کنند؛ باید بدانند خدای متعال به تلاش تلاشگر کمک خواهد کرد.^۲

۱. دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲/۱۰/۱.

۲. در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، ۱۳۸۱/۵/۱۹.

الف. تنبلی علم را ضایع می‌کند

۱۴۱

الزامات و ملاحظات جهاد علمی

من بارها گفته‌ام که بزرگ‌ترین دشمن انسان، تنبلی است. تنبلی و بیکاری، از جهل هم بدتر است و حتی علم را ضایع می‌کند. آدمِ عالمِ تنبل، دارای فکر عالی، ولی تنبل است.^۱

در این حرکت [حرکت علمی]، تنبلی و تن‌آسایی و محوّل کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکتِ جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه میدان‌ها زندگی، جهاد لازم است. جهاد؛ یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده.^۲

ب. نگذارید تنبلی شما را وسوسه کند

یکی هم مسأله «کار سخت» نقطه مقابل تنبلی است. نگذارید تنبلی و راحت‌طلبی و تن دادن به زندگیِ دوراز مشکل، شما را وسوسه کند. اگر این حالت تنبلی وجود داشت، هیچ‌کدام از این کشفیات مهم علمی به وجود نمی‌آمد. شرح حال این کاشفان و مخترعان بزرگ را ببینید، چطور خواب را بر خودشان حرام کردند، سختی‌ها را برای خودشان هموار کردند، با مشکلات ساختند و رفتند تا به آن نقطه اساسی رسیدند. البته این موفقیت‌ها در بسیاری از موارد - شاید بتوان گفت در اغلب موارد - در نهایت هم برایشان فایده داشته؛ فایده مادی و زندگی و عنوان و پول و این چیزها را هم داشته است. لیکن این‌ها از اول هدفشان این چیزها نبوده است؛ می‌خواستند بروند تا عمق یک مسأله و یک

۱. در دیدار نمایندگان مجلس دانش‌آموزی، ۱۳۸۰/۷/۱۲.

۲. در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳.

کار را به دست آورند و به آنجا برسند. این را به عنوان یک توصیه قطعی عرض می‌کنم.^۱

ج. اینکه غرب برای ما می‌سازد، سروری است یا تبلی؟

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است؛ یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل آمریکا بر این کشور حاکم بود؛ و آن این‌که علم و صنعت و تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجی‌ها، اروپایی‌ها و غربی‌ها آماده بشود و به صورت محصول در اختیار ما قرار بگیرد؛ ما باید پول و نفت بدهیم و از محصول کار آن‌ها استفاده کنیم؛ این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الآن هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد؛ می‌گویند ما پول می‌دهیم، غربی‌ها برای ما می‌سازند، به این‌جا می‌آورند و نصب می‌کنند! گاهی احمقانه تصور می‌کنند که این یک نوع اربابی نسبت به غربی‌هاست؛ که ما پولدار هستیم، آن‌ها می‌آیند برای ما می‌سازند!

یک طرز فکر، طرز فکر درست است، و آن این‌که ممکن است ما علم و فن و صنعت را از بیگانه‌ای که آن را دارد و ما نداریم، بگیریم؛ اما اداره آن کار را خودمان به دست خواهیم گرفت؛ خودمان صنعت را انتخاب خواهیم کرد؛ آنچه را که برای کشور لازم است، خودمان به وجود خواهیم آورد. انسان باید علم را از هر کس که دارد، یاد بگیرد؛ اما نه این‌که یاد بگیرد تا مزدور او باشد. غربی‌ها برای ملت ایران و ملت‌های مسلمان دیگر، این را می‌خواستند.^۲

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵.

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۹/۱۳.

د. نباید به دستاوردهای کنونی قانع شد

۱۴۳



الزامات و ملاحظات جهاد علمی



من اصرار دارم بر این که جوان‌ها ما اگر توانستند دستاوردی داشته باشند، به آن قانع نشوند و نباید خیالشان راحت باشد که به جایی رسیده‌اند؛ نه، این آغاز راه است؛ این مُژده دهنده به شماست که می‌توانید.^۱

من در سرنوشت و تاریخ ملت‌ها یک قدری مطالعه می‌کنم - نه فقط در گذشته، در زمان خود ما هم همین‌طور است - می‌بینم که دو عنصر از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در پیشرفت‌های ملی برای کشورها، عبارت است از: یکی «خطرپذیری» و یکی هم «کار سخت و پیگیر و پشتکار» است.^۲

۵. می‌توانیم، اما تلاش لازم دارد!

ما بدون اینکه خودمان بخواهیم و اراده‌ای داشته باشیم، ده‌ها سال - از اواخر دوران قاجار تا تمام دوران پهلوی - ما را عقب نگه داشتند؛ این واقعیتی است. ما امروز باید عرق بریزیم، تلاش کنیم و همه توانمان را مصرف کنیم تا این فاصله را تا آنجایی که ممکن است، کم کنیم. اعتقاد بنده بر اساس تجربه و نگاه‌های علمی کارشناسانی که در این زمینه‌ها نظر داده‌اند، این است که «می‌توانیم»؛ این چیزی نیست که ممکن نباشد. در سنن الهی و قوانین آفرینش، راه‌های میان‌بُر، فراوان است؛ هنر این است که این راه میان‌بُر را کسی پیدا کند؛ بنابراین می‌توانیم؛ مُنتها تلاش لازم دارد.^۳

۱. در دیدار جمعی از مخترعان جوان، ۱۳۸۴/۱/۳۰.

۲. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵.

۳. در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۲/۱۲.

۳. خودباوری و امید به آینده

الف. بزرگ‌ترین عید برای ما، روز خودباوری جوان‌هاست

در ذهن من این است: برای ملت ما هیچ عیدی بزرگ‌تر از این عید نیست که انسان احساس کند جوان‌هایش به خودشان اعتماد دارند؛ اعتقاد دارند؛ باور دارند که می‌توانند کارهای بزرگ را انجام بدهند و این عزم را سخ را پیدا می‌کنند که این کار را انجام بدهند. عزیزان! این کار را انجام بدهید!^۱

ب. اساسی‌ترین قضیه امید است

عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه می‌توانید، شعله امید را در دل خودتان و در دل مخاطبان‌تان زنده نگه دارید. با امید است که می‌شود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیت‌ها کاملاً ما را به درستی آن نوید می‌دهد.^۲

این نگاه، خیلی نگاه خطرناکی است. در همین زمینه‌هایی هم که امروز شما مشاهده می‌کنید که در زمینه علمی در کشورتان پیشرفت وجود دارد، در همین زمینه‌ها هم بالخصوص بعضی‌ها می‌آمدند و می‌گفتند آقا فایده ندارد! ولی جوان مسلمان، جوان ایرانی، با همت، با انگیزه وارد شد و به سطح دیگران رسید و یک

۱. در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۵.

۲. در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.

جاهایی هم از دیگران حتی جلوتر هم رفت؛ یعنی به نسبت زمانی که صرف کرده، اگر ملاحظه کنید، جلوتر هم رفته؛ بنابراین، این تفکریکی از آن تفکرات بیراهه است. مطلقاً نگاه نومیدانه نباید داشت.^۱

ج. دنباله‌روی محض، بیراهه است

بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان می‌کردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال این‌ها باید حرکت کنیم! ما که نمی‌توانیم به گرد این‌ها برسیم، چه برسد به اینکه از این‌ها جلو بزنی؛ چرا بیخود زحمت می‌دهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است.

این معنایش این است که یک ملت - حالا ملت ما به عنوان یک نمونه - و ملت‌های گوناگون شرق و ملت‌های مسلمان از جمله، محکوم به این هستند که همیشه دنباله‌رو حرکت غرب و شاگرد دائمی آن‌ها باشند و هیچ وقت از خودشان امید نداشته باشند که بتوانند در آن سطح قرار بگیرند، چه برسد که از آن‌ها جلو بیفتند؛ هرگز چنین روحیه‌ای نداشته باشند. این، یک بیراهه بسیار خطرناک است که امروز متأسفانه از سوی استاد دانشگاه، از سوی متفکر سیاسی، از سوی بعضی از گویندگان مذهبی ترویج می‌شود؛ این درست ضد تجربه طولانی‌مدت بشری است. چرا؟ مگر خدای متعال یک دسته از انسان‌ها را این جور آفریده که همیشه باید جلو باشند؟ کدام واقعیت تاریخی این را نشان

۱. در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۷/۷/۷.

می‌دهد؟ مگر همین‌هایی که امروز در دنیا جلو هستند، در چند قرن قبل از این، ملت‌های عقب افتاده‌ی دنیا در همه مسائل گوناگون نبودند؟ دوران قرون وسطی اروپا مگر از یاد تاریخ رفته؟ دوران قرون وسطی - من بارها گفته‌ام - دوران تاریکی است، دوران جهل و ظلمت است برای اروپا؛ نه برای کشورهای مسلمان، نه برای ایران. همان دورانی که آن‌ها اسمش را گذاشتند دوران جهل و بی‌خبری و ظلمت و خواب، همان دوران در کشور ما و در کشورهای اسلامی، دوران عظمت و پیشرفت علم و فلسفه است و پیشرفت سیاسی و اقتدار سیاسی^۱.

د. خود کم بینی ممنوع!

در داخل متأسفانه، عده‌ای هستند که به قدری مجذوب و فریفته حرف غرب و تفکر غرب و مبانی غرب‌اند که حاضر نیستند بشنوند و قبول کنند؛ حتی آنچه را هم که پیشرفت علمی در کشور به وجود آورده است، تا دیگران تصدیق نکنند، این‌ها قبول نمی‌کنند!

من به یاد دارم، شاید حدود دو سال، دو سال و نیم قبل، آن وقتی که این سانتریفیوژهای ما مشغول کار شده بود و جوانان و دانشمندان ما توانسته بودند این‌ها را راه بیندازند و مسئولان وقت؛ رئیس جمهور و دیگران خبرش را گفتند، تعدادی از فیزیکدان‌های دانشگاهی که مردمان خوب و بسیار سالم و صادقی هم هستند، بعضی‌شان هم من را می‌شناسند، به من نامه نوشتند، که آقا! مبادا این‌ها را باور کنید! چنین چیزی اتفاق نیفتاده و ممکن نیست! حاضر نبودند باور کنند؛ قبول کنند. این،

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۷/۷/۷.

همان تلقین است. تا غربی‌ها؛ آژانس و دیگران، خودشان آمدند نگاه کردند، تصدیق کردند، اعتراف کردند که چنین چیزی را باور نمی‌کردند در ایران به وجود بیاید، آن وقت دیگران، دیرباورها، در داخل کشور باور کردند.^۱

۴. روحیه انقلابی

الف. دستگاه علمی کشور باید انقلابی جلو برود

کل دستگاه علم و دانش کشور، باید با یک دید انقلابی به مسأله نگاه کند؛ مثل آن کسی که فرزندش درون آب افتاده و دارد غرق می‌شود؛ مثل روحیه همان مبارزی که در دوران پیش از پیروزی انقلاب، هیچ چیز - نه زن، نه بچه، نه زندگی، نه خانه، نه راحتی - نمی‌فهمید و همه زندگی‌اش مصروف این می‌شد که کاری انجام بدهد. دستگاه علمی کشور، باید این طور جلو برود.^۲

ب. فضای انقلابی، لازمه درس و تحقیق

اگر خواستید از قول ما به دانشجویها چیزی بگویید، بفرمایید که به سهم خودشان سعی کنند فضای انقلابی را در دانشگاه حفظ کنند. برای درس خواندن و تحقیقات هم فضای انقلابی، فضای بهتری است. فضای انقلابی به معنای شلوغ کاری و بی‌انضباطی و خروج از خطوط تعیین شده نیست، بلکه به معنای دقت روی مواضع صحیح و پایبندی به اصول و جهت‌گیری انقلاب است.

۱. در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳.

باید کشور مستقل شود، روی پای خود بایستد و استعداد‌های درون آن بجوشد.^۱

ج. کار علمی روحیه انقلابی می‌خواهد، نه پول

البته تحقیقات لازم است، بودجه اختصاصی لازم است، فضای تشویق و میدان دادن به کار لازم است، اتصال دانشگاه با صنعت لازم است؛ همه این‌ها جزو لوازم کار است. البته مسئولیت به عهده ماهاست، به عهده مسئولان است، به عهده دولت است؛ در این تردیدی نیست ... لیکن آن‌که عنصر اصلی و میدان‌دار اصلی و پهلوان اصلی این میدان است، شما هستید؛ آن نیروی انسانی علاقه‌مند به کار است که مثل گیاهی که در دل صخره‌های سخت هم راه خودش را باز می‌کند، بیرون می‌آید و می‌بالد. این روحیه پیشرفت و روحیه تکمیل را باید در محیط مهندسی و فنی کشور زنده کنید؛ هم مجموعه‌هایی مثل شما که امروز این‌جا تشریف دارید، هم نظام مهندسی که مربوط به مهندسی ساختمان و عمران و امثال این‌هاست و هم بقیه بخش‌های مهندسی.^۲

مهم‌ترین اختراعات بشری آن اختراعاتی است که با تفحص و کنجکاوی و گذشت و فداکاری محقق به دست آمده؛ نه با سفارش، نه با پول. گاهی آن محقق در شرایط بسیار سختی قرار داشته، سال‌های متمادی را هم صرف وقت کرده تا بالاخره به آن نتیجه رسیده. البته بعد که به نتیجه رسیده، ممکن است اقبال و

۱. در دیدار مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴/۳/۲۹.

۲. در دیدار جمعی از مهندسان، ۱۳۸۳/۱۲/۵.

شهرت و پول و بقیه چیزها هم به او رو کرده، اما آن عامل اصلی، عامل شور و عشق و علاقه و میل به تحقیق و کنجکاوی و عمق یابی بوده. این، فرهنگ لازم دارد؛ این فرهنگ را باید تزریق کرد.^۱

د. رشد علمی به تنهایی ارزشی ندارد

اگر دانشگاه جایی شد که کسی از آنجا صادر و خارج می‌شود - متخرّج دانشگاه - نه نسبت به انقلاب حساس باشد، نه نسبت به دین حساس باشد، نه نسبت به کشور حساس باشد؛ نه نسبت به استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد، این دانشگاه هرچه از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت؛ زیرا که متخرّج و محصول این دانشگاه، راحت در اختیار سیاست‌های مختلف قرار خواهد گرفت.^۲

۵. آزاد اندیشی و نواندیشی

الف. نواندیشی و نوآوری، وظیفه آرمانی محیط علمی

یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسأله تحجّر، فقط بلای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همه محیط‌ها، تحجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گرایی‌هایی که بر انسان تحمیل شده - بدون این‌که منطق درستی به دنبالش باشد - یک بلاست. آنچه برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی

۱. در دیدار با اساتید دانشگاه تهران، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸.

۲. در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۷/۱۳۸۵.

تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم است.^۱

ب. حقیقتاً به آزاداندیشی نیاز داریم

اگر بخواهیم در زمینه گسترش و توسعه واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به این‌که از مواهب خدادادی و در درجه اول آزاداندیشی استفاده کنیم. آزاداندیشی در جامعه ما یک شعار مظلوم است. تا گفته می‌شود آزاداندیشی، عده‌ای فوری خیال می‌کنند که بناست همه بنیان‌های اصیل در هم شکسته شود و آن‌ها چون به آن بنیان‌ها دل بسته‌اند، می‌ترسند. عده‌ای دیگر هم تلقی می‌کنند که با آزاداندیشی باید این بنیان‌ها شکسته شود. هر دو گروه به آزاداندیشی - که شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است - ظلم می‌کنند. ما به آزاداندیشی احتیاج داریم.^۲

ج. آزاداندیشی مقدمه‌ای برای بارور شدن علم

ما باید این تجربیات ناشی از مباحثه و گفتگوی سالم و محترمانه و شجاعانه را به صورت تجربه‌های انباشته‌ای درآوریم تا بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم و علم را بارور نماییم. ... حکومت باید به صورت آشکار از برخورد افکار به صورت سالم حمایت کند.^۳

۱. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۲. در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸.

۳. در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸.

د. کلید تولید علم دینی

۱۵۱



آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یک جا و در کنار یکدیگر اداء شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.

برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن سازی و جامعه پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود.^۱

۶. عدم چشم داشت مادی داشتن

الف. کار علمی با پول موازنه نشود

انصافاً کار علمی و میدان علم، میدان جهاد است و سنگر بزرگی است. این را، هم به اساتید باید سفارش بفرمایید، هم به محققین، که کار تحقیقی را با پول مقایسه و موازنه نکنند، تا بلکه ان شاء الله کشور و این مردم عزیز ما و این استعدادهایی که وجود

۱. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه درباره ضرورت کرسی‌های نظریه پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.

دارند، بتوانند به جایگاه حقیقی خود برسند. ان شاء الله بتوانیم در این دوران، در میدان علم، حرکت حقیقی‌ای انجام دهیم.^۱

ب. مهم‌ترین پیشرفت‌های بشر، مابه‌ازای مادی نداشته است

من وقتی به تاریخ علم و ادب نگاه می‌کنم، می‌بینم اتفاقاً بخشی از مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی بشر و همچنین پیشرفت‌های هنری بشر، آن چیزهایی است که مابه‌ازای مادی که نداشته، هیچ؛ گاه مورد تحقیر و انکار هم قرار گرفته؛ انگیزه آن‌ها شوق، عشق و انگیزش معنوی بوده است؛ این را ناپایستی انکار کرد؛ ناپایست جلوی این را گرفت. همه جا دانش و تحقیق و هنر با پول مبادله نمی‌شود؛ با پول سنجیده نمی‌شود.^۲

ج. کار علمی برای پول درآوردن جزء فرهنگ اسلامی نیست

نخبگان این فرهنگ را بیش از دیگران می‌توانند در میان جامعه گسترش بدهند. این‌که یک انسانی با معارف فلسفی یا معارف عرفانی یا با دانشی از دانش‌های گوناگون بشر آشناست، یا دارای ذوق هنری است، این را یک ارزش بدانند؛ ولو کسی نداند؛ ولو تبدیل به پول نشود؛ ولو در بازار تنگ نظری‌ها مشتری درست و حسابی هم نداشته باشد. این فرهنگ، فرهنگ خیلی خوبی است؛ این چیزی است که می‌تواند جریان دانش و تحقیق و هنر را در کشور توسعه بدهد؛ و ما به این نیاز داریم. این جور نباشد که ما تصور کنیم اگر به هنر یا به دانش می‌پردازیم، برای این است که یک ما به ازای مادی دارد، که اگر اینجا به دست

۱. در دیدار مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۱/۸/۱۹.

۲. در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۴.

نیاوردیم، برویم جای دیگر. البته طبیعت انسان‌ها بعضاً کَشش به این سمت دارد؛ اما فرهنگ دینی و اسلامی این نیست.^۱

۷. توجه به مقوله درس خواندن

الف. بی‌اعتنایی به برنامه‌های درسی پذیرفته نیست

قشر دانشجو باید از فرصت موجود کشور استفاده کند و معلومات خود را زیاد نماید. بی‌سوادی، کم‌عمقی و بی‌اعتنایی به دانش و برنامه‌های درسی پذیرفته نیست.^۲

مسأله درس خواندن و پرداختن علمی است. حقیقتاً درس بخوانید. حقیقتاً باید در محیط‌های دانشجویی، جستجوی دانش باشد. آدم می‌بیند در بعضی از محیط‌های دانشجویی، دانشجو به معنای واقعی دانشجو نیست؛ یعنی در جست‌وجوی دانش نیست؛ یک چیز حفظی و سرهم‌بندی است؛ نگذارید این جور شود. حقیقتاً جوینده دانش باشید و دانش را فقط خواندن متن و فراگرفتن متون ندانید. الآن در جمع اساتید، قبل از اینجا، مطرح می‌کردم؛ دانشجو بایستی پرسشگر، متعمق، اشکال‌کننده به استاد، جست‌وجو‌کننده از زوایا و گوشه‌کنارهای بحث علمی بار بیاید.^۳

۱. در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۴.

۲. در دیدار جمعی از دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۸/۹/۲۹.

۳. در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

ب. درس خواندن، یک فریضه است

عزیزان من! جوانان با استعداد و خوب! شما بردوش خود این وظیفه را احساس کنید که خوب درس بخوانید و درس خواندن را مثل یک فریضه بر خودتان لازم کنید و در راه درس خواند و بالا بردن سطح علم در کشور، از چیزهایی بگذرید. همیشه همین طور است؛ انسان اگر بخواهد به اوجی برسد، باید از چیزهایی بگذرد و سختی‌هایی را تحمل کند. بالاخره انسان اگر بخواهد با کوهنوردی، فلان قله کوه را تصرف کند، باید سختی‌هایی را تحمل شود. این سختی‌ها را کسانی که در خانه نشسته‌اند، یا صبح بعد از نماز خوابیده‌اند، یا اصلاً حالش را نداشته‌اند و بدنشان را پیه گرفته است، تحمل نمی‌کنند؛ به آن نقطه هم نمی‌رسند.^۱

ج. علمی که عبادت می‌شود

یکی از راه‌های خدمت به کشور، از راه علم است؛ به همین دلایلی که قبلاً عرض شد که علم، مایه اقتدار ملی، مایه قدرت کشور، مایه ثروت کشور و مایه سربلندی هر کشوری است.

شما در درس خواندن و در حائز شدن رتبه‌های بالای علمی، اگر این نیت را بکنید، کارتان می‌شود عبادت؛ یعنی کار انسان - یک کار واحد - با دو نیت مغایر، دو حالت گوناگون پیدا می‌کند: گاهی همان کار می‌شود عبادت، گاهی همان کار می‌شود معصیت.^۲

۱. در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۰/۹/۸.

۲. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵.

◆ برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سروکاری نداشته باشند، و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه باشد.^۱

◆ چقدر جای تأسف است که انسان احساس کند که حتی بعضی از اهل علم، با کتاب، به معنای وسیع و صحیح خودش، سروکار ندارد؛ یعنی فقط از معلومات و محفوظات خودشان استفاده می‌کنند و به این دانشگاه و آن دانشگاه می‌روند و هفته‌ای چند ده ساعت، در این کلاس و آن کلاس درس می‌دهند. نتیجه‌اش هم این است که یک اهل علم، به تدریج منجمد می‌شود؛ یعنی معلومات جدید، به تدریج به صورت منجمد در می‌آید.^۲

با در نظر گرفتن این بیانات رهبر معظم انقلاب به عنوان شاخص‌هایی برای جهاد علمی، می‌توان امیدوار بود، تلاش‌ها بی‌فایده نبوده و نیز آفت یا آسیبی بر کارها مُترتب نگردد و به سرانجام خود برسد، ان شاء الله.

۱. پیام به مناسبت آغاز هفته کتاب، ۱۳۷۲/۴/۱۰.

۲. در دیدار ناشران و مؤلفان کتاب‌های برگزیده سال، ۱۳۷۳/۱۰/۷.

